۷۸۶



هذا کتاب مستطاب

فتح الغرایب

در اسرار علوم غریبه

در بیان طالع‌نامه زنان و مردان

در بیان طالع‌نامه بیماران

در بیان اسرار هفتادو دو دیو

در بیان طالع‌نامه کواکب و ستارگان

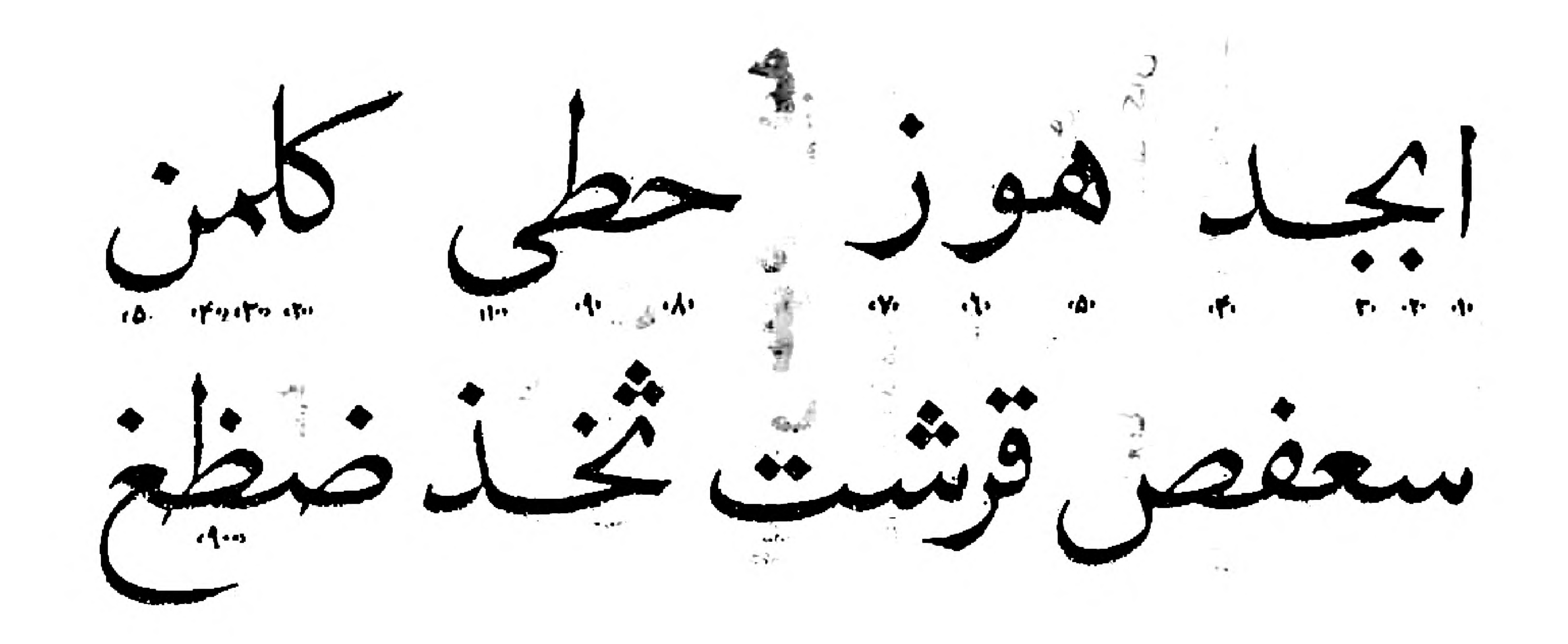
در بیان باطل‌السحر و احضار ارواح و جن

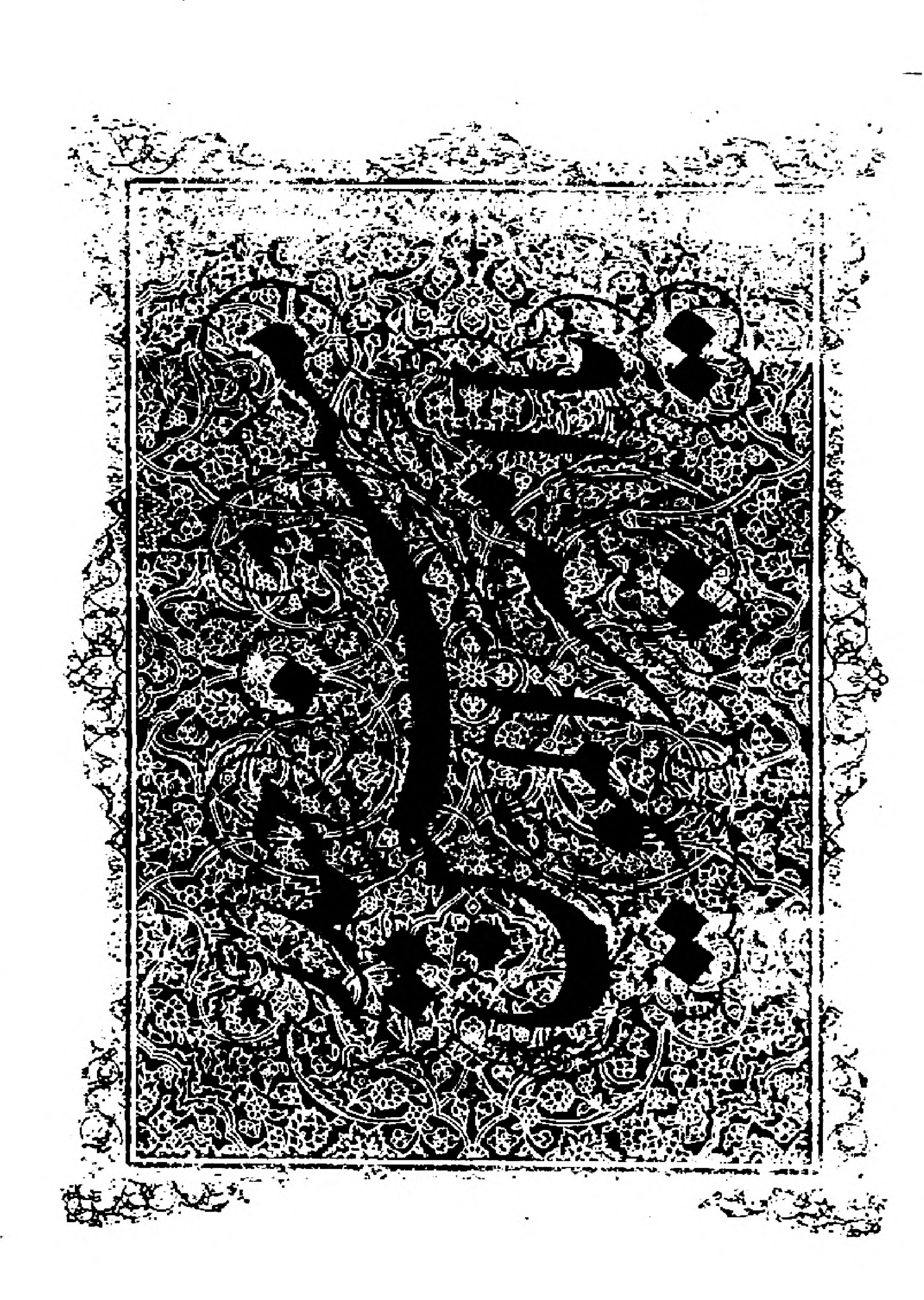
هفت پریان و موکلین و تسخیرات

تألیف:

شیخ امام معین‌الدین ابو عبدالله محمّد

معروف به مبارکشاه بلخی


ابجد هوز حطی کلمن
سعفص قرشت ثخذ ضظغ



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین اما بعد این کتاب در عالی است از قول امام به حق جعفر صادق
علیه السلام که طالع نامه مرد و زن و هفتاد و دو ملو و حساب خوشی
و دیگر از کل و عالمهای خیر و شر اگر خواسته باشی که بدانی
که طالع مرد و زن در کدام برج باشد باید که نام هر دو را
ابجد صغیر حساب کنند یعنی نام او و مادر او را العدد نگاه
باید دوازده دوازده طرح کند آنچه باقی ماند به بینند
کدام برج میباشد اما اسامی بروجات این است
۱ حمل ۲ ثور ۳ جوزا ۴ سرطان ۵ اسد ۶ سنبله ۷ میزان
۸ عقرب ۹ قوس ۱۰ جدی ۱۱ دلو ۱۲ حوت حساب ابجد

حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عشرات	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۲	۲	۶	ساقط	۱۱	۸	۶
مئات	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۴	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	م	ساقط
الوف	غ	لا	فتبارک الله احسن الخالقین						
کبیر	۱۰۰۰	۱۰۳۱							
صغیر	۴	۷							

طالع حمل هر کس که بر طالع حمل باشد رسید و جهت اگر او در اول آمده باشد سفید رو و دراز اندام و قد بالا و درست گو و سبز چشم و خندان روی باشد اگر بوجه دویم آمده باشد صاحب طالع او مریخ است سرخ رو و نیکو چهره و شیرین زبان باشد میل بر زردی زند و اگر بوجه سیم آمده باشد نظر به عطارد کند گندم گون و پیوسته ابرو و میانه بالا باشد و خانه مانش گشوده باشد و عیب کند که مال بسیار بدست آورد و اما وفا نکند هر چند که عمر او زیاده شود ماش بسیار تر شود اما از خویشان کم عزت بود و هر چند نیکوئی کند با مردم

بر مهتر ارند و خانه برادران خوار باشد ضعیف باشند و خانه مادر و پدر سرطان
باشد و در پیش ایشان عزیز بود و از دوستان راحت یابد و خانه فرزندان
او در اسد باشد نه اولاد در طالع دارد بسیار او از دختر بیشتر باشد اما بعضی
از اولادش با خطر باشد و خانه بیماری او سنبله باشد از جهت گرمی
و خشکی و خانه دشمنان او حوت است دشمن زیردست او باشد اما صاحب طالع
سفر بسیار کند باز بوطن آید و دائم عاشق صحبت باشد زنان با همت
در طالع دارد و طالع زنان قوس باشد با وسازا باشند و از حیوانات سم
شکافته او در خوب آید و زراعت و درخت نشاندن و از دوستان او مبارک باشد
ماه نو نظر بر شمشیر کند روز دوشنبه او را نیکو باشد و کاری که طلب کند
حاصل شود و از یک برج دشمن باشد و قران او در سرطان نیکی و همسایگان و شاکرها
و حاملان نیکی باشد چون بزرگ شود عمرش به صد و بیست سال برسد والله اعلم
طالع ثور چون مردم در طالع ثور زاید ماده زاید خاکی باشد او در روم
باشد اگر بوجه اول آمده از جهت نیکو رو و گشاده دندان میانه
بالاوش چشم باشد و اگر بوجه دوم آمده کشیده رو و دست سپید

بینی و سفید پوست بود و اگر بوجه سیم تولد یافته باشد

میانه بیح است سرخ رنگ و میل بسبزی زند و چارشانه و دلیر باشد

و این سنا با خاکی است و صاحب این طالع در جز بدن بیند

اشتراک کردن منفعت بیند و مال بسیار بدست آورد و خانه سابع کر

جوزا باشد مدافن کم و خرج زیاد دارد خانه برادر نشس سرطان

باشد منفعت کم بیند اما در پیش مادر و پدر عزیز بود و خانه

فرزندانش سنبله باشد فرزندان بسیار باشد دخترش از پسر

بیشتر بود و خانه زنانش ثور بود چهار زن در طالع وی باشد

وزنی خواهد که بطالع قوس باشد تا با او سازگار باشد و بیماری او زنورد

دل باشد اما مرد حسد رود و فراخ باشد و خانه سفرش جدی باشد

سفر او صوبه مغرب کار سازد و صاحب این طالع هر جا با مردم خوبی

کند بد بیند و کم عزت پیش قوم خویش خود باشد فکر و اندیشه بسیار کند

اما فراموش کار باشد پر درخت بزد و که رخت با ورسد و از حیوانات

اسب او را سازگار باشد و از فصلها بهار او را نیکو باشد حرام نوع

اندرین زدو واندر روز نا روز شنبه و جمعه او را خوب باشد هر کاری که
درین روز نا بکند نکو بود و صاحب این طالع باید که طومار نباشد که
قضائی بار رسد باید که زیر درخت سبز نخوابد که زحمت بیند و چون ماه
نو ببیند نظر بر گیاه سبز کند و در پیش بزرگ کند و دو بر دست چپ او
فرا نکرد تا کار او زودتر بر آید چون درخت پوشد باید سر ماه بنهد و نگین
انگشتر فیروزه کند تا او ساز کار باشد و صاحب این طالع زیارتی در
طالع دارد و قران او در هشت سالگی و هفده سالگی و شش سالگی باشد چون
چون ازین قران تا بگذرد عمر او به نود سال رسد والله اعلم طالع جوزا
چون کسی طالع خود از نام در یابد او را نیز سه وجه باشد وجه اول عطار
گندم گون بالا میانه سیاه چشم بود و اگر وجه دوم آمده باشد سرخ سپید
رنگ و چشم سبز و زرد مو باشد و وجه سیم آمده است فراخ سینه کوتاه بالا
خندان روی بخشنده باشد و در هر چه که کند کار او بالا گیرد و خانه مالش
سرطان باشد مال بسیار جمع کند اما زود تلف کند و خانه سفرش دلو
بود به سفر سوی مغرب او را ساز کار باشد و خانه دشمن او ثور باشد بسیار
نزدیک

کسان با او دشمنی کنند اما سهمی نکنند و خانه برادرانش سعد باشد [illegible]
و خانه مادر و پدرش حوطت باشد و خانه فرزندش میزان کم باشد بعلت
سبب نظر بد باید علاج کند و بیماری او از سودا باشد باید دائم همیشه
خون کم کند که بیماری بهم رساند اما بدان که هر که در طالع جوزا
باشد بهره روزی هست چرا که این ستاره پیغمبر است و مردی باشد
رحم دل بود در چهل الی مرتبه نیکی رسد از دنیا برود پیغمبر را که روی
و مردی راست گشاده دل اول زن بیوه نصیب او گردد از سه زن
او دختر او بود در [illegible] عیار و فرزندها رعیب لذت روزها حجه او را بیمار بر
بود و حیوانهای برنده او را نیکوتر باشد از معامله کردن و درخت نشاندن
مشغول باشد و درخت سفید او را مبارک است فراوان او ده زینه
و دولت و چشم نیکی و چهل و سال باشد چون بگذرد و عمر او به هفتاد رسد در عرض
سال یکم صدقه باید بدهد تا در امان خدا باشد والله اعلم طالع
سرطان بدان مردی که بطالع سرطان است او را شکوه باشد اگر
به ساعت عقرب زاییده باشد کرد رو و سفید پوست بود [illegible]

روز و اگر بوجه زهره آمده باشد خوب روی و نیکو چشم و شیرین زبان باشد
و اگر بوجه عطارد است زیرک و دانا و خوش نویسنده باشد این طالع از حق
متغیر است فرمش بسیار و بد و مبارک باشد نشانی در جانب چپ نیکو صورت
او باشد و آن نشان راست او بود و مرد رحیم دل و خندان رو و بیننده
باشد و نان ده باشد اگر خدمت بزرگان کند عزیز و کامکار باشد
اما زود خشم گردد و زود صلح کند هر چند که سن او بالا گردد مالش زیاده
شود باید شراکت با کس نکند که ضرر رسد و بر درخت نرود که او را هم
دوستی بود از برادر و اقربا ضرر رسد و در چشم آزار رسد و خانه سفر بس
سفر جانب مغرب او را سازگار باشد و زن در طالع دارد اولاد
جمعه او را نیکو بود و باقی روزها برابر باشد هر ماه نو ببیند نظر بر آب کند
تا مبارک باشد و لباس سفید باید پوشید و نگین انگشتر خود را عقیق کند
اما [illegible] باید دعای نادعلی را همراه کند تا کار او بلا گیرد
عمر او در بیست و نه سالگی و سی سالگی باشد چون از این سالها بگذرد
عمر او به چهار و هفتاد رسد والله اعلم طالع سرطان مردی که

طالع اسد باشد او را سه وجه است وجه اول که آفتاب در وی بود

سرخ رنگ و نکو چهره و قوی هیکل باشد و اگر بوجه دوم تولد یابد باشد

مریخ است بزرگ اندام و کوتاه گردن و سنگین خواب باشد و اگر بوجه سیم

آمده باشد ترحس اکثر و خوش آواز باشد مرد درشت گو و سخاوت دزد

باشد و نشانی در جانب راست او باشد آن نشان دولت او باشد

مال بسختی در دست آورد و اما بآسانی از دست بیرون کند و خانه دوم مدبر

و مار او عقرب باشد در نزد و مادر و پدر عمر تیز بود باید از مردم سفید و گربه

چهره حذر کند که مبادا در حق او بدی کند و زیان و ضیان او را بسیار است

باید که لب تعویذ و طومار نباشد خانه سفرش مشرق باشد مال بسیار

آورد و خانه زنان او دلو باشد سه زن در طالع او بود و از زن اول

مراد بیند و خانه فرزندانش قوس باشد بیشتر اولاد دشمن نیز باشد و مرگ

او در آب است و خانه دشمنانش سرطان باشد و تخم الغا رود از دنیا ماکول متفق بوند

کرد باید دعای زبان بند با خود داشته باشد تا از زبان ایشان ضرر نیابد اما هر ماه دوبند

این طالع از زول درد چشم در ماه ها باشد یک حجی بهشت در وی باشد

درخت نخواند که ضرر رسیند و جامه کبود او را نیکو باشد کهن انگشتری را
فیروزه کند و قران وی در اسنگ و واسنگ و به سال نود حذر از این
فرانها کند بود عمرش به نود سال رسد والله اعلم طالع سنبله
هر مردی که بطالع سنبله باشد بر سه وجه است اول عطارد رو فروغ [illegible]
کند بیکن میانه بالا سیاه چشم و کوتاه گردن اگر وجه دوم متولد شده باشد
[illegible] سرخ رو و سفید اندام چابک باشد و وجه سیم سبزه و رشید و دانا
باشد مردی راست زن دوست در سینه نشانی دارد و ایشان نیکی
و خوبی او باشد دولتمند باشد صاحب طالع کار بهتر دست و کاهل باشد
باشد بسیار در پیش بزرگان نشیند و درویشان را دوست دارد و خانه زنان او
عقرب باشد سه زن در طالع دارد زن او فرمان بردار او باشد خانه
فرزندانش جوزا است فرزند او بسیار بود اما بیشتر دختر باشد از اهل خانه
خویشی دشمن او باشد اما ظفر یابد باید از و حذر نماید از زن [illegible] که
تا [illegible] را در خواب نبیند و از ماهی ها مال سؤال او را حکم بود ولد روز [illegible]
روز چهارشنبه او را [illegible] باشد از او حذر نماید و بیماری

و بسیاری سختی در طفلی کشد و قران او در سالگی و سیزده سالگی

و هجده سالگی و سی شش سالگی بود چون از اینها بگذرد به شصت رسد

ان شاء الله تعالی   طالع میزان برجی باشد بادی و خانه زهره

چون آن مردی که بطالع میزان زاید در شوال متولد شده باشد او در صورت

اگر بوجه اول است سیاه چرده و دانا و زیرک و خرد و ممیز باشد

اگر بوجه دویم آمده باشد نویسنده و خواننده باشد سیوم بیش

چشم و دور زنده بود و سفر کردن را دوست دارد و معامله

کردن را بسیار دوست دارد والله اعلم باید که سفر نماید و حرکت کند

اگر با کسی شریک شود ضرر رسیده و میل کند که مردی باشد غضبناک

از کشتن مردن بهره باید و خانه زنان او عقرب باشد از زنان

کم دوست دارد زنان در طالع وی بود و زن هم او را جادو کند

و خانه مرگ او میزان باشد آخر عمر عزیز و دولتی باشد والله اعلم و دیگر

زنان او مال او بخورند و او را چهار زن باشند او را بسیار خوب

باشد چون ماه نو بیند نظر بر سبزه کند زیرا که او در سالگی و هیجده سالگی

و چهارده و چهل سالگی باشد حذر از زمین بلند کند و عمر او بصد سال رسد

والله اعلم طالع ثور هر کرا برج ثور باشد او مردی باشد میانه بالا خوش اندام و جسیم

و خوبروی اگر ... باشد گردرو و خوش سخن و میانه بالا باشد

و فرزند مادر و پدر او دو باشد پیش مادر و پدر عزیز باشد خانه و زندگی کند

شوهر بود اما بیشتر اولاد وی دختر باشد و خانه زنان او عقرب باشد

اگر زن اول بمیرد سه زن دیگر خواهد و بسیار در خواب شود و از بلندی

بترسد و در چشم رحم او را بیم بود باید که این تعویذ طومار باشد مردی صادق

القول و بی کینه باشد و از ماهها ماه شعبان او را

نیکو باشد و همیشه زندگانی بردن خوش کند و سوره ... الله سعد

خانه دشمنان او مریخ باشد اما از زنی بدی بیند ... او کند در باره

باید که از و حذر کند همیشه جامه کبود پوشد نگین انگشتر عقیق

از حیوانات ... او را بسیار خوب باشد قران او در ... سالگی

و ۱۲۰ ساله و شصت سالگی باشد حذر از آنها کند و عمر او به هشتاد

هشت سال رسد والله اعلم طالع قوس مردی که طالع قوس

قوس باشد بر سه وجه است نیکو روی و شیرین زبان باشد و به
اغلب سپید پوست نیکو صورت دراز بالا و جسم مرو زیرک
و دانا و نویسنده باشد و خوش طبع باشد و در کارها چندین بسیار کند و هر چه
و [illegible] همه را در راه خدا صرف نماید و یک چیز روزی او گردد یا در این
دنیا کاری کند که ثواب آخرت داشته باشد چرا که مرد راست گو است
از راستی کار او بالا گیرد و خانه زنان او عقرب باشد و دو [illegible] طالع
و درد و خانه پدر و مادر او میزان باشد و در زیر آن عمر بود و خانه
بیماری او ثور بود چون بیمار شود بسیار طول کشد و مرگ او [illegible]
از خون کردن عاقبت باشد و از حیوانات همه قسم او را خوب [illegible] و از
ما [illegible] سال بنگ که پارسی نیل گویند از ماهها ربیع الاول و شنبه روز ما
او را خوب باشد و فرزندان او [illegible] و [illegible] باشد [illegible]
تصدیق [illegible] ان شاء الله تعالی طالع جدی مردی که طالع
باشد [illegible] که او را [illegible] سه وجه باشد اگر [illegible] اول باشد بلند بالا
و [illegible] باشد اگر [illegible] باشد [illegible]

گون کرد رو کوتاه بالا سخن گو باشد اگر سیم آمده باشد مشتری کار دست
شنود و دراز بینی گرد کاه گرد موی دراز باشد و خانه باش و لو دست مال
فرو کند اما برکت نیابد و خانه برادران او نور باشد میان نور دردرازی
او صدای اعتد و خانه مادر و پدر او جوزا باشد بلند بتمار دست نیستند
خانه زنانش سنبله باشد چهار زن بر طالع وی باشد از زنان
خوش نبیند که زن میراث بسیار یابد و در خانه فرزندان فرزند دست
بیشتر او را دشمن بزند دست خانه بیماری او سنبله باشد بیماری او لند
کژدم و ضعیف بود و خانه مرگش میزان دست مرگ او از زهر و شکم دست و خانه
سفرش حمل دست سفر کردن او را نیک بود روز یار روز شنبه او را
نیکو بود در پیش بزرگان گذرد و بر دست راست قرار گیرد تا مراد
او حاصل بود و در عرض ماه چهار دینار باید صدقه بدهد تا کار او با
کرد قران او در ده سالگی نه سالگی پنجاه سالگی و صد سالگی بود چون
عمرش از این بگذرد به نود سال برسد انشاءالله طالع دلو
مردی که طالع دلو باشد بر سعد بیت فقه او کم بود و نشان موی بزرگ

بزرگ اندام و پارسا باشد وجه دویم آمده باشد موزرد و چشم

چشم و پیشانی و ابروان او باشد وجه سیم مرد بزرگ منش و دانا و خردمند

بود اما صاحب این طالع را سعادت بدو رسد باید که بی تعویذ و طلسم نباشد

تا از شر او ایمن باشد مال بسیار جمع کند همه را از دوستان و خانه

فرزندان او صدی باشد از اول دختر بیند و خانه ما عدو پدر او کور باشد

و در چشم مادر و پدر کم امید بود و خانه زنان او نکو باشد زیرا که در

نکاح آورد زن اول پارسا و سازگار باشد و خانه فرزندان او سخت

باشد دختر او از پسر بیشتر شود و مرگ او به تیغ باشد زنی لند خانه زانی

بزرگ بخواهد بسبب او در مشقت افتد و تن بیمار کند تا هلاکت رسد

باید با آن دشمن او پی باشد تا از شر ایشان ایمن گردد و بسیار

به دولت رسد چون عمر او بالا گیرد کارش بالا رسد و لذت سال

سال نوی نیل و از ماهها ماه قربان و از روزها جمعه او را نیکو باشد

چون ماه نو خواهد بیند نظر بروی سبز پالیع کند و جامه سفید نو پوشد

انگشتری با قوت کند قران او در مشتری و با ... سالگی

و نوروزه اکی چون از اینجا بگذرد به هفتاد و هشت برسد الا ما شاء الله تعالی

طالع حوت مردی که طالع حوت باشد بر سه وجه است اول

سرخ روی و سیاه چرده باشد وجه دویم سبزه و آسیا دوست و لدد و ملان

باشد وجه سیم زیرک شد و دانا و نویسنده و خوش حس باشد و خانه فرزند

قوس باشد از آنجا خبر رسد و خانه سفرش سنبله بود سفر او بسمت قبله

سازگار بود و میل کند که کاری از پادشاهان بسیار کند اما از بزرگی

صاحب دولت باشد و خانه دشمنانش قوس باشد و دشمن بسیار دارد و

دزدیشان با وی حذر کرده و خانه بیاری دو و میراث باشد بیماری

او از سردی و صفرا باشد و در طفلی تا خوشی و سختی کشیده

و خانه زنان او سرطان باشد و کار زن در طالع وی باشد

از زن میراث یابد و با زنان مصلحت بسیار کند و بیمار اگر شد

باشد زراعت کردن و درخت نشاندن در دوست او خوش آید

ربیع الاول

باید به تعوید و طوبی زربایشد تا از همه بلاها ایمن باشد و بدنها با

زنده ز تا بجست و دو شنبه او را نیکو باشد و از مستوفیان او دیه اوایل

تا بکار

مادینه او را بسیار کار باشد چون جامه نو پوشد قرمز پوشد
و نگین انگشتر عقیق کند قران وی در روز شنبه باشد و هیچ وقت ناپاکی نگذارد
و پنجاه و پنج ساله که باشد حج آرزو کند و نیکویی کند عمر او نود سال رسد ان شاء الله تعالی

طالع نامه زنان

طالع حمل هر آن زنی که بطالع حمل آید روسپید و فربه است
گندم گون باریک میان و خوش عیش باشد عجب باشد که از شوهر
اول جدا شود و بسیار اندیشه مند باشد و اگر جدا نشود شوهر اول جدا شود
بسیار گناه و مکر خواهد رسید و در سینه او خالی باشد و چهره دو کم سرخ
سفید و سرخ رو و باریک قد گربه چشم میانه بالا باشد و چشم
سبز رنگ و بانمک باشد اما زن وفاداری بود هر حاجت که از
خدا خواهد رفته باشد طالع فرزندانش بسیار باشد اما کم ماند تا
بسته گردد باید علاج کند تا اولاد او از زحمت ایمن باشد و از جامه ها
زرد و سرخ او را خوب باشد و از روزها روز پنجشنبه او را بسیار
و چیزها از شیر و گوسفند خورده از وطن بغربت دور رود آشنا شود

باید که بطالع سعد باشد تا با او سازگار باشد و زنی که با طالع اثر
سرخ موی و زرد موی و دندان پیش او و دهن او معیوب شود باشد
تا باشد که شوهر زبان با او دوست بود اما در دل دشمن او است
باید صاحب این طالع از او حذر کند که مبادا در حق او بدی کند ولد
آتش زحمت بدی کرده و از روز چهارشنبه حذر کند که روز نحس او
بود چون بمرد کسی که حاجت دارد بدست چپ فرزند کرده تا مراد او
شود و باید دعای زبان بند با خود داشته باشد تا از شر آن
ایمن گردد و هرکه طالع ثور بود هر آن زنی که بطالع ثور زاید
بر آید زن نیکو روی و خوش خلق باشد اما مال خود را به همه کس روا کند
و هر چه داند خورد و بر بستان کند درویش بود و خوش سخن باشد
زنی میانه بالا کمر باریک دراز مو باشد و در روی کورد است یولد
و با شوهر مدارا کند که بهتر دوست و گاهی بیمار شود تا از رنجه
فرزند بهست دلیل کند که فرزند بیاورد و کم ماند مگر سه ولد
روز تا روز آوردن ولد با مهتا ماه رجب او را نیکو بود و اگر تقویم

شوهر کند بهتر باشد و در هر خانه که او باشد انجا نه بهشت

و دایم لذ در دسو و شقیقه و درد چشم نالان باشد حکما گفته اند

که اگر خواهران باشد این دو عمارا نوشته با خود دارد اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان

یا دیان یا برهان یا سبحان یا سلطان یا

هو یا اله الا هو ۱۸۱ ۹ ۱۱۱۱ ۹ ۱۱۹ ۱۲ ۱۲

ع ۱۱۱ ۸ع ۱۱۱ ۱۲ ۱۱۱ ح ۱۱۱ ح ۱۱ ۱۳

۴ ۲۲ ۵ طالع جوزا هر آن زنی که در

طالع جوزا باشد بر سه وجه است وجه اول سفید روی باشد

اما اندک سرخ روی زند و نیکو خو و شیرین سخن باشد و وجه دوم سبز

رنگ نیکو رو و سیاه چشم بود و وجه سیم بلند قامت سیاه مو

با بر رو یا بر بدن یا دست چپ نشانی باشد و آن نشان

نشانه مال بخت او باشد اما شوهر دوست باشد و بلند فرزند روزی

مند بود و میل کند که ده فرزند در طالع وی باشد هر

چند

با مردم خوئی کند و پندارید باید که بی باطل آسحر باشد و دیگر
او را شوهری باید کرد و طالع او با وی باشد تا با او سازگاری
کند بیماری او تند خشک و صفرا بود باید همیشه خون کم کند و از درد
سر و شقیقه همیشه زحمت باشد و دلیل کند که و نکاح در طالع
وی باشد از روز شنبه و روز چهارشنبه او را خوب بود و از روز دوشنبه
و شنبه حذر کند که او را آن روز چنین ماه نوشته نظر بر روی طفلک
نابالغ کند قران او در هشت سالگی و سی و ده سالگی و نوزده سالگی
باشد چون از اینها بگذرد عمر او به هشتاد رسد ان شاء الله تعالی

طالع سرطان هر آن زن که بطالع سرطان زاید بدان که
سرطان برج آبی است طبیعت او گرم و خشک است بر سه وجه است
وجه اول زهره رنگ سرخ و سفید نرم گرد و چشم باشد وجه دوم
گندم گون سیاه چشم ستبر و شکم باشد و گوید وجه سیم آنچه باشد
گرد رو سفید صورت سکته مو فراخ سینه بود و بر هر جه در جای
دوست باشد بزبان بیاورد و مادر ده فرزند باشد و کشیده

کند که زن چابک و نیکوکار بود و وی عفیف و خردمند باشد

و با مردم سازگار باشد عجب نیست که زن شوهر اول جدا گردد

و زن شوهر دوست باشد اما جدا و بدان طالع با هرکه

نیکوئی کند بد بیند از بد خصوص شمس و وی زنی باشد که زن و کودکان

او بود بدی درباره او بسیار کند و بیند که بدیکه چون زده و میل شود

و از نظر شوهر بعیت باید با جادو علم از مردم و با طرف سحر و عقد

بستان باشد تا از شر بد کوابم گردد اما و میل کند که گاه گاه

بسته کند و سبب او جفا باشد که در طلب آب روان رفته گشته

باو ریزند با ده و آن بیشاب کرده طفل بهزادیش انجرو ممنوع با

آنهم بخت او را بسته که اولاد او را مجروح نماید و بشدت

بازو بهر کسیکه این نشانها از زن شوهر شود باید علاج کند تا طلعت

او باز و دعای ام صبیان با مشک و زعفران نوشته با خود دارد

چون ماه نو بیند نظر بروی زن بالا کند که ماهها مقدار

روز نا و سینه او را نیکو کند و از جامه ها رنگ دار نپوشد

کبود کوشد فرزان او در مقشیانی و یا بهم باکا و نوزده سالی باشد چون
بعد از بیمار گذرد بعضی از شد انشاء الله تعالی

طالع اسد

هر آن زنی که در طالع اسد از مادر تولد یافته باشد او را سه چیز
و چه او کر حرف شنو باشد و زن دانا و زیرک باشد اگر موقع
از مکان تولد یافته باشد تن او قوی و پیوسته ابرو و پیشانی
سینه او بود اگر باشد خالی نشود کشیده تا او را عیار کیا باشد
در چشم کربه چشم و زرد موی و دندان پیش او معیوب بود
اما زنی باشد رحیم دل و مهربان و با خویشان آمد و شد کمتر کند
کارها را رسوا کنند و بعضی از خویشان او را حسد برند و حرف
بیهوده درباره او بسیار گویند باید که از مهمان خدای تعالی با خود دار
باشد تا در شر ایشان ایمن بود و بیماری او در زرد و ناف و گلو
بود و میل کند که یازده فرزند بیاورد اما کم باید الا سه یا پنج
از ده زیاده نماند که در زیر ناودان آسیا کرم ریخته دست ضعف
پهلویش را سوخته آهن بادی بر روی مسیه که اولاد او در شکم
بادر

در شکم ما درپا در ایام هفته ناقص کند و اولاد و او در وقت مرگ نازد

و منقبض و لاغر کرد و از روزها روز یکشنبه و از ماهها ماه محرم الحرام

و اگر ماه نو سعید نظر به جمع کند و از رحمت با سرخ پوشد و زن

و مردی او و لا [illegible] کند از نظر سوم سعید بچه بکه خواند و بند

باید که از اسم اعظم و باطل السحر و عقد اللسان باشد و دعای

زبان بند با جهود رشته باشد و از شر اسباب ایمن شود و اوان

او در حساب [illegible] زنها کمی [illegible] چون از انها عدد ز و عمر شش

هشتاد و هشت سال رسد انشاء الله طالع سنبله مهران [illegible]

که طالع سنبله باشد سه وجه است اول افتاب [illegible]

و نیکو رو و رحیم دل باشد و اگر توجه دوم متولد شده باشد

زهره است سعید رو و میانه بالا فصیح زبان و فراخ روزی

سفر دوست [illegible] سیر کند که زن حوصله و خوش همش باشد

و اگر توجه سیم امده باشد طالع قمر است خوش صلح و نیکو رو

و نیکو گفتار باشد و در یکجا قرار نگیرد و پیوسته از [illegible]

بر شوهر مبارک بود و ملک و هن باشد و در نهاد دنیا هیچ کس

دریغ ندارند و در خانه پدر و مادر بغربت بود و بمیرند

یا در پیری کسی را خورده باشد اما زنی سنگین کار بود و کار

نیکو کند و میل کند که چهار ماه بیند او را و در طالع بود لذ

اولاد ما بیش تو صبر باشد و در نسا اولاد با و غم رسد

و در جمع اولاد و شادمانی بیند اما صد او مذا این طالع را

با هم لو باشد روز چهارشنبه و شب یکشنبه در خطر باشد

هر کس را که این نشانه از و ظاهر شود باید علاج کند مبادا

بباید این دعا را نوشته با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

لا غالب و لا تمسون و لا تقتلان الا الله

ما الکون و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة

للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

٥٢ ١١١١٢٢ ٥٢ ١٢ ٩٩٩ ٢ ٥ مم ح ح طو ٩

طالع میزان هر آن که طالع میزان دارد

از مادر متولد شود نیکو روی و صباحت چشم گندم گون باریک میان

بلند بالا فراخ سینه بود و میل کند که زن خود چشم گردد و از صلح

کند اما از زنان خود بی نصیب بود و مال شوهر را که دارد

و میل کند که دروغ گفتن او در بسیار رود و دروغ گوی بسیار منبع

کند و صاحب این طالع فرزندانش در طالع پنج بود

اما گاه گاه بسته گردد و فرزند او نشود بسبب علت و دلیل

کند که فرزندان او بسبب علت و نظر بد بسیار در رنج باشند

و بسیار آرزومند و لاغر باشند از جهت معالجه و جالینوس

حکیم معجز نماید که صاحب این طالع در گردند و درلب جزینه

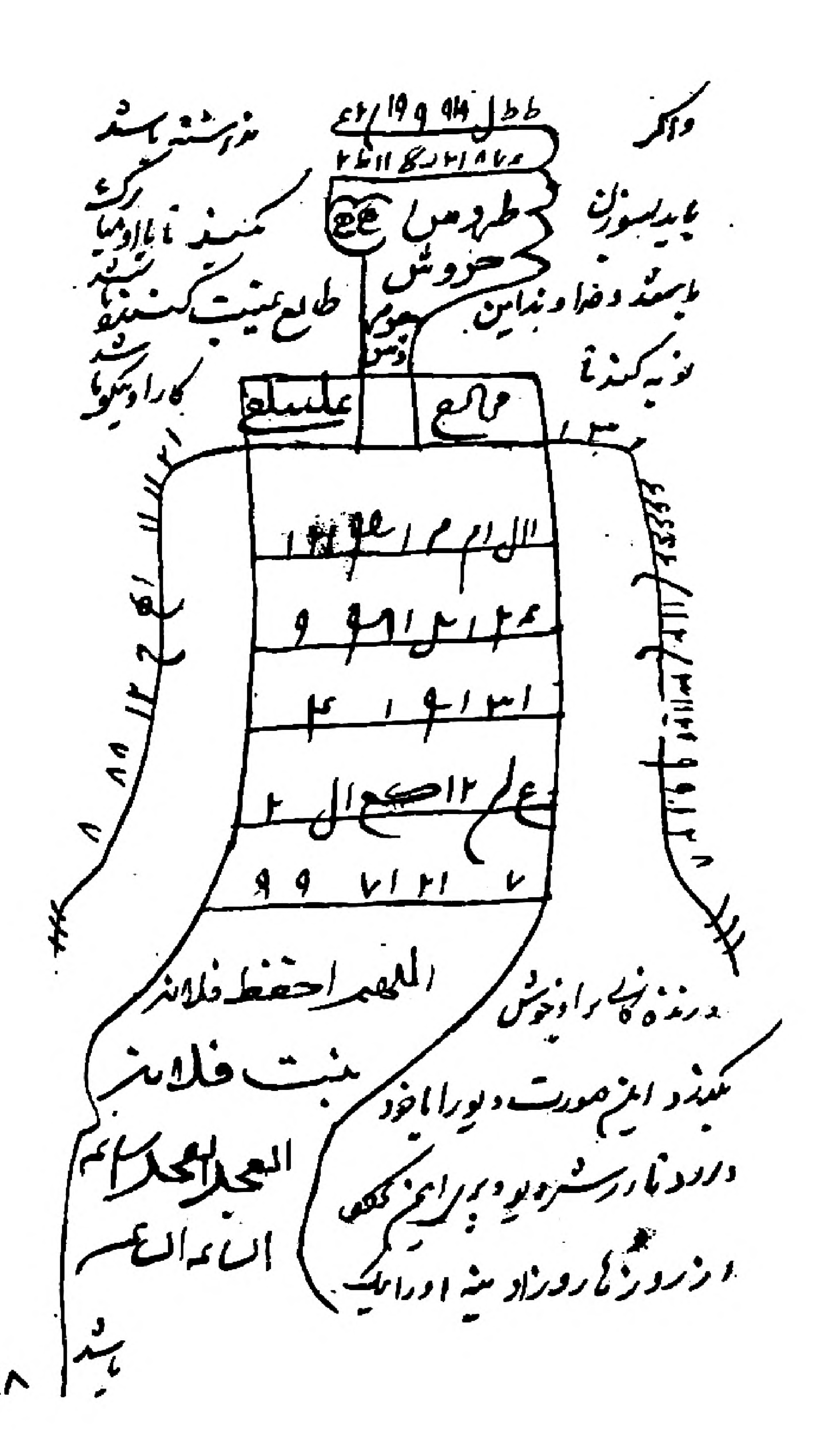
حمام با کنار آب و آن معرفت طفل بر پیراد برسانند

آنهم محبت و پیراسته و علت بر بدن اندازد که حامله شود یا آنکه

حامله شود فرزند او را در شکم ساقط کند یا در هفته و یکساله

نابود کند هر که این نشانها از وطن ها شود علاج کند و دعای

ام صبیان بندد با خود دارد و صاحب طالع نشانی بر گردن دارد



اللهم احفظ فلانه
بنت فلانه

باشد و لذا ماهی ماه رجب او را بسیار شود و ماه تولد او گردد
بزیته ماه لقا ببینند و قران او در هفت سالگی و نوزده سالگی
و نود و نه سالگی بیم حتی گردد و عمر او هشتاد و هفت سال رسد
بعون الله تعالی طالع عقرب بهار انکه در طالع عقرب
از مادر متولد شده باشد او را سه وجه باشد وجه اول آمده باشد
مریخ زشت سرخ روی شکفته اندام نیکو روی و نیکو خو و گرچه چشم
باشد اگر بوجه دوم آمده باشد مشتری باشد گندم گون سیاه
چشم شیرین زبان باشد و اگر بوجه سیم آمده باشد زهره باشد
دراز روی و نیکو قد و قامت بلند و درست گور اورا دوست
داشته باشد و میل کند که فرزند بیاورد از یک فرزند
شاد نباشند و لذا فرزند کم باشد و بعضی که با این طالع
باشد که فرزند نیاورند علاج باید که تا فرزند او شود و طبیعت
او گرم و خشک است و دشمن بسیار دارد و اما ظفر نیابند
همیشه باید این طلسم ماهی سیاه با خود دارد تا از شر دشمنان

ودیگویان ایمن باشد و در نظرها محبوب
کند و زن سرخ رو و زرد چشم
در بابا او جادو کنند و مرف
بد و بابا او بسیار گوید
با طلاسم سحر و عقد ایشان
نیز با خود دارد
از شر او
ایمن باشد
و دیگر از
دروغ و غیبت
خود را نگاه
دارد و از خانه
که آن زن باشد
بر بیمت و باز گشت
باشد و هر فرزندی که
از و بوجود آید
فلان بن فلان
فلان
از او کر
فرمش به مادر و پدر مبارک باشد
بحق محمد و آله
الطاهرین
از نگاه اول بکند و یک نگاه دیگر
طالع ولد رنج سال او بسی رسد
کار او بالا گیرد

۱۱	۱۱	۲	۱	۲		
۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۲	۱	۲
۱۱	۳	۳	۴	عم		
۱۱	۳	۲	۲	۱	۲	۳
۱۱	۱۲	۱	۹	عم	۸	
۱۱	۹	۲	۹	۱	۵	عم
۱۱	۷	۲	۸۱	۹	۱	
۱۱	۹	۱	۸	۱۲		
۱۱	۹	۹	۹	۱۹	۱۹	
۱۱	۸	عم	۹	۸	۹	

و دو میل کنند که مال زیاد بدست او آید همه را بخورد
دوست دارد چون ماه نو بیند نظر بروی دوستان بالغ
نماید تا باو مبارک باشد و بوار نروز تا روز یکشنبه
او را سازگار باشد و قران او در دو سالگی و نه
سالگی و بیست سه سالگی و سی چهار سالگی بود چون از
اینها بگذرد عمر او بنود و سال رسد ان شاء الله تعالی
طالع قوس هرکه در طالع قوس از مادر متولد شده باشد
او را سه وجه است اول مریخ است سرخ و سفید
و تمام بالا و ابرو پیوسته باشد اگر بوجه دوم آمده
باشد عطارد است سبز رنگ بود و بسیار زیرک سخن چرب
مند بود اما بسیار بزرگ قالب بود و ملک کند که غم بسیار
خورد و اما حزن او را غذیه یکه و سختی در طفلیت کشیده
در رنجی که مثل مانده و اگر بوجه سیم آمده باشد آفتاب است
سخن شنو باشد ولد سعادت و علما و فضلا و مشایخ نکار

او بالا کند و در دستش زخمی یا ورمی رسد و دلیل کند که زهره
خشم کرده و در دفع صلح کند و دلیل کند که فرزندها آورد
اما کم پاید در پایه بلند اما گاه گاه بسته کرد و بسته حیله
علاج باید کرد تا خوب شود اما خداوند این طالع را اگر زن
بسیار باشد خصوص زنی دیگر را جادو کند که تا او را از نظر شوهر
مغبون شده خوند و دلیل شود باید که یا ملک السحر و اسم اعظم
نباشد تا در شر او ایمن باشد و او را از زور و سر و شقیقه رنج شند
باشد و بیمار نزد بیندی باید بنویسد با خود دارد چون ماه نو
نظر بروی خود کند و در روزها روز یکشنبه او را بسیار خوش باشد
و قران او در شش سالگی و چهارده سالگی و دوازده سالگی
و چهل و چهار سالگی باشد چون از اینها بگذرد و عمرش به هشتاد
هشت سال رسد انشاءالله تعالی طالع جدی هر که
طالع جدی باشد او را بزاید بر سه وجه باشد و چهار اول بکور و سیاه و
چشم گندم گون و باریک میان باشد و اگر بر وجه دوم باشد اندک

باشد سبزرنگ بالابلند قد باریک باشد و اگر نیم
آمده سرخ رو و زرد مو و گرد صورت بود و نیکی کند
که در نیمه چشم کند و در نیمه صلح کند و صاحب این طالع لذ
حلال روزی ببیند و حرام او را بسازد و اگر یکدرم کم
در خانه او باشد ده درم حلال از وی برود و در آن
امانت و دیانت دار باشد اما در پیش مار رود و در عمر سپر گرم
بلی و نیکی کند که فرزند بیار روا اما کم ماند و فرزندان شتر از
سبب چشم زخم در رنج و تب باشد باید و عا نظر بند با وی باشد
و دعای سر تا پا نوشته با خود دارد و نظر بند در بازوی طفل
ببندد تا ایمن باشد و خداوند این طالع را زنی دشمن باشد
و در حق او بدی کند و جادو نماید و دل سرد میان او و شوهر آورد
اندازد باید که عقد اهلبیت و اسم اعظم نوشته با خود دارد
و او را شوهری باید که طالع جوزا باشد تا با او سازگار
و دستی کند که سه شوهر کند شوهر آخری با وساز گار باشد

اما خداوند این طالع در تمام کارها که کند باید دروغ گویند
و نیت کنند تا کار او با تمام رسد باید کردن بار زران او
نشانی باشد و آن نشان سیاه که کنی او بود و ماه اگر بینند
نظر بود رسید تا بالغ کند و فرزانه او در سالها شش و در سالهای
و هجده سالگی و چهل و دو سالگی بود چیزی کند و نیمرش نیکو و نه
رسد بها اندکی **طالع دلو** هر زنی که طالع دلو
در زمان بزاید سه وجه است اگر بوجه اول در زمان متولد
شده باشد بلند بالا و سفید اندام باشد و اگر بوجه دوم
آمده باشد عطارد درست گندم گون و شیرین سخن باشد
و در هر کاری باید صبر در رسته باشد تمام او برسد اگر بوجه
سیم آمده باشد میانه بالا و چهار شانه و بلند بود و خداوند
این طالع شیرین زبان و فراخ روزی باشد و بر دست او
نشانی باشد و آن نشان سیاه که کنی او باشد و در هر خانه که
او باشد آنجا با برکت بود و در زمان و چون رفت باد

بدو رسد و از حیوانات کردسم او را مبارک باشد و او را

شوهری باید که در طالع آبی باشد تا با او بسیار نکار مهر

و وصل کند که دو شوهر در طالع دارد و با شوهر نقصکور

تکرار کند هوسه باید تلیم طلسم با او سرا در روز پنجشنبه قدر

دهه اول

زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة

با جود

و ارد و دور

درخت جوز رید و

بصفیه با د رسد که مرس

کرد و شوهر با او

که شخصی کوتاه قد سر بک

بزبان با وی دوست

باشد و وصل کند

فربه اندام

باشد دماغ

نوح

دشمن او سخت جادو در باره او کند حرف بیهوده در
باب او بسیار گویند باید که صاحب این طالع ایمن نباشد
و دلیل کند که ده فرزند بیاورد و داغ وسیله فرزند
هم از دولت امیرالمؤمنین کم رسد و در یک فرزند
نیکوئی بسیار بوی رسد و ماه نو از نظر بروی زیان
نگاه کند تا اثنا و بروی خوش باشد و در روز بر وی دوشنبه
وجه او را نیک بود و قران او در مشک و سبب پاکی و سجده
سازگی بود چون بمیرد عمرش نود سال رسد صدقه دهد
تا بلا از وی باز باشد طالع حوت هر آن زنی که
بطالع حوت از مادر متولد شده باشد بر وی ج آبست بر سر
وجهت اول مشتری است پاکیزه و خوش دل بود و اگر
بوجه دویم آمده باشد عطارد است گندم گون سفید اندام
باشد و اگر بوجه سیم از مادر متولد شده باشد مریخ است سبز رنگ
خوش سخن میانه بالا باشد اما بد خوی بود و زود خشم گیرد [illegible]

[illegible]

و زود صلح کند زنی باشد رحم دل هرچه بشنود دل او شکسته باشد
بر زبان بیاورد و او را حرام و دروغ نشمارد و میل کند
که از شوهر ایمن بود و طبع وی سرد و خشک است و در روی
گرم و نرم کو باشد نافع است و زنی باشد نیکو اعتقاد و خجسته
و مبارک رو اما دایم در غم باشد از علما و فضلا
منفعت یابد و بوی رسد و روز دوشنبه و پنجشنبه او را نیکو بود
و میل کند که از شوهر اول جدا شود و دو شوهر دیگر
بکند و مادر یازده فرزند بود از فرزندان کم روزی باشد
و زن میانه بالا صاحب اختلاط زبان دوستی میکند
اما در دل دشمن وی باشد هر کو او را بسیار میگوید
چون ماه نو ببیند نظر در آب روان کند تا بر وی مبارک شود
به هر خانه که او باشد آنجا نه پر روزی باشد و از وطن
خود بجای دیگر رود و از درد سر زحمت دارد باید دعای
نزله بندی با خود داشته باشد و نگین انگشتر عقیق و یاقوت

کند و در جا مهانقبش و خود رنگ بپوشد و قران او در دو سالگی

و هشت سالگی و نوزده سالگی و چهل و دو سالگی تو خون ریزد ضعف

یکم زد عمر او به نود رسد ان شاء الله تعالی در باب طالع شمار

که به شود یا حظ او چگونه باشد باید که چهار و مادر او را به حسابات :

ابجد وار آورد و دوازده طرح کند و بعد از آن به حساب

حساب کند معلوم شود حساب ابجد صغیر و کبیر

آحاد	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
عشرات	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱	۸	۶
مئات	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۳	۸	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۶	ساقط
الوف	غ	فتبارک الله احسن الخالقین							
کبیر	۱۱								
صغیر	۴								

حملا ثورب جوزاج سرطاند اسده سنبلهو

میزانز عقربح قوسط جدیی دلویا حوتیب

بر گله گویند که هر که بطالع حمل باشد زحمت او در روز شنبه

باشد و زحمت از دیو باد رسیده باشد و نشان آن باشد

که آتش یا پیرامن او نهاده و نام خدای تعالی بر ده اگر خواهد

از آن زحمت خلاص شود باید زهره کلاغ سیاه با اینها

در زیر دامن او دود کنند تا انشاءالله به شود این است

۲۱۰ ۸۷۸ ۱۰ ۳ ۴۳ ۱۲۱ ۱۲ ۴۴۴ ۸۸ ۶ ۴۸ ۸ ۶۱ ۱

طالع ثور بر پراکنده گویند که هر که بطالع ثور باشد زحمت او

در روز سه شنبه بود و زحمت از دیو سیاه کوتاه قد سرخ موی

کافری با و رسیده و اندر فرزندی و داشته این کس کار

سر فرزندان دیو گذاشته اگر نه بدو درد پشت دایم نالد

باید که قدر وزن فران گندم بکشد و شنبه در زیر سر کند و

تا صبح تصدق کند مصحف با چوب صندل و پیل و زعفران

دعا در زیر دامن دوده کند و تا چهارده روز قران دارد
چون لذ چهارده روز بگذرد به شود بعون الله تعالی

۱۱۳۱۱۲۱۲۱۰ ی ۱۸ ۱۲ ۸۹ ۲۱۲۲ ۹ ۲ ۲ ۳ س ۱۲ ۱۲

طالع جوزا بر نژاد گویند که هرکه در طالع جوزا باشد
۳ آنکه رنج او در روز پنجشنبه باشد از زن نیکا فری مقرت
یا در رسیده و آنرا بود دو سر دارد و دیگر او جز سر مرغ
و سر دیگر او چون سر سگ باشد این کس بر سر آب رفته
دید در خواب بجهة یا بر سر آن گذشته و اورا آزار رسانیده
آنهم با دی بوی رسیده لذا بجهت سخن بیهوده و هذیان
میگوید تا ده روز قران دارد اگر خواهد ازین رنج خلاص
شود باید که لذ هفت خانه نمک بیابد و اورا نان کند و بخورد
بهتر و بهشفا یابد انشاءالله تعالی طالع سرطان بر نژاد گویند که
بطالع سرطان بیمار شود دلیل کند که رنجت او در روز
پنجشنبه خواسته در زیر درخت بید رو باغ او رسیده

رسیده

ازان سبب سرش درد میکند وچشمش باریک ومزاج او

تلخ هم حکما فرموده اند که دررو ی وی ا شتر حست وخیار

چنبر و راز بانه و موی سیاه باشد همه را باهم بکوبد

و سه روز ناشتا کوبند و پوست ار با اینها دور زیردان

او دودکنند ۱۱۱۱ س ۷ ۳۱۵ ۱۴۵ ۱۰۵ م ۳۴۲ ۵ ۴۳۲ ۹۱۱

طالع اسد چنان کویند که هرکه بطالع اسد بیمار شود

زحمت او در روز چهارشنبه باشد از دیوی که سرهنگ

دیوان است وجای او در مکان خاک روبه و خاکستر باشد

چون کسی را بیند که طعام خورند نام خدا بجای نزده باشد

اندیو زحمت با ورسانیده و نشانه آن باشد که رنگ او

زرد باشد اگر خواهد که ازین رنج خلاص شود باید تخم کتان

شب تا صبح بخیسانند و کوفته سرد کنند بخورند و تا یازده

روز قران ذابح این طلسم را با زاق و شنفه در زیر دامن دود کنند

۸ ۱۲۹ ۳۸ ۱۴ ۳ ۳ ۲ ۱ ۱۴ ۸ ۴ ۴ ۴ ع

طالع سنبله بهزاد گوید که هر که بطالع سنبله بیمار شود
باشد و میل کند که زحمت او در روز پنجشنبه رسیده است
و زحمت از دیو بالا بلندی که جای او در کوهستان باشد
و در روشنائی کار خود را با و نموده و نشان او آن باشد
که سست و لرز کند اگر خواهد که از این رنج خلاص شود باید موی
سر آدم سیاه رنگ و چوب انار با هند عا در زیر دامن او دود کنند

۲۲ ۲ ۳ ۵ بم ۱۰ ۴ ۸ ۹ ۹ ۹

طالع میزان بهران کسکیه بطالع میزان باشد و میل کند
که زحمت او در روز آدینه مبتلا شد و آتش بر سر آب روان
رفته و پا بر سر دیو گذاشته آمد زحمت تو بیمار هند نشانه
آن باشد که میلش بغذا نکند و دایم تن او سنگین باشد اگر
خواهد که خلاص شود باید قدری خاک از چهار راه بردارد
و قدری آب از چشمه که رو بقبله باشد بردارد و خاک را
با آب مخلوط کند غسل کند بعد از آن موی سیاه با صندل

و رازیانه

در آن مایه با این طلسم در زنبرداران کهه نماید به بخور دهنده شفا می کند

طالع ۵۲۶۹ ۴۲ ۸۸ ۲۱۲۱۸ ۴۱۰

عقرب بزرگ گوید که زحمت او در روز چهارشنبه باشد درد دو یکه مقام در رهگذر خانه باشد آنکس بادی بر سر او گذاشته آنهم زحمت بوی رسانیده اکنون لذ دردو حلیه اندام دارد و حرف بسیار گوید اگر خواهد که ازین رنج خلاص شود باید از پنج خانه آرد ونمک لستاند وا و سلامه نان کند یکی بر سر چها رراه گذارد و بیکی سنگ سیاه وچه و یکی را خورد شفا یابد و پوست انار و صندل بار سفند امیدها در زنبر دوان کهه کنند

۸۴۲ ۳۴۳ ۳۳ ۲۴ ۱۲ ۱۲ ۹۹۹۹۹ ۰۰۰۰۰۰ ۰۱۰

طالع قوس بزرگ گوید که هرکس که در طالع قوس باشد زحمت او در روز سه شنبه بیمه باشد در زنبر درخت میوه دارد خواسیه موردان سنگ مران وبهشت اندازشته

آمد تو منزل در زیر امد زحمت درشته والملک بدندان

آمد تو خورده اهم زحمت بوی بیاید اکنون سر و شکم

و دل و ناف وی و اهم درد میکند و اعضای او

سست شود اگر خواهد که ازین درد نجات یابد

برگ انگور سیاه و برگ زیتون و برزک با اینجا

در زیر دامن دود کند به شود انشاء الله تعالی

۸۲۲ ۲۲۲ ۴ من ۴ ۲۱ ۸۸ ۱۰ ۶ ۲ [illegible]

طالع جدی بر مرد او گوید که هر که بطالع جدی زاده

شود زحمت او در روز دوشنبه بجهت و بمشرق

از دیو کافری باشد و از آن تو دست دارد چون بار

بر دست و پای او چسپیده از آن جهت ارز و درد جمله اعضا

نماید اگر خواهد ازین رنج خلاص شود باید نسخه خود

نویسد با این طلسم در زیر دامن دود کند که شفا یابد

۱۰ ۲۱ ۸ ۱۰ ۲ ۱ ۲ ۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۸ ۸ ۲۲۲ [illegible] ۱۱ ۵

طالع دلو پیر زاد گوید هر کس که بطالع دلو متولد باشد

مضرت از دیو سیاهی باشد و مقام آن دیو در کوهستان و زیر

پل و در میان طویله باشد و صاحب این طالع در راهی تنها

گذر کرده و نام خدا تعالی نبرده بود از نسبت زحمت با او رسیده

و درد در همه اندام مینالد وقتی حال او خوش و وقتی

ناخوش باشد باید که موی بز کوهی و پوست زنجبیل و پوست

مار با اسپند یکجا در زیر دامن او دود کنند انشاء الله شفا یابد

۲۱۰ ۱:۱ ۲۱ ۱۱۰ ۱ ای س ۷ ۳ ۹۹۹۹۹ ۵۵۵ ۱۱ه ۵

طالع حوت پیر زاد گوید هر کس که باین طالع باشد بدانکه زحمت

او در روز شنبه باشد و این کس پا بر سر فرزند پریزاد

گذاشته و دست او را مجروح نموده آن هم زحمت باو

رسانیده نشان او آن باشد که کمر و شقیقه و دندان درد است

او درد میکند و دایم بنالد اگر خواهد که ازین رنج خلاص شود

باید استخوان ماهی و پوست مار با اسپند یکجا در زیر دامن دود کنند

کند ۱۲۱۲ ۸ ۸ ۲۴۲ ع ۲ ۱۰۸۸ ۲۲۴ ۹۵ ع م

نقل است که هفتاد و دو دیو در نزد حضرت سلیمان علیه السلام آوردند و هر یک مضرت او نیز که بمخلوق میرسانند بعرض رسانیدند و مهر او و دعا را که آنها را دور نماید بحضرت عرض کردند در فواید بعض

هفتاد و دو دیو

دیو اول علاج جامه بریدن پاپا کردن و هرزه کاهش زن و بچه

دیو دوم علاج زبان ور آشفتن شود

دیو سیم علاج کودکان که بسیار گریه کنند

دیو چهارم علاج خون از دهن و بینی آمدن گویند

دیو پنجم علاج درد دست و کرم بنی آدم

دیو ششم علاج ضایع کردن و هر کاهش و نقص عقل گویند

دیو هفتم علاج چهارپایان مثل اسب و استر و شتر و غیره آنها

دیو هشتم علاج رنج بدن و جمله اندام او فرماید

دیو نهم علاج اطفالان که ترس و وحشت باشند

دیو دهم علاج یک دیوانه که ناگاه بر آدم سودی نماید

دیو یازدهم علاج درد شکم و قولنج نماید

دیو دوازدهم علاج کبد و ضرر زن و گشایش آن کند

دیو سیزدهم علاج آدم مصروع و دیوانه نماید

دیو چهاردهم علاج درد گلو و دهان کند

دیو پانزدهم علاج زبان و درد و ورم او کند

دیو شانزدهم علاج سگ دیوانه گزیده کند

دیو هفدهم علاج درد شقیقه و فارسی چشم کند

دیو هیجدهم علاج او که بی عقل باشد و هذیان گوید

دیو نوزدهم علاج کسی که همیشه رنجور باشد کند

دیو بیستم علاج بان بستن و دیوانگی نماید

دیو بیست یکم علاج ناشنو کهش و دیوانگی نماید

دیو بیست دوم علاج تب لرز و تیمار سلک نماید

دیو بیست سیم علاج خصومت میان زن و شوهر نماید

دیو بیست چهارم علاج زنی که بچه را در شکم ناقص کند.

دیو بیست پنجم علاج آدم
دیوانه که دشنام دهد

دیو بیست ششم علاج درد
گوش نماید

دیو بیست هفتم علاج درد
رحچه و درد معده نماید

دیو بیست هشتم علاج ریح
الطف کند

دیو بیست نهم علاج برشیل
اطفال در روز و شب بیمار

دیو سی ام علاج دیوانه
و مصروع که کف کند

دیو سی و یکم علاج سرگ
و لرزیدن اندام نماید

دیو سی دوم علاج مفلوج
و سستی اعضا نماید

دیو سی و سیم علاج بستن
زبان و درد گلو بود

دیو سی چهارم علاج درد
همه اندام و بدن نماید

دیو سی پنجم علاج ریش
بدن و سر آورده باشد

دیو سی ششم علاج ضرر
و هر کس که در خانه بیمار باشد

دیو سی هفتم علاج کسی که
کف بر لب آورد و پیوسته
همچو هذیان گوید

دیو سی هشتم علاج طفل
که همیشه بیمار باشد و بیمار
او زنده نشد نماید

دیو سی نهم علاج درد گلو و صفرا گوید

دیو چهلم علاج ترس و خوف نماید

دیو چهل یکم علاج دل سردی و عداوت گوید

دیو چهل دوم علاج کسی که زبانش بسته باشد گوید

دیو چهل سیم علاج زنانکه فرزند ها حفظ کنند

دیو چهل چهارم علاج بادباق و زانو نماید

دیو چهل پنجم علاج وسوسه و بچه و هذیان ها

دیو چهل ششم علاج درد و پیچ میان گوسفندان

دیو چهل هفتم علاج گهن و سوزی کی [illegible]

دیو چهل هشتم علاج درد سینه و کرده

دیو چهل نهم علاج لشکر در بیع افتند و تشویش شود

دیو پنجاهم علاج کسیکه نماید بچه مفقوت باشد

دیو پنجاه یکم علاج درد همه اعضای انسان

دیو پنجاه دوم علاج جنگ در میان مردمان

دویست پنجاه سیم علاج ریش
ناسور را گویند

دویست پنجاه چهارم علاج خارش
چشم و ازارم

دویست پنجاه پنجم علاج ترسیدن
و لرزیدن گوید

دویست پنجاه ششم علاج درد
معده و درد شکم

دویست پنجاه هفتم علاج درد جمله
هفت ازارم

دویست پنجاه هشتم علاج درد گوش
و درد و ل گوید

دویست پنجاه نهم علاج سکته
استفراغ و غثیان ...

دویست شصتم علاج سکته
بترسد ا برزد

دویست شصت یکم علاج دیوانه
که خود بخود بخندد

دویست شصت دوم علاج ادرار که
ازار ادرار بخود رشد و ملا کرد

دویست شصت سیم علاج زن و شوهر
که با هم سازگار نباشند

دویست شصت چهارم علاج زرد آب
و صفرا ...

دویست شصت پنجم علاج دیوانه
که دو نفان بهم ساند

دویست شصت ششم علاج رگهای ...
و ریزه و شق شدن کند

تتمه

دیو هفتصد و ششم علاج تشنج طفل هر ساعت دیک بر یک کتفی

دیو هفتصد و هشتم علاج حبسه که گریه بسیار کنند

دیو هفتصد و نهم علاج سکته زیاده از حد لقوه سکته آنها هستند

دیو هفتصد و دهم علاج ریشه چشم در پستان کتفی

دیو هفتصد و یک علاج طفلیکه کمر لاغر دیو هفتصد و دو علاج نقصان بچه و همراه در شکم باشد و ضرر به آدم و رسیدن ضعیفت

والله اعلم بالصواب و علیه التکلان

باب الفصل دیوهای هفتاد و دو گانه دیو اول

نقل است که او را نزد حضرت سلیمان آوردند فیروز عاقبت او گفت که حضرت فرمود چه نام داری و مقام تو کجا باشد و چه صنعت بمردم رسانی دیو گفت یا نبی الله مأوای من در زمین باشد و در خانهای مردم روم و کار من آنست که روی خود بمردم نمایم تا بترسد و از خوف برزند و سخن نتوانند گوید و جامه بر تن پاره کند و دست و پای خود را

بدندان فرو کرد هر ساعت روی خود را بد و بنمایم تا حال
او بدتر بشود و از خود بیخبر شود اگر فوت علاج او نکنند
هم مرگ او بود سلیمان فرمود که ای ملعون علاج او چه بود گفت
قدری سرکه با تخم مرغ با هم بیامیزند و نسوار از دماغ او
بکشند و گلاب با پودینه بهم بکوبانند تا سه روز بیاشامند و دیگر
بکوبند و بوی خوش با اسفند دود کنند و در روی سهل باد گذارند
که او را نافع باشد

دیو دویم

او را نزد حضرت سلیمان آوردند
فرمود که ای ملعون تو چه نام داری و جای تو کجا باشد و دیگر تو
بر مردم زحمت ساری و او گفت یا نبی الله نام من شماش و کار من
و جای من در میان زنان باشد و بدی من آنکه مهر آنان
با مهر شوهری گرم کنم تا حمل بد کنند و بچه دان ایشان
بسته شود و آبستن نشوند سلیمان گفت ای ملعون علاج
او چه بود او گفت دست خرس و زهره گرگ و منقار
خروس را با هم بکوبند و در روغن مخلوط نمایند و در پشم شتر

ریخته برکرد چون از حیض پاک شود و ناشتو هر جمع شود

و بار کرد و سیاه دانه و راز یانج برنز و ان جو کسند

دیو سیم و پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود ای ملعون

چه نام داری مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله

نام من ملکوک دیو است و جای من در سر گهواره

طفلان است و کار من است که بچه که تنها باشد من آن

را در خواب بترسانم بچه را اکنم و باد بر بوی ... چون ... باد ور

رنگ او سیاه شود و گفت بردبان آورده اند در پیش برزند

سلیمان گفت ای ملعون علاج او چه باشد دیو گفت موی خرس

و اسفند در زیر دامن او دود کنند و مشک و نعناع و تخم کاهو

و تخم خیار و انار دانه و موی سیاه و معجون مفرح باو دهند

شفا یابد دیو چهارم را نزد حضرت سلیمان آوردند

فرمود که ای ملعون چه نام داری و مکان تو در کجا باشد دیو

گفت نام من سخران دیو است و جای من در همه دهات

میباشد و غذی من آن باشد که چون آگاه بزرگ گاه کوچک تمام
و در نظر او همزاد نمایم تا بیمار شود و کف بر آورد و بیهوش شود
شود و خون از بینی او روان شود سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت سیاه دانه و پوست خیار و تخم
ریحان و آب سیر که با هم صلایه کنند و قطره‌ای از آن آب
در دهان و بینی کنند و زاغ با بارو با هم بکوبند
و بر بالای دیوان نهند که مجرب است دیو بیستم
نزد حضرت حاضر کردند گفت ای ملعون چه نام داری
و مقام تو در کجا میباشد دیو گفت یا رسول الله نام من
عفریت دیو است و مقام من در خرابها میباشد هر کسی
که نام باری تعالی نباشد مضرت باو رسانم تا بیمار شود و علاج
علاج نکنند و بر او نجات نباشد حضرت فرمود چه باید کرد
معالجه او را دیو گفت زهره خرگوش و زهره مرغ سیاه
مخلوط کنند در بینی چکانند و این تعویذ را نوشته بر دوش بندند و

شفا باید بسم الله الرحمن الرحیم یا نور علی النور یا من

هو نعم النصیر و کونوا الی الله و جاء بعبد الواحد

اللهم صل علی محمد و آل محمد یا الله الا احد

١٩٩ ٢٢٢ ٩١١ ١ الله الا ٥ ١٩ ٥ ١١١ ٥ ١٢

دیو ششم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود کای ملعون

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من

سعدان دیو است و مقام من در لب آب روان و خانها باشد

چون مردم سر و پا برهنه از خانه بیرون روند و نام غذا مستقیما

ببرند چون خواسته باشم او را الحال بجه زنم چون زاده بتمام

تا بترسد و بلرزد و در رنج افتد و وسوسه در دل او

افتد از عقل او نقص شود سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت نقصد

نماید در زهره گاو و با آب کاسنی در بینی چکانند و اسفند با خود

دارد بسم الله الرحمن الرحیم حرهنا لو طا و سعا لو طا

طا و مان عما هاهم کوبا موصوله ایشن ام هم بربان.

و بعد الساعة الساعة اللهم یا کاشف الضر و الالم

یا خالق اللوح و القلم و القوهات علی العطاب الحق

لا اله الا الله ۷۵ ۹ ۱۹ ۱۹ ۱۹۳ ل ۹ ۱ ۷ ۷ ۷ ۱ ۹ ۱۳ ۱۳ ۱ ۳ ۴

۹۹۰۰۰ ۳۳ ۱۱۱ ۲ ۱ ۹ ...

... ۹ ۱ ۹ ۹ ۱ ۹ ...

... و حمیک الرحیم الکوات

دیو هفتم در نزد حضرت سلیمان آوردند گفت نام
تو چیست گفت نام من شمراطرش
دار و جای تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من
و مقام من در زمین شوره زار و مقام حیوانات باشد
هر طرفی که می‌ایی که ورد جمیع ضرر با و میرسانم یعنی و میت میدارد
یکی خود بخود بخوابد دیگری سهوجه و بهایان کود دیگری خوراک
کم کند دیگری دل او میدرد آید هر حیوان یا آن که از این نشان نشان
بروی ظاهر شود علاج کند به گوگرد و پوست مار و زهره و گیر
که در زیر او دود و ناسینه نمک طبرزد در دماغ حیوان نماید

و این دعا در گردن حیوان بندد نافع باشد بسم الله الرحمن الرحیم

له طاله منها طلا تمعنا سعا حواعوه اعضائه

عند اللهم اسئلك باسمائك العظیم المخزون ا

الملکوت المطهر القدوس المبارك والحی

القیوم یاذوالجلال والاکرام برحمتك یاالله

۷۲۸۸۲۲۴۵ ۷۲ ۲ ۴۲ ۸۱ ۹۸ ۱۱ له ۱۱۱ م ۸ ۸ م

والی ۸۸۸ بحق العرش العظیم یا رحمن یا رحیم

دیو هشتم در نزد حضرت سلیمان آوردند و معجو که ملعون

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا رسول الله

نام من ذنوح است و مقام من در خرابها باشد ضرر من

آنست که نفس خود را بمردم دمم تا بیهوش شوند و همه اندام

ایشان درد کند سلیمان گفت که علاج او چه باشد دیو گفت

زهره کفتار و پوست انار زیر دامنش دود کند و این دعا را

بر شانه گوسفند بنویسد به خود ولد و سنقا باید ایشان بها

بسم الله الرحمن الرحیم الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکواة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء علیم

دیو نهم در پیش حضرت سلیمان آوردند و فرمود که ای مکار چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت نام من ربیع دیو است و جای من در کوچها و بازارها باشد چون کسی بی نام خدای تعالی راه رود بادی در دماغ او دمم تا زبانش ورم کند و سرش درد آید. علاج او سپند و خردل کهنه کوبیده و جوشانیده در بینی او چکانند این دعا را با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله

محمد رسول الله علیا ولی الله یا قادر یا وهاب

بحق انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

دیو دهم در نزد حضرت سلیمان آوردند و مورد که این دیو را

چه نام داری و مقام تو در کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام

من صفران دیو بست و مقام من در چشمهای آب باشد

و ضرر من آنست که روی خود با وی نمایم تا از هوش

بروند و رنگ ایشان تغییر کند سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت مرغ سفید ابن دعا را بخون بنویسد با خود دارد دفع شود

بسم الله الرحمن الرحیم هو هو لا الی الا الا الا الا

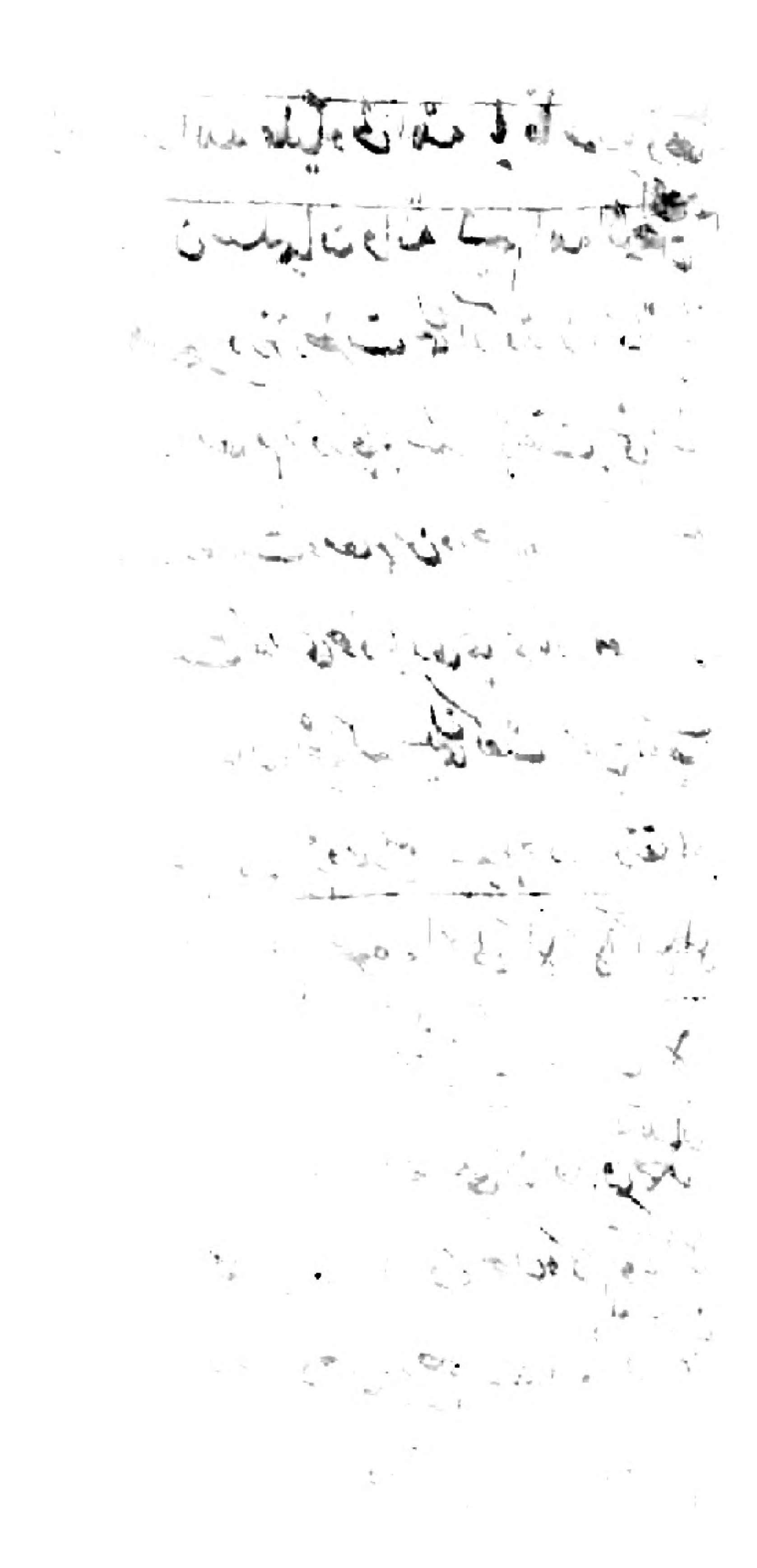
عصا عما ولا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا

فی السماء وهو السمیع العلیم سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا

بالله العلی العظیم یا رحمن یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین

۲۶ ۱۱۱ ۱۱۱ م یا رب دیو یا ذ هم



من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم

دیو سیزدهم در پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود که نام
تو چیست و ضرر تو بر بنی آدم چگونه باشد دیو گفت یا نبی الله
نام من چهارگیسو بود و مقام من در رهگذرگاه آدمی باشد
و میل من این بود که ناگاه آدمی را بی‌اسباب [illegible] کنم
چنانکه جامه بر تن بدرد و بیهوش کند و [illegible] بهم ساید سلیمان گفت
علاج چه باشد دیو گفت اسم اعظم باری تعالی را بنویسد و تعویذ
کرد و در دست آویزند و از آن آب بدهند و دیگر را در سر بندند
که شفا یابد دیو چهاردهم در نزد حضرت آوردند فرمود ای ملعون
چه نام داری و مقام تو در کجا باشد گفت یا نبی الله نام
من [illegible] است و ماوای من در سر کوهها باشد و دین من [illegible]
که [illegible] مردم را [illegible] کرده ام تا سخن نگویند و [illegible]

سلیمان گفت از ترخان علاج او را چه باید کرد گفت زهره ماهی

و زرنیخ را در آسیا بطلسم انداخته و در دماغ او بچکانند

شفا یابد بعون الله تعالی ۱۲۱۲۱۲۹ ۱۱ ع و ۲ و ۲و

۱۹ ۱م ۱م ۱

۱۱۱ ۲ ۱ ۲ ۱۱ ۲و ۹و ۹ ۱ ۹ ۱۵ ۱م ۵۵ ۵ د ۵ و ا آ با ا ۱ ۲ ۲ ۲

دیو پانزدهم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ناکاره ص

نام تو چیست و مقام تو در کجا میباشد دیو گفت نام من صعصال

و مقام من در آسیاب باشد و کار من آنست که خود را بمردم

نمایم تا از وهم ایشان بمیرند و بیشتر بانو و دان و با

ایشان درد آید اندام گداخته و رنگ تلخ در ریشه او بندد

آید حضرت فرمود علاج او چیست دیو گفت زهره گرگ

با زهره روباه در بینی او چکانند تا نفع باشد ان شاء الله

دیو شانزدهم در نزد حضرت آوردند فرمود که ای ملعون

چه نام داری و مقام تو کجا باشد دیو گفت یا نبی الله نام من

موجودین است و جای در سر چشمها ... ادخم

او نیست کنم و حرز من این است که نقش ودرا بر دم و جشم

آنانکه بر خ شود خارش کرد و آب برد و درد شدید

آید چنانچه طاقت شود سلیمان فرمود علاج او چه باشد

دیو گفت بادیان زهره بز و زاق قشر ضبعدا در زیر سر و

حک کنند و دعا را در موم کرد و باب ابلند و آن را در چشم وی

مالد و بخوانند که شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

۱۲ ۱۱۱ و ۱۱۱۱ ۹ لا و ط ط ۲۲۲ ۱۱ ۲۲ ۱۱۱ ۹۲۱۱۲۲۱۱۴ ۹۹

۱۱ س ۹ ۳ ۳ ۳ ۹ ۹ ط ۵ لا ۱۱ و ما ۹

دیو هفتم نزد سلیمان آوردند حضرت فرمود ای دیو

چگونه آدمی را می زنی و حرز تو بر او چگونه باشد دیو نام خود

دیوهست و جای من در جزیره ها باشد و من بر آدمی

آسمکه چون صعوه به یکجا جمع شوند عقل ایشان ببرم

زهره کوبند و تن ایشان اندر دست سلیمان گفت علاج

او چگونه باشد دیو گفت زهره خار پشت با نبات مصر

و درهم آشفته در زمین نگاه بدبه نشود دیو هجدهم در نزد حضرت حاضر کردند
فرمود ای ملعون چه نام داری دیو گفت نام من مرطون دیو است
و مرمی من آنست که بادی و دمی تا مفلوج شود و در رنج افتد
و معاش ان تبه کرده سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت
زهره شیر و پای خر گفتار را هم بیامیزد و در زمین نگاه دارد و [illegible] نماز را
نوشته با خود دارد شفا یابد انشاء الله بسم الله الرحمن الرحیم

انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم ان لا
تعلوا علی و اتوا مسلمین ۱۱۲ ۹۴ ۹ و ۱۱ ۵ لا ۷۵ طح
۱۱ ۱۱ ۲۵ ۲ ۳ ۲ ۵ ۱۰ برحمتک یا ارحم الراحمین

دیو نوزدهم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود ای ملعون
چه نام داری و مقام تو کجاست گفت یا نبی الله نام من مازون است
و مقام در گورستان باشد و مرمی من بر آدمی آنست که خواب مردم
بخوابند زبان ایشان را بسته کردم سلیمان فرمود علاج او چه باشد
دیو گفت زهره گرگ با نبات بجوشانند و در گوش چکانند تا بهتر شود

تا سه روز بدین موجب او را بخورد شفا یابد دیو ملیتیم

و رنز د حضرت آوردند فرمود چه نام داری و مقام تو در کجاست

گفت بیرا چگونه حضرت فرمود دیو گفت یا نبی اله نام من جمهور است

و جای من همه وان میباشد و مضرت من بر آدمی آنست که عقل کند

مردم را فرمود علاج او چگونه باشد گفت زهره

میش سیاه با زهره روباه در هم کنند و امید عار آن را بر شانه

گوسفند بنویسد و در زیر زمین دفن کند شفا یابد به اذن الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم اهیا شراهیا اذونی

اصباوت آل شدای جا توالی رحمن العالمین

سرا سلام مطوس صد دیو هشتم را نزد حضرت سلیمان

آوردند فرمود چه نام داری مقام تو در کجا باشد گفت یا نبی الله

نام من جمهو دلویست و جای من در جزیره و بر سر

بر آدمی سلطه اینست که مردم را بخشم آرم تا اندام ایشان سیاه

آید زیست و لرزه بر ایشان پدید آید حضرت فرمود علاج تو

بر تو بار علاج او چه باشد دیو گفت پوست نارنج در کنشل کوبند

و کو زنواو دهند شفا یابد و اینجا عارا باجو و دلبد و

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی بسم الله لا یضر مع اسمه شیء فی الارض

ولا فی السماء وهو السمیع العلیم

دیو بیست دوم نزد حضرت

سلیمان آوردند گفت چه نام داری و بدی تو بر آدمی چگونه باشد و علاج

او چه باشد دیو گفت نام من زبیون و نو بیست و

من در همه جا باشد و بدی من آنست که اگر کسی بی نام خدا بخسبد

من او را طپانچه زنم که مغز سرش آشفته شود و سرش درد آید

و فالج شود و هر چه خورد راست بر آید از دهن تا حلق و نزاع نماید سلیمان

گفت علاج او چه باشد دیو گفت زهره خوک با چشم کرز کوسه

بر دماغ کنند و چند در آتش اندازند و خود را بخور دهد و این دعا بر

نوشته با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲ ا ل م

۲۱۲ ۲ ۲ ۲ ۹ ۸ ۲ ۲ ۹ ۲ ۲ ۹ ۲ ۸ ۲ ۱۹ ۲ ۲ ۲ ۹ ۱ ۹ ۴ ۴ ۲ ۱

۵ ۳ ۲ ۹۹۹۹ ۲ ۴ ۲ ۹ ۵ ۲ ۲ ۲ ۱۱ ۱۱ ۱ ۵ ۲ ۲

دیو هشتم دست حضرت سلیمان آوردند فرمود چه نام

داری و چه کار می کنی و آن دیو را گفت گفت نام من قوقنون داری؟ است دیو

گفت یا نبی الله نام من قوقنون دیو است و کار من آنکه

نقش بر صورت زنان دهم تا فرزند ایشان خطا باشد و بچه

بیندازند سلیمان گفت علاج او چه باشد گفت علاج او آنکه

باید گوسفند تازه بکشند و ناخن او را از بستانند و آن

طلسم را با شیر او بنویسند و در خانه پنهان نمایند هر زن که

باشد بخورد باید نویسند با بخور و دود کند بسم الله الرحمن

الرحیم قدوس قدوس طوهوهوسو

سبوحی بحاله جبرائیل و میکائیل و اسرافیل

و عزرائیل ۱۱ ۲ ۴ ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۸ ۲ ۹ ۹ ۹ ۵ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲

دیو بیست و چهارم را نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که ای ملعون
چه نام داری و آزار مر آدمی را چگونه میرسانی دیو گفت نام من شماس
حلویت و جای من در چنبرها باشد و بدی من برادر و فرزند آنکه
که هر لحظه ایشان را دردسر اندازم بهانه گاه کار ناساختیه
و علت لیذارشان میرسند حضرت فرمود علاج آن چیست دیو گفت
اینجا اینه علاج آنکه ناخن و موی سر آدمی با زیره سیاه
و تخم کتان در زیر دامن او دود کنند و اسید عمادالدوله با خود دارند
شفا یابد انشاء الله تعالی دیو بیست و پنجم را نزد حضرت سلیمان آوردند
فرمود که ای ملعون چه نام داری و مقام تو در کجا باشد و آزار مر آدمی را
چگونه میرسانی دیو گفت نام من شمعاق است و ماوای من در
میان خانه آدمی شغل من و بدی من آنست که زنان را بی عقل کنم
و ابله و نادان نمایم تا سبب آنکه زن از خانه برهنه بیرون رود آنست که
زن شوی را لعنت نماید حضرت سلیمان گفت علاج او را چه باشد که
دیو گفت بشنود در زیر دامان او دود کنند و اسید عماسا در زود

در بازو بندد که شفا یابد هو هو هو هو هو حیی ددا

موسی ۲ ...

دیوسیت معظم در نزد حضرت سلیمان آوردند و مهدونام داری و مکان نوورکی مقیاش وآنمرا آلکوید زحمت میداری

دیو گفت یا نبی الله نام من طیطون دیو است و جای ام در سینه

ها ی اطفال و بستر من است که جنین بچه را در گهواره در اندازد

من او را زحمت رسانم که در ساعت در تب افتد گاه خندد

وگاه گریه کند سلیمان پرسید که علاج چیست دیو گفت باید که

صندل و برگ توت در زیر دامن او دود کنند و دو یا

تعویذ را در بازو بندد که شفا یابد و ان یکاد الذین

کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون

انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین و ننزل من القرآن

ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا

خسارا ...

اا۲۲۴۴۴۴۲۲ ۹۹۹ ههههحوحوحو اااا م م م ۲۲ طو

دیو بیست و هشتم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که تو چه نام داری

و مقام تو در کجا باشد و او آمد مرا چگونه ز حضرت پرسیدی دیو گفت نام من

سرطون دیو است و مقام و جای من در همه جا باشد و من بر

سر آدمی نشسته روی خود را بر مردم نمایم تا بترسند و از خواب

جستن نمایند همیشه روی ایشان زرد باشد گفت علاج چگونه باشد

دیو گفت نمک طبرزد و عدس و ریشه درخت بادام و پودنه

در زیر دامن او بخور کنند و روغن گاو سیاه و گوگرد را با هم

ادویه در بینی او چکانند دیو بیست و نهم در نزد حضرت آوردند فرمود

چه نام داری و مکان تو در کجا باشد و حضرت سلیمان دیو گفت

نام من توریست و من در همه جا حاضرم کار من است که مردم را

دیوانه گردانم حضرت گفت جا آورند سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت شنبلیله با روغن گاو هم بجوشانند و در بینی او چکانند

و گشنیز و تخم کاسنی و پوست انار در زیر دامن او دود کنند

ترجمه

انشاءالله تعالی دیوی سیم را نزد حضرت سلیمان آوردند

فرمود چه نام داری و جای تو در کجا میباشد دیو گفت

نام من زماس دیو است و جای من در خانها باشد و ... من

مردم است که خود را بمردم افکنم تا از من بترسند سلیمان گفت

علاج او کدام است دیو گفت روغن گاو و گشنیز با هم بکوبند بنهند

و در بینی او چکانند و گشنیز و پوست انار و قطران و ... سیاه

در زیر او دود کنند شفا یابد انشاءالله دیوی دیگر را نزد

حضرت سلیمان آوردند فرمود چه نام داری و مکان تو کجا

میباشد و اذیت تو کدام است دیو گفت نام من ناموس دیو است

و مقام من در میان هواها است و اذیت من آنست که سایه

خود را بر سر مردم افکنم تا بترسد و بلرزد و بیهوش شوند سلیمان

گفت علاج او چه باشد دیو گفت زهره ماهی با روغن گاو

گرم کنند و در بینی چکانند و موی بز بسوزند و در زیر او دود کنند

شفا یابد انشاءالله دیوی دیگر را نزد حضرت آوردند گفت

ای دیو نام تو چیست و مکان تو کجاست و چه اذیت مردم میرسانی
دیو گفت نام من مرال است و مکان من در میان ...
و کار من اینست که گلوی طفلان را بگیرم که زبان ایشان بگیرد
و درد دل پیدا کند سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت
و کلاه با و بچگان و مردم که بر سر در زیر دام او ... دارند دعا را
با خود دارد و شفا یابد ادخلت معفوت من کل
دابة و نورک انه علی دابة تبارک و تعالی
اکفونم باسم الله العالی الله الحکیم ۱۲۶ ۱۱ ۸
و بحق انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن
الرحیم دیوی سیم در نزد حضرت سلیمان آوردند گفت
ای پلید تو چه نام داری و مقام تو در کجا باشد و بدی
تو چه باشد دیو گفت نام من دلشبان و دوست دارم
در گورستانها باشم و بدی من این است مردم را دیوانه
سازم تا مردم ایشان را بیمار کنند سلیمان گفت علاج او
چه باشد

حکایت

اوچه باشد دیو گفت ریوند چینی با روغن گاو و زیتی

با موی گربه سیاه و زنگار در زیر دامن بخور کنند و اگر نشود

بر جوز بسته شفا یابد یا دیطاهو سره عمد نفسی

صمت

مند حبی ملا حاله ما اسوا حد بد صکل بلا

۱۱ هوط صح صح طوها لها لعما طح طمس طوده

خاطوم بنان حفظ اددی اسد بود بالحی

و مددی بدالی ککل ملهم ساطاخ الاشه ۲ ۴

دیو سی چهارم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود ای ملعون

نام تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو با طفل کدام است

دیو گفت نام من طغرل است مقام من در حمورست

و هنری من آنست که چون طفل کسی برهنه کنند من خود را اشعالی

میرود اورا طپانچه زنم که بیهوش شود و رنگش زرد گردد گفت سلیمان

نگفت علاج او چه باشد دیو گفت یا نبی الله زرده تخم مرغ دوشنک

و ملک طبرزد و مازو با گل سرخ و کودکی با روغن و سینه

همه را بهم کنند و بجوشانند و در سرکه مخمه سر او را بر آشته

پوست او را پاک مخمه بمالند و در آخر سه ماه رسیده کار

سوزانند و روغن کوکنار و پنبه تازه در وکنند و بر سر بالای او نشانند

دیو پسی عجیبی نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود کای ملعون

نام تو چیست و مکان تو کجاست و چیز تو کدام است دیو گفت

مقام من در خانها باشد و نام من قهرس است و جای من

دشت و در هر خانه که نام خدا نباشد و نماز و روزه نکنند

من در آنجا نظر کنم و خود را نزد ایشان در برم تا از عبادت خدا

دور باشند و کار بد کنند علاج او چوب صندل و هلیله شتر

با عنبر هر شب جمعه در خانه دود کنند و این دعا را در خانه نگاه دارند

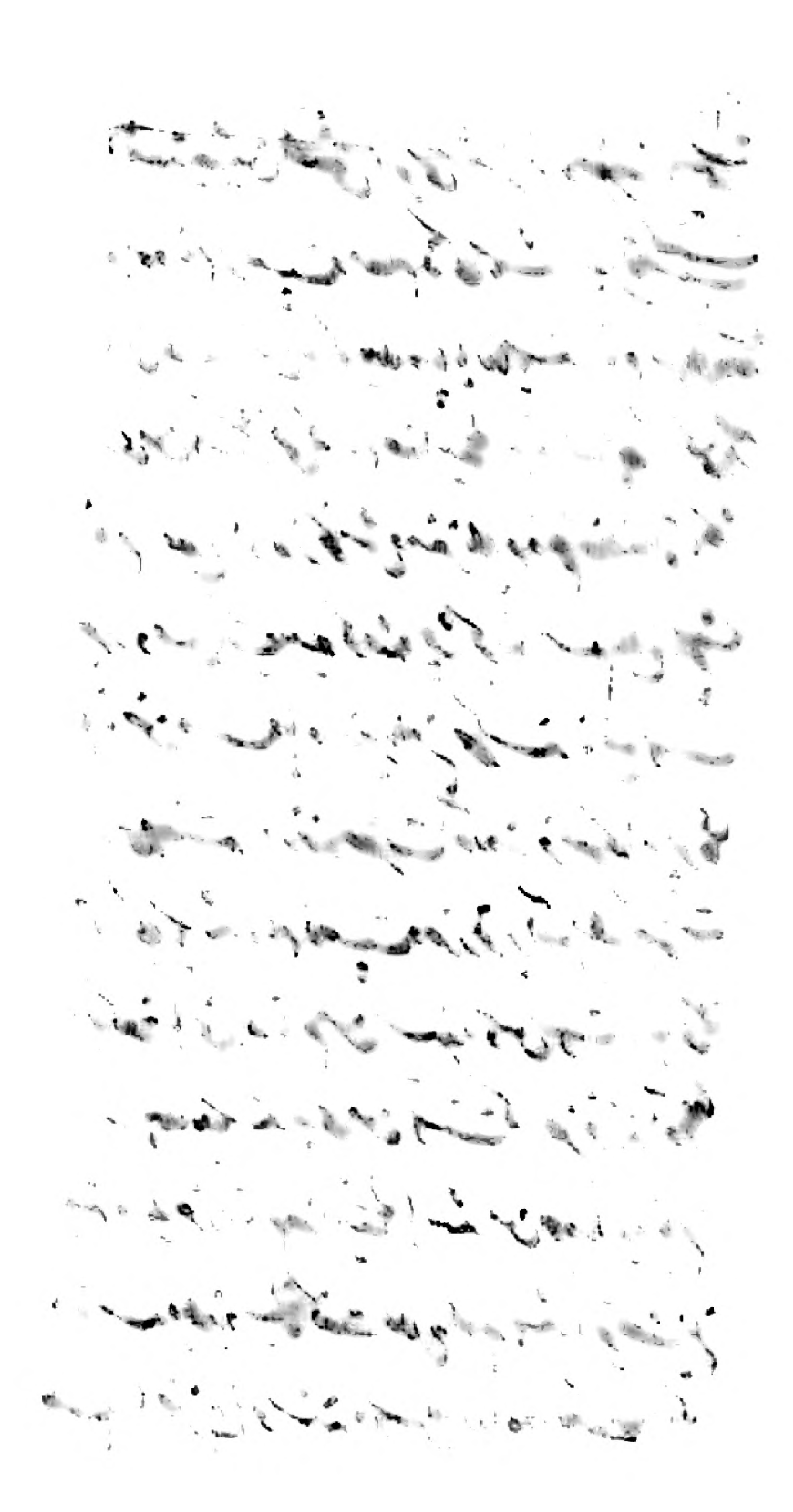
این کلمات را دعا بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک

برکة و رزقه و توبة قبل الموت یا هادی یا کافی

یا معافی یا ارحم الراحمین یا ولی المؤمنین یا

المدد المستغیثی

المستعینین اغثنی دیوی ششم نزد حضرت سلیمان آورند
فرمود نام تو چیست و مقام تو کجا باشد و بدی تو چیست گفت
یا نبی الله مقام من در کوهها و بیابانها باشد و نام من میرال دیو است
بدی من آنست که کسی که نام خدای تعالی نبرد او را هلاک کنم و علاج
نام من علاج او مغز کوش و مغز بادام و تخم خربزه و آلو با تخم
خرزه و عسل آتش نه کوفته و بیخته بخورند سم الاغ و گوساله
با ناخن دست و پا در زیر دامن دود کنند نافع است
دیوی هفتم در نزد حضرت آوردند فرمود که ای دیو جای
تو در کجا باشد و نام تو چیست و ضرر تو بر آدمی زاد چگونه است
دیو گفت یا نبی الله نام من سندروس است و جای من
در راهها می‌باشد بدی من آنست که چون فرزند آدمی تنها
باشد و بی حرز و نام خدای تعالی باشد من خود را بدو نمایم
تا بترسد و بمیرد سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت این
طلسم را با خون مرغ نوشته در سر چهار راه در خاک پنهان کنند



۸ بتصرفات دیوسی بهم در خدمت حضرت آوردند
فرمود که ای ملعون چه نام داری و مقام تو در کجاست
دیو گفت یا نبی الله نام من کلموج است و مقام من در سر
چاهها باشد سایه خود بر سر مردم افکنم چنانچه بلای خود را
گم کند علاج او برگ ریزه و سیاه دانه در زیر دامن او
دود کنند و امید عارا آب نزنند یا بدل الله لکی
یامیدی یا میدیه بلاء اهیا شراهیا اصباوت
الـ سنداری یا جبرا علام دیو هیم نزد حضرت
آوردند فرمود ای دیو نام تو چیست و مقام تو کجاست
و ضرر تو بمردم چه نوع است دیو گفت نام فهران دیو است
که مردم را بخود رنجه کنم و زن و مرد را از هم بیزار کنم
میل بدیگران کنند و عیبها از آنها صادر شود علاج او رب
کاسنی یا موی گربه در خانه دود کنند با خود دارد و تا از شر
دیو ایمن باشد اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول الله

علیکا ولی الله الجبار الجبار واعوذ بک من الدنیا

والاخره ۲۲ ۲۲ ۸ ۲ ۲۲ ۹ ۲ ۲ ۹ ۲ ۲ ۹ ۲ ۲ ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۱۱ ۲ ۲ ۲ ۹ ۲

دیو چهل یکم در نزد حضرت آمد فرمود چه نام داری و مقام تو کجاست و چگونه ضرر میرسانی دیو گفت نام من قحطان است و مقام من در کوهها میباشد و بدی من اینست که زن و مرد را بسته کردانم تا سخن نگویند و فراموش باشند و خنده بسیار کنند فرمود علاج او چه باشد دیو گفت جز دل آهوی صحرایی و لاله کوهی سیاه در زیر دامن ایشان دود کنند و اهندی بلا با خود دارند شفا یابند ا هیا شرا هیا

هیا هو ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۲ ۹ ۹ ۲ ۲ ۹ ۲ ۲ ۹ ۱۱ ۸۸ ۲ ۲ ۹

دیو چهل دویم نزد حضرت سلیمان حاضر کردند حضرت فرمود در کجا باشی و نام تو چیست و مقام و بدی تو برادمی چگونه است دیو گفت جای من در خانها باشد و نام ملعون است و کار من اینست که هر جا زن

که هر جا زن حامله بیمی بنفس خود دارد او وهم تا فرزند
در شکم خطا کند و بیم آن باشد که هلاک شود سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت و دیو گفت یا نبی الله باید [illegible] بنویسد
در دو شفا یابد یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت
عنها مهما لا اهیا اذولی اصباوت ال
شدای شدای و ننزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
تعلمو وعلی التولی مسلمین دیو دیگر پیش آمد
در پیش حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو
و مقام تو کجا باشد و کار تو چیست دیو گفت
هری من دلسکه مردم را سر برهنه درآیند و بند مین
بر ایشان دست با هم و دست بر ابله زنام تا در رنج و هستند
و درد ال و کمرگاه درد پدید آید سلیمان گفت علاج او
چیست دیو گفت تخم کرفس و روغن گاو و کوبانند و در بشتی

گیاهی در زنبیخ باریشه کاسنی در زیر دامن او بگذارند و این دعا را با خود دارند شفا یابد

[illegible]

حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

[illegible] دو وجه سحارم

نزد حضرت آوردند فرمود نام تو چیست مکان تو کجاست و ضرر تو چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام من فنیطوس دیو است و جای من در دشتگاه باشد و کار من این است که مردم را در بیکر و وسوسه اندازم تا سوداوی اشند و در رود دل سرد کنند و ... گویند سلیمان گفت ای ملعون علاج او را چه باید کرد دیو گفت یا نبی الله چرک گوش با کره کان دو مثقال زرد آلو و تخم ریحان در زیر دامن او بکنند این دعا را با خود دارند شفا یابد [illegible]

فهو الممکن و اظهر العبادات اشدی

اشداء اعلم ۸۳۳۱۹ ۱۱۸ ۱۱۳۳۳ ۱۱۱ ۲۳۲ ۹۳۲۲۹۹

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۲۴۲ دیو چهل ششم در نزد حضرت آوردند

حضرت سلیمان فرمود ای دیو نام تو چیست و مقام

تو کجاست و خور تو بیرون چگونه است دیو گفت

یا نبی الله نام من مرقوس است و مکان در معموره ها نیز

آسیب چنین مردم و زن که گذر آسیب زند علی الخصوص

زن و مرد در میان ایشان نزاع و دل سردی افکنم

چنانکه از هم بیزار شوند سلیمان گفت علاج چه باشد مرقوس

گفت ریتو و چوب صندل سفید در زیر دامن او دود

کنند و نیز دعا را زن با خود دارد ایمن شوند بهم

انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم

الا تعلوا علی و اتونی مسلمین ۹۹ ۸۹۴۴ ط ۲

دیو چهل هفتم در نزد حضرت آوردند حضرت سلیمان

اوردند مانند مرغ و در سر و دست ملک سر مانند کرکس بندی
و سر دیگر مانند مرغ فرمود ای ملعون نام تو چیست
و جای تو در کجا باشد و بدی تو بر مردم چه باشد
دیو گفت یا نبی الله نام قهری است و جای من در بیابانها
میباشد و بدی من آنست که عقل از مردم گم کنم
سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت مغز گردکان
و مغز بادام و زیره سیاه و درهم آمیخته بخورند
و بر پوست مار و خار مغیلان بخور کنند و در زیر آن من او دود
علاج شخص دیو چهل هشتم در نزد حضرت سلیمان
اوردند حضرت فرمود گفت نام تو چیست و مکان
تو کجا باشد و ضرر تو بمردم چه نوع است دیو گفت
نام من سیراس است و مکان من در سر بام است
و آن کس که بنام خدا تنها باشد چون خدا بسر بام
بر آید من او را بوسواس و ضعف بدهم تا از بام
بزیر افتد

بریزانند و بهوش شود سلیمان گفت علاج او چه باشد
دیو گفت اسفند را کوفته در آب کنند و آب
در سر کنند که شفا یابد ~~۷ السهدی ق ها~~
~~سر البشیا و صبوبا صبوح دب الملائکه~~
ها الوح ~~۱۱۱ ه ۹۹ ۴ ا ا ۱ ا ۱ ا ۴ ۴ ۹۹۹۹۹۹۹~~

۱۱ ۱۱ ۱۱ ا ه ه ه هو هو هو هو هو هو ه ه ه ه

ه ه ه ه د و و و و د د ۱۱۱۱۱ ه ه دیو هفتم

در نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست
و مقام تو کجا است و حرز تو چه نوع است دیو گفت
نام من طهماس است و جای من در باغها باشد در سر
آب روان و بدی من آنکه در تن مردم حلول نمایم
تا کاهل شوند چنانکه نه بار روند تن درست باشند
سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت ریزه ی یک دکانفور
و حرمل با هم درو ج ... کوبند شفا یابند و نیز دعای

باجود دارد شفا یابد یارب یا مالک الملک و

لیرلوک کوجلوکی ماشاء الله کان و لا حول

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم شهد

شهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا

صلی الله یارب العالمین دیو پنجم درنزد حضرت

سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مسکن تو کجا

و ضرر تو چگونه است دیو گفت نام من شماس دیلوت

و مقام من در دستمال خانه باشد هر کس که آورد

که جا هم بقعی او دم تا درد پشت و کمر پیدا کند علاج او

حنظل را در آب کنند و آب او را در اندام مالند خوب شود

دیو ششم در نزد حضرت سلیمان آوردند صورت او

زشت مهیب سلیمان گفت ای ملعون نام تو چیست

و مسکن تو کجاست ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت

نام من شوشن دیلوت و بدی من هر کس که مردم بهم آورده زنم

تا در میان زن و شوهر جنگ شود سلیمان گفت علاج او

او چه باشد دیو گفت در میان جنگ لا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم بخواند بعد از آن اسفند در آتش کرده دود کنند

و این دعا را در خانه پنهان کند تا ایمن باشد بفرمان الله

بسم الله الرحمن الرحیم

وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم

لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون

وما هو الا ذکر للعالمین ۱۱۱ ۱۱۱

ویح ۲۲ ولا لا لا هو هو ۱۱ ۲۱ ۹۹ ۲۲

دیو سیاه دیدم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود

ای دیو چه نام داری و مکان تو کجاست و ضرر تو با مردم

چگونه است دیو گفت نامم فرقش دیو است و بدی

من آنست که زخم بدی در بدن مردم پدید آورم علاج

او آنکه این دعا را با مشک و زعفران بنویسد بدهد

دوراب ایدزرد و درزان آب کوزه و قدری بر ریش بمالد

شفا یابد ۱۹۲ ۱ ع م ح ط ۲۲۹ ۱۲ ۸ ۴ ۸ ۴ ۴ ۸ ۸ ۴ ط ا م

۱۱ م م ۹ ۹ ۲ ۲ ۲ ۳ م ۵ ۵ دیو شانزدهم در نزد حضرت

سلیمان آوردند حضرت فرمود علاج نام تو چیست و مکان

تو در کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت نام

من بزرگش دیو است و مکان من در خاکستر گاه باشد

و مردم را من دست طفلان ضرر رسانم که شبها پیش جا رش

کنند و سرخ شود علاج دست ناخن آدم قوچ کوهی خط را

در ره نیز آتش دود کنند و اسم عزائم را با خود دارد شفا یابد

شراهیا آلی حق اسوة الاول والاخر

والظاهر والباطن وهو بعد شیئ م لا ا م

۴ ۹ ۹ ۷ ۴ ۴ ۲ ۲ ۱۱۱ دیو هفدهم نزد حضرت سلیمان

آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مکان تو کجاست

و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت نام من قشر دیو است

و مقام من

مقام من در سر را بها باشد و هر کی من کسی که جهرا (چهره را) ...

بر سر مردم افکنم تا به صحت برسند و بهر زید و بیهوش

شوند سلیمان گفت علاج او چه گونه باشد و تو گفت به

روباه با زهره روباه با آب گشنیز بیندود در بینی چکانند

و بیند عا با جو دوا رند شفا یابد اهمد اهمد اهمد الله

السقا الثانی لسنعلق ا ع ا ح ا ح ۲ ۲ ا ح ۱ ۱

حا ۸ ۱۱ ۲ ۱۱ ۴ ۱۱ ۲ ح ۱۱ ح د د هو هو هو هو هو

دیوی پنجم نزد حضرت سلیمان آوردند دو پای در پشت

حضرت سر بود نام تو چیست و مکان تو کجاست و چه چیز

بمردم رسانی گفت نام سمکوس است و مقام من در

خانهای خالی باشد و ضرر من بمردم آن است که عقل از مردم

ببرم و درد شکم یا وطا بر شانم علاج آن است که صندل

و برگ زیتون و مغز بادام و موی سری که بشانه فرود آید

در زیر دامن دود کنند و این دعا را در زیر پا بروی نوشته ببندند

شفا یابد ۱۱۱۱ ۹۹۱ ۹۱۱ موم س ه ل

۸ ۴ و ۱ کلا دیو نیای ششم نزد حضرت سلیمان آمد

حضرت فرمود چه نام داری و مقام تو کجاست در بر

مردم چیست دیو گفت یا نبی الله دیو گفت نام کهماس دیو است

در سر کوچها مقام من است و ببری ما من اسکه مردم را برنجانم

و بیمار کردانم چنانچه در رنج افتد سلیمان گفت علاج او چه باشد

دیو گفت شانه گوسفند و پنبه دانه در زیر دامن دود کند و این دعا را

مشک و زعفران نوشته با خود دارد شفا یابد سطر این است

ابو کا و ملکا طا موحنا هو هوا کود سادر سوا

حج مسلحق سکسل مما لدند شر شر

شر س سر شر ۲ ۳ ۲ ۳ ۵ ۲ ۸ ۱۱۱ ۹۹۹ ۲ ح ۸

کلا دیو نیای هفتم در نزد حضرت آوردند حضرت فرمود

چه نام داری و مقام تو کجاست و اذیت تو بر مردم چه نوع است

دیو گفت یا نبی الله نام من زعفر دیو است و مقام من

در زن

دمقام در نزدیک بنی آدم است و ضرر من آنکه دندگوش
و درد دل بیرد آنکه من سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت
قدری اسفند و موی گربه در زیر دامنش بخور کنند که
شفا یابد و دعا بنویسد و بر او بندد یا الله یا محمد
حق تو طلسم یا محمود داود سهد مدماحبد
شکوابغا افع اتع ۲۲۲ ۹۹۹ مم

٠	٢	٠	٢	۴	١	٢	۴	٩	٩	٢	٠	٢	١
٢	٠	٢	٠	٣	٥	٤	٢	2	١	٥	٢	۴	١

ک ۲ ۱۱ ۹ ا ۹ ا م ط ۹۹ لا دودوردودو سو ۳۹

دیو نهم پیش حضرت سلیمان آمد حضرت با او فرمود
چه نام داری و مقام تو کجاست و ضرر و اذیت
تو بر مردم چه نوع است دیو گفت یا نبی الله نام من
رمیاق دیو است و مقام من در گورستان می‌باشد و یکی
من آنکه چون در گورستان نیوفت کنند مردم و در نیح اذ الدم

پیوسته رنجور و بات باشند و عبادت و طاعت حق تعالی را

از دل ایشان محو گردانم علاج او آن کسانی را با مایه چرک گوش

در بینی او بچکانند و این دعا را با خود دارد و به کلو یا بسم

۱۱۲۳ ۱۱ ۲ ۱۴ ۲ ۱۱ ۱۱۹ ۱۱ ۲ کا م ط ا ۱۱ ۱۱ ۸

۲۱۲ ۱۱ ۲ دیو پنجاه و نهم در نزد حضرت سلیمان

آوردند حضرت فرمود چه نام داری مقام تو کجا

و ضرر تو بر مردم کدام و علاج او چیست دیو گفت نام من

کاسنول است و مقام من در سقف خانه‌ها باشد و ضرر من

آنست که مردم را پریشان کنم که همیشه خائف باشند علاج آنست

که این طلسم را با خود دارد شفا یابد یا الله ۱۱۹۲۱

۸۹۹۹ ۲۲ یا الله ۱۱۱ ۱۱۱ ۸۱ ۱۱۱ ۱۱۷

دیو شصتم ... را در نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت

فرمود نام تو چیست و مکان تو کجاست و ضرر تو کدام و علاج

تو چیست دیو گفت نام من شابکوتی و مکان من در مجمع

و سبب آن جنّ باشد و ضرر من کشنگه پری در دل مردم اندازم
بی سبب کشند و در گردن و سینه پیدا کنند و شب
و خواب بهم رساند علاجش این دعا را بنویسد با خود دارد

الع الع الع النّح صر مر نحم سا انحت ط معرح

ه ۲ ۲ مر م دام داه ح ح ح ۸ ۸ ۸ د و ه

دویست و یکم نزد حضرت آمد پرسید از وجه نام و ولدی
و مکان تو کجاست و ضرر بمردم چه نوع میرسانی گفت
او صیبت دیو کهف نام طارف است مقام من
در در خانها باشد و عده من کشنگه چند کسی را برهنه
بینم و نام خدا بر زبان نراند بادی بروی دهم تا اعضای
ایشان درد آید و خارش پیدا شود و رخسار او زرد
و سیاه گردد علاج او مطبوخات و منضجات میل نماید
و فصد کند و این دعا را با خود دارد و شفا یابد یا حکیم

ه ۱۱ ه ۱۱۱ موصل صبا وت اذ ولخ ااا

اذوخ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۹ اوم ۱۲۱۲ ۱۱۱ ۱۱۱۹م

۲ ۱۱ ۱۱ ۱ ۴ ۱۱ من الله وسلام ابلیه تو

محح محح ا دیو بشمة نزد حضرت سلیمان آمد

حضرت از او پرسید چه نام داری و مقام تو کجاست

و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام من

هزبیر است و مقام من در میان رخت خواب زن و شوهر است

هرگاه به نام خدا تعالی باهم جمع شوند در میان ایشان

جدائی اندازم و عداوت افکنم حضرت گفت علاج او به چیست

دیو گفت هر زنی که این دعا را با خود دارد و شوهر او از شر من در امان باشد

۹۹ ۱۱ ۱۱ ۴۲۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱

۱۱ ۸ ۱۱ ۸ ۱۱ ۹۹۹ ۱۱۱ ۲ ۳

۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱ ۱۱۱ ۱۱ و ح

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله العظیم بسم الله الجبت و بسم الله

بسم الله و بالله من الله و ...

دیو ششم نزد حضرت آوردند حضرت پرسید نام
دری و مکان تو کجا است و ضرر تو بمردم چه نوع است
دیو گفت نام من عماس و پوست و همیشه موسن آدمیزادم
ضرر من اینکه بر اندام آدمی آکله آورم آورم که زرد آب از او
تراوش کند اگر علاج نکند هلاک شود سلیمان گفت علاج او
چه باشد دیو گفت یا نبی الله مغز زرد آلو و ریشه نرگس
در زعفران مثل حب کنند و اندام را با جوز ولد دو شفا یابد

۸۸ ۱۱۱ ۷۸ ۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱۳۳ ۷ ۳۴ ۹ ۹ ۹ ۹ ح ۴ ۲

۲۴ ۹ ۹ ۹ ۹ ۳۳ ۱۱۱ ۹۹۹ ۲۱ ۱۸۸ ۱۸ ۳۴ ۹

دیو هفتم نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود
نام تو چیست و مکان تو کجاست و بدی تو بمردم چه نوع است
دیو گفت نام من زکوک است و مکان من در سر خاکروبه
میان خانه است و ضرر من آنست که پری بر مردم زنم که
شوند و ندران بهم سایند علاج آنست که تخم خربزه و هندوانه

وچوب کز در زیر دامن حه کند و اسید بما را با خود دارد

شفا یابد ونتزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة

للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

دو بیست پنجم درانکه حضرت آورده اند حضرت فرمود

نام تو چیست و مکان تو کجاست وصرر تو بمردم چگونه رسد

دو گفت نام من شاهک است و مقام من در پیش نهاد

باشد و ضرر من اینکه هرکه طعام بسیار خورده بجا نکند زرد

من آب دهن برای او اندازم هرکه ارزو بخورد و درد رنج

و بیمار گشتی سلیمان گفت علاج او چه باید دو گفت اگر

کرز در اندام وی بمالند و اسید را با خود دارد شفا

باید من سکن هو الذی لو اهیا شراهیا

سمعوا باذن الله ۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱ هم ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱

۱۲ ۱۲۱۲۱۲۱۲۱۲ دا دا ۱۲۱۲ ۹۱۹۱۹۱۹۱۹۱۹

۲۲ ۹ 222 ههوهو دوبیست و ششم در نزدیک

حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مکان
تو کجاست و ضرر تو بمردم چه نوع است دیو گفت ای نبی الله
نام کارم است و مسکن من در خانه‌ها باشد و ضرر من آنکه
مو را در سر انسان بریزانم دیگر نرویانم سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت قدری روغن مورد و آب چغندر
با زرده تخم مرغ با هم بسایند و در سر بمالند موی برویاند

دیو هشتم را نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود
نام تو چیست و مقام تو کجاست و ضرر تو با مردم چه نوع است
دیو گفت نام من غراف است و جای در موی اطفال
ضرر من آنست که طفل را از صحت بیمار کنم و رنگ
زرد شود و هر ساعت رنگ برنگ شود سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت با تمیزاده این دعا را بنویسند تا شفا یابد

رزشر فرن ایمن کنکف کلفنذ ابراهیم فرابوماسو
طلسطاالیحاالیحیححوحح ۹۹ ۱۱ ۲۶
۲۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ بم دیو شفت هشتم نزد حضرت
سلیمان آمد حضرت از او پرسید چه نام داری و مکان تو
کجاست و عمل تو چگونه است دیو گفت یا نبی الله نام
من عمطور است و عمل من آنستکه مردم را معصیت و ضلالت
کنم و معاصی نمایم که کار بد کنند تا ایشان نظر در سد سلیمان
گفت علاج او چگونه است دیو گفت هر که اسید عمار ابا هم
دیدم و رزشر فرن ایمن کنکف سبا و سوماهن کوم
کم هو کوکوهن ۹۹۹ ۱۱۱ هو ۱۱ هو ۱۱ هو ۱۱ ادل
دیو شقت نهم نزد حضرت آمد حضرت پرسید چه نام داری
و مقام تو کجاست و ضرر تو بمردم چگونه است دیو گفت
یا نبی الله نام من سلنقر است و عمل من آنستکه خود را بر
رسته هند مردم بر بدنم و خانه بر آنها باشم تا دیوانه شوند.

شود حضرت سلیمان گفت علاج او چه باشد دیو گفت ریش
نخجیر را در زیر دامن او دود کنند و اینها را با خود دارد شفا
یابد صاحب آن با بهبودی صادق ۲۲۲۱۳۱۱۱م۹۵۱۱۹ام
دیو هشتم در نزد حضرت آمد ۳۰ ۹۹۹۱۳۱۱۹ ممم
از او سؤال کرد که اسم تو چیست و مکان تو کجاست گفت حضرت تو
مردم نیکو شده است دیو گفت ای نبی الله نام من جمهور دیو است
جای من السنگ دیم در سر راه مردم نشینم چون کسی
بگذرد وسوسه بر سر او افکنم که گرد حلال خود نگردد و به
حرام بالا رود و از او عمل بد صادر گردد سلیمان گفت علاج
او چه باشد دیو گفت هرگاه کسی از خانه بیرون آید بگوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم
و این طلسم با خود دارد ۲۲۲۱۱۱۸۹۲۹ ۱۲۱۹ مم۱۱۱
دیو نهم در نزد حضرت سلیمان آمد حضرت ۹۹۱۹۱
سؤال کرد که اسم تو چیست و مکان تو در کجاست

وعزر تو بر وی چه گونه است گفت یا بنی اده نام من
خناس است و مکانم من در زیر ابهامست میان من گرد
نفس خود را بر مردم رسانم تا بیهوش شوند و دیوانه گردند
علاج او این دعاها چو ولد شفا باید در طاسی
مس سفید نویسد و بشسته آب او را بخورند خوب گردد

احیاه اهیا کیا وکیفا طاسوصانت

اصابت الوذولی وانه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

دیو هفتم در نزد حضرت سلیمان آمد و بود که ای دیو
نام تو چیست و مکان تو کجاست و عمل تو چگونه است
دیو گفت یا بنی اده نام من حسام است کار من
یا بنی اده اینکه که هر که در خواب بجهد و آرام نگیرد
در صحبت من باشد در عالم خواب سایه خود را بیاورم
که در در مد و در خواب بجهید سلیمان گفت علاج او بگوید

بپوست صدف یا زهره اصغر در دو اوز اوله ابید نماید انند

شفا یابد ۲۲۲ ۳۳۳ ۳۳۳ ۲۲ ججج ججج لطا لطا لطا

ککلا ههه ههه ههه ههه منحـ

فال نامه

هرا که این فال نامه حضرت امیرالمومنین ع حضرت محمود

که هر که نیتی فکرشته باشد و این فال نامه انگشت شهادت

نهد اول سوره حمد با قل هو الله احد بخواند و چشم خود

بر هم نهد و انگشت نهد معلوم خواهد شد نیک و بد احوال

مریخ	زهره
زحل	آفتاب
قمر	مشتری
ذنب	عطارد

اگر ماند یکی زان زهره باشد — نزار زر دوستی ها بهره باشد
اگر عقدی بود از زر حیاتست — مبارک مینماید بر وصالت
اگر خط کش زر زنبهر فرزند — بیابد رفعه ای زفضل خداوند
اگر میل سفر داری تو در صحبت — امید خویش خواهی کرد حاصل
اگر زانجام خویش جوئی — قرارش رفت باشی در نکوئی

ای خداوند فال هر نیتی که کرده برآورده و خیر کثیر
اما دو دل هستی و بیش کند که در رنج و زکاری ناره
و تو پیش خواهی گرفت و بنای در کار تو خواهی کرد بکن
که خوب باشد و ازین باب خرم و خوشحال شوی و از شر
دشمنان ایمن گردیده اما تصدق در هر ماه تو باید داد
که تصدق رفع کننده بلاهاست و اسم مریخ

چه آید ز فال تو مریخ آمد — حذر مسکن که اینفال [illegible]
حذر مسکن لیکن هست که در [illegible] — که در پیش تو در هر کاری
اگر از غایب محبوب جوئی — پریشان [illegible] ازین جستجوئی

سر حد

فال
اگر تو خسته و مهمت ملال و بی دل و دیده نگار رو بد بود

ای صاحب فال بدان و آگاه باش که حال تو را
پریشان می بینم و چند روزی که طالب چیزی هستی
تا هشت روز دیگر از این نیت خود بدر باش و دلیل
کند که خرید و فروش اصلا خوب نباشد اگر کسی ضرر
و پشیمانی بینی اگر از برای عقد نکاح باشد نیکو نباشد
و کار سختی تو را در پیش آید که حیران بمانی اما نذر
شخصی سرخ صورت و گربه چشم خود را بیرون نما
تا در امان خدا باشی

طالع اصحاب بیت

چه اشهد فال بین اصحاب آشفت دل و دشمن ز همنشینی حذر
ترا از خوبان می بینم از این کار گشت ... هشیار باشند فیروز تر
اگر خواهی سکه گردد و پیوند هر دو می شود خوشحال ...
سفر کن ... فال ... آمدی فراوان مال ...

ای صاحب فال بدان و آگاه باش که ...

بر تو مبارک و طالع تو از زور و حشم بر آید و بزودی
بمطلب خود خواهی رسید و میبینید که با جمیع دوستان
عیش و عشرت خواهی کرد و از بزرگی منفعت
خواهی یافت و اگر رنجوری داری شفا خواهی
یافت و درد او از گرمی و خشکی و از زردابست اگر
از برای دزد برده باشد دلیل کند که انشاء الله
نقد بدست آید و در شخص سفید چهره میانه بالا.
خوشحال گردی و نیکوئی بینی زحل
زحل آمد چه در بیت لقایت پر بشارت کو با جمله حالت
دولت بگرفته و خواطر پریشان ندارد و خوشی از قوم خویشان
تحمل کن درین منت که کردی که تا از وی نه بینی روی زرد
ای خداوند فال بدان و آگاه باش که زحل چون لقایت
آمده ستاره بزرگ است و نحس بر دشمنان دزد
و مطلب و امیدی که داری بزودی بر آمده گشته
ونه

و از همه غم وا رهی و خلاصی یابی حیث و اگر نیت
سوگندی داری نیکو است و میل کند که از شخص دیگری
که او را دیده باشی و از مژده او شادمان باشی و اگر
از وی دیده یا گم شده نیت داری زود بدست آید
و اگر نیت شریکی و کاری و از نو داری مکن که بسیار
خوب است و آخر احوال تو به خوبی است (۲۱) مشتری
چه آمد مشتری در فال مه دلان   چو لعل بر سر انگشتری داران
که خواهد داد حق نعمت و ناز   به خوشی دل شوی با عیش دمساز
از این مقصود جستی از ثبات   که تا ایمن شوی یکسر برات
اگر دل خسته داری شفا یابیت   ز رنج و خستگی دیگر رها یابیت
سفر هم خوب باشد زود آید   به هر دولت آید خوشنود آید
ای بنده خدا فال بر آن و آگاه باش که مشتری سعد است
دولتمندان و بزرگان باشد لذا غم و اندوه حل
ظاهر شد اگر جوینده و منتظر داری مهیا کن بسعت

رسد شخصی که دوری او کشیده باشی از مژده او دلشاد و شادمان
شوی و اگر گم کرده یا دزد دیده یا گریخته باشد از بعض
آگاه شوی و خبری بتو رسد   مثنوی
چه فال خویشتن در ماه بینی   تمام دشمنان در چاه بینی
یقین شد دست یابی بر مرادش   فراغت یافت از هر رنج خاطرش
بحمد الله که دشمن کشته باشد   حسودت می‌کند بر فرق خود خاک
دلت از هر تخیل یافت آرام   رسد از غایبی پیش تو پیغام
نکاح و عقد بنا و جاه طلبی که داری و سود در لطف الهی
که محنت رفت آمد اسباب بهبود   اگر بیمار داری به شود زود
ای خداوند فال بدان و آگاه باش که مال را دخل کند
که سفر کردن بسیار خوب است اگر سفر کنی فیروزی و شادمانی
و خیر بسیار بینی و اگر نیت کاری در دل داری
تا روز شنبه از او خبر دار شوی و مراد دل ببینی و راستی
و دوستان شاد شوی و دلخوشی بینی انشاءالله تعالی

به کفش
چه فال آمد عطارد و دان که یابی از خدا امسال توفیق

حسودان و بخیلان تو مردند ز حسرت و ز غم تو جان سپردند

اگر داری کسی غایب ز جایی بیاید زود و از لطف الهی

اگر داری هوای راه رفتن بود شکوه صاحب با تو گفتن

چو نیت فال کردی
اگر از شغل میل عروسی مکن او را مکن اهمال خوب است

اگر میلی بوصل دوست داری بزودی میشود مقصود جاری

اگر داری سؤال از دوست مشتاق بدست آید بزودی لذت معشوق

از خداوند فال بدان و آگاه باش که فال تو بسیار خوب باشد

و پیش کند که در کار چند سرگردانی باید صبر نمایی تا برآید

خود برسی و الحمد کار تو بسیار خوب است ذنب

فال
چه بینی در ذنب آید تو را فال حذر کن زنهار از دزد و قتل و مال

از این نیت اگر شد قصد خانه حذر کن که در زحمت تمامی

اگر در خانه داری شخص بیمار بصندوق بیاید شفا بسیار

اگر که غایبی داری بغربت ببین دیدست آنجا رنج و محنت

ای خداوند فال بران و آگاه باش که ذنب و سهیل کنند
که آتش بجایی و غم بسیار خوری اما کار بسته هرگز
مکن تا در بسته‌ها بر ایمن گردی و لذت کاری رفته نیافته
دل را آسوده دار و از چشم بد حرز خواهی کشید دعای
نظربندی با خود باید داشته باشی از هر بلیه ایمن باشی
والسلام
صفت کعبتین حضرت بنویسید و در گردن ایشان بندد
کعبتین گشاده گردد لا اله الا الله الجنی
اللهم انی اسئلک من الفضل والنعمت و
انها بیدک لا یملکها من احد غیرک من بلیه علی
خیر خلقه محمد و آله صلی الله علیه و آله و سلم دایم دعا را آب
روان اندازد بسم الله الرحمن الرحیم من یعمل الخطام
و هی رمیم رب العرش العظیم من کان الصگ
که پیش کعبتین بنویسید با خود دارد ایمن است
در زیر نماز دعا را نماز که فعل کند

يا من الوحي بدور مجمف بسم الله الرحمن الرحيم

هي هـ هـ هـ هـ هـ هـ هـ هـ قدوس

قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس سلم سلم

سلم سلم سلم سلم سلم سلا سلا سلا سلا

سلا سلا الا هو دی هلا هم سن الرسلی

حان کیف یشاء الله الا هو العزیز الحکیم لما الجهو

هذا عالم نام ۱۱۱۱ ۲۲۲ ۲۲۲۲ ۹۹۹۹

و این دعا را بر شته کرده فلما تغشیها حملت حملا

خفیفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما

لئن اتیتنا صالحا لنکونن من الشاکرین

صبح طفل که همراه داشته باشد بنویسد و بر دو عمارا و دیوار

طفل بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم ان الله قد

احاط الله وکان ان الله علی کل شیء قدیر

او لا قاتلکم وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک

بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون

وما هو الا ذکر للعالمین اللهم انی اسئلک

یا من له ولطف خفی وایادیه باسطة لا تنقضی

اسئلک بلطفک الخفی الذی ما لطفت به لعبد

الا کفی ان ترزقنی مولای امیر المؤمنین ع ابن ابیطالب

فی مناجات جهت دوستی هرکه این طلسم را با خود داشته باشد نزد

خلایق از زن و مرد عزیز و محترم باشد و دوستدار او باشند

[illegible]

عزمت علیکم بعزة الله بحق محمد رسول الله و بحق علی

ولی الله و بحق ابراهیم خلیل الله بحق جبرائیل و میکائیل

و اسرافیل و عزرائیل و بیت المعمور صلوات الله

علیه و علیهم اجمعین الحمد لله الذی سبحان الذی

لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد [illegible]

[illegible] انگاه بنویسید بنام هر که خواهد بر [illegible]

بنویسد در زیر آتش دفن کند حع ع ٤ ۱۲ ۱۲۱۳۱ ۲۱۲۱

۱۲۱۲ ح حج حج حج حج ریقا بر پوست که نوشته شد آهوی

اندازند از محبت بیقرار گردد بنام هر که خواهد ﻣﻠﻠﻪ

ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ

ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ ﻣﻠﻠﻪ الصیک

بر پیشانه گوسفندیکه بی عیب باشد اگر زن باشد از ماده

و اگر مرد باشد از نر این عزیمت را بر او بنویسد و در زیر

آتش دفن کند چنانکه بسوزد تا ترا نه بیند قرار نگیرد

۱۱ دا سے ۲۳ ۱۱۱ سے هه ۱۱ ۱۱۲ ۹ ۱۱ ۱۹ و ۱۱۱ ۱۱ آسن

۱۱۱ ۱۰۱۰ ۹ ۲۱۱۳ ۷ ۱۱ ۷ او ۷ ۱۱ ۱ عدد از فلان
۱۱۱ ۷ ۱۱۱
۷ ۱۱ ۷ ۹ ۹ عم عم ۱۱ سهم ۱۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱۱ بین فلان و فلان

محبت زن و شوهر اگر زن خواهد که شوهر را از محبت خود بیقرار کند آنرا

نوشته در زیر آتش کند تا بوزد چنان بیقرار گردد که اگر

یک ساعت زن را نه بیند قرار نگیرد و اگر خواهد جای دیگر

سعی کنند این طلسم راست در زیر سر بند و با شوهر صحبت دارند و صبح در آب ریزند

و بر سر راه او ریزد چنان شود که اگر دور رسیده میل کند

حساب طالع مرد و زن

در طالع مرد و زن که بهم رسند یا نه طالب و مطلوب نام بر آنها و مادر را بحساب ابجد کبیر بگیرد و پنج پنج طرح کنند اگر فرد ماند بهم رسند و اگر جفت ماند بهم دیگر نرسند بعد کل طالب و مطلوب و مادر آنها را با ابجد صغیر حساب کنند و بعد از آن چهار چهار اندوسی سی طرح نماید آنچه باقی ماند بر این نوع نظر کنند و حکم او را از جدول فراق و وصال ملاحظه نماید اگر باقی طرح در جدول وصال باشد به وصال مطلوب خلعه رسد و الا به وصال نخواهد رسید

بعد

محبت بلند خدا نفرستند و بایی نشوند که بوصل او نگراید رسید

حساب ابجد صغیر و کبیر

حروف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
کبیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
صغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
حروف	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
کبیر	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
صغیر	۱۰	۸	۶	۴	۲	ساقط	۱۰	۸	۶
حروف	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
کبیر	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰
صغیر	۲	۵	ساقط	۴	۸	ساقط	۴	۶	ساقط
حروف	غ	فتبارک الله احسن الخالقین							
کبیر	۱۰۰۰								
صغیر	۴								

این است جدول فراق و وصال ملاحظه نماید

جدول وصال

۱	۲	۳	۶
۷	۱۰	۱۳	۱۶
۱۷	۱۸	۲۱	۲۲
۲۵	۲۷	۲۹	[illegible]

جدول فراق

۴	۵	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۵	۱۶
۱۹	۲۰	۲۳	۲۴
۲۶	۲۸	۳۰	[illegible]

اسم زن و مادرش را بحساب ابجد بگیرد و پنج پنج طرح
کند اگر یک بماند پسر است و اگر جفت ماند دختر است و چهار
کور رسیده است العلم عند الله هرگاه که فلان حامله املس وقت
باشد جدا او کور خواهد بود و هرگاه مالیس جزیه مونث است
و بدستور ثقل راست و الالت تر و لا و پسر دارد و طرف چپ دختر
سینه را شیر زن تر کند اگر با آتش فرو رود پسر باشد و اگر بماند
آتش بایستد دختر شیر زن چون بدوشند اگر چون مروارید
پسر باشد و اگر پراکنده است دختر اگر زن بجای خرلعل از دختر
باشد والله پسر جهت درد دل جمد بقدر یا قلبی زهره خروس
بخورد پسر تولد کند و از زهره ماده دختر قنفذ گرگ همین اثر
دارد و جهت زنان بند حیض را باز هرگاه زن بچه بر دارد
بعد از ظهر صباح طعام آنرا در بلبه آنزن را فرزند حامله شد
والله ... خواهد جهت تعداد سینه مقعر که با سوزن

[illegible]

سوره اخلاص

سوراخ ماسنهٔ زن بردارد هرگاه صبح بوی سیر از دهان او [illegible]

طالع هر کس که حامله است بگیر که خواهد چهل بو یا سر هزار با صدف

ساو رسانیده در بینی وی سعوط کنند هرگاه عطسه کنند

باکره است و الا فلا صحبت عداوت و دشمنی

منقول است در کتاب طب روحانی چون گوشت خوف آغشته را

بموی سر زنان بخور کنند و مردان از آن بخورند آتش دل ایشان

زن کند بنفرت نماید که هرگز باو نظر نکنند اگر سرگین مرغ

سیاه خاکی را بر در خانه کسی بمالند در آنخانه خصومت پیدا

شود استخوان سگ سیاه را در میان طرفین دفن کنند

در میان ایشان جدائی افتد موی سر زن را با موی مردان

میان صحبت خانه ایشان بسوزانند در آب بریزند در میان [illegible]

مرده چه ذات دل آمیزد از آن زن سیاه کنند دوست

گرگ را که [illegible] در ساعت مریخ میان دو کس بسوزانند

هرگز با هم جدا شوند ۳ درم مار و سه درم مغز زرد آلو

ع دو درم بادام ع نیم دانگ دانه انگور باعث مشتری

مع در میان دو کس در آتش بریزند در ساعت از هم نفرت کنند جدا شوند

دگ بنویسد این دعا را بر کاغذ بشوید بخورد و هر کس که خواهد

یا در آتش اندازد از هم جدا شوند عال علی عال علی

علی علی علی علی علی علی علی اه اه اه اه اه اه هو هو

هو هو هو هو هو حش حش حش حس حس اش

اش اش اهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا شراهیا

شراهیا بکر ههیت ... له له له له له له له

له اهر له بنویسد در روز چهارشنبه و در وقت طلوع آفتاب

و در زیر آستان خانه آنکس پنهان کند هنوز به او نرسیده باشد

که از هم متفرق شوند ١١ ٩١ ٣ ... ١١ ١١ ٩٨ ... ١١١١

ط ١٢ ع ام اهدا ... کدم ٢٢ اع دگ بر کاغذ نوشته

به آب شسته بخورند هر که خواهد در میان ایشان جدائی افتد

... ١١ ١١ ... ١١٩٩ ... ١ ... ١١ ١١ ١١ ... ط

بهم ... ایمن ... بتفض ... الی ... المنادیاد ... محبوب

لهم و حاء ... ۳۲۲ ...

...

...

... یا و مهر ... پوست

... ساه نوشته و در زیر ... کند عداوت ... بهم رسد

نُذبحها انشاءها وهو بكل خلق عليم

در یوم چهارشنبه نوشته در میان پوست کرده ...

آتش دفن کند در ده سه روز جزای بند اللهم اللهم

... اگر خواهی که میان

دو کس جزای افکنی بر شانه گوسفند

... در سیم هر ماهی که باشد خاصه در ساعت ...

و با یکدیگر ناظر عداوت باشند تو منتظر رفتن بخشش باشد

نوعی دیگر در ساعت قمر در عقرب در وقت اسد

دفن نماید

در ساعت قمر

در عقرب این شکل

دراز و عرض

هر که این طلسم را

نوعی دیگر

نوشته در قبر سیاه پنهان کند در میان راس

جنرال اسد

نوع دیگر نوشته در زیر زمین نمناک دفن کند خوبی را

وبالله الوح حح حح حح ضوصوص الصعض و العداوة

فرقة ۲۲ ۲۲ نوع دیگر بنویسد بر کوزه نو بنام هر دو دور

اندازد ...

[illegible]

[illegible]

برشانه بز نر نوشته در آب روان اندازد بنام هر کدام که خواهی

[illegible]

[illegible]

این آیه را است بکار به سه گرگ یا خوک ... بخواند بر لباس آنکه

مالدبتعظرمه عرمثل گرگ و خرس ... والقینا بینهم العداوة

والبغضاء الی یوم القیامة قال هذا فراق بینی و بینک

سانبئک بتأویل مالم تستطع علیه صبرا دیگر

نوع دیگر بنویسد این دعا را بکاغذ و باب بشوید

و کو ز و شفا باید با خیر بذ و دها لسناس والحجا

اعددت للکافرین عفور رحیم یا ارحم الراحمین

[illegible]

منه یا من فی الحق کلمات و قطع و اثر

قوم با من الحق ینزل الماء و الیه ترجعون

کسی که خواهد کار و ضرر کند و انواع ضرر بدهند و رضا شوند این دعا را

بر شانه گوسفند نوشته بشوید و آبش را بر سر مدبر و ضرر بریزد

رضا شوند [illegible]

خواهد که حیل از کسی و ضرر باز نخواهد این طلسم را نوشته

در میان کلاه یا دستار گذارند یا بر بازو رسید بلا ضرر شوند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جهت آبله بدان که تا بدین شکل بنویسد مثل لذا آبله بیرون آمدن کودک را بر گردن او ببندد با سلامت بگذرد

الرحیم ۱۳	الرحمن ۲	رب العالمین ۳	بسم ۱۶
وایاک ۸	نعبد ۱۱	ایاک ۱۰	مالک یوم الدین ۵
صراط الذین ۱۲	مستقیم ۷	اهدنا الصراط ۶	نستعین ۹
ولا الضالین ۱	علیهم ۱۴	غیر المغضوب ۱۵	انعمت علیهم ۴

الضا

نقش حمد آبله

در مکارم الاخلاق این شکل را از برای دفع آبله کم بیرون آمدن نقل کرده است بعد از آنکه به ترتیب ورق بنویسند ۱۲۰م

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

جهت رفع تپش
اگر برکسی تپش شده باشد

جنه ریکه تپش کم باشد اینها را بنویسد در موم کرده
و در گردن بندد تپش باز شود اینها را در موم گیرد و در
گردن بندد شفا یابد و گو کرده و سبد جاده را بالای در آستانه الخ

مه مه مه ه لا محلا ه لا ه عج

صه صه صه
صه صه

اعوذ بکلمات الله التامات من شر غضبه و عقابه و شر
عباده و من شر همزات الشیاطین و ان یحضرون

بسم الله الرحمن الرحیم والمرسلات عرفا
فالعاصفات عصفا و
الناشرات نشرا فالفارقات فرقا فالملقیات
ذکرا عذرا او نذرا

وداسی منا محات واسقینا لم ماء فراتا ویل

یومئذ للمکذبین بیوم الدین هسم کاو کوسفند

فلان ابن فلان جهت حرمت محبت این طلسم را

زن در کمر بندد فرزند او لوجود آید و بروایتی دیگر بنوسید

و بشوید در آب و اگرا در روی شکم مالند مجرب است

۴	۹	ماحط
۳	۵	ما
۸	۱	مر

ایضاً این طلسم را در کرباس آب ندیده رقم کنند و در زیر

دامنش بندند در ساعت بار حمل بر زمین گذارد

و	د	ح	ط	ه	ق	ب	ث	ث	ش	ه

جهت خصاد این طلسم را به شانه گوسفند بنویسید

هسم هرکه خواهد حاضر کند بعون الله تعالی

مم ۹۹۹ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰ ۱۵ ۱۲۲ ره ۱ ه ۱۹۱

الصگ بیاورد دل کوسفندرا و این طلسم را نوشته درمیان
هرکرده و در پارچه از رخت مطلوب بپیچید و در زیر
آتش دفن کند که حرارت آتش گ ۱۱ ۱ ع و ۷
با ورسد ها فرکهف

۹۹ ۱۱ ۱۱ م ح ل ۱۱ ۸ ۱۱ ۱۱ ۲ ۱۱ ۱ ۸ ه

الصگ نقش کند به گل کوزه گری آتش بندید و در آتش
پنهان نماید ها فرکهف
الصگ جهت حضار
در چراغدان مس تا ما
سفید کرده کرده و با روغن
پاک روغن به مطلوب بر افروزد ها فرکهف

	۲۳	
۵۵	۵	۳۲
۲۲	۵	[illegible]
	۳	۳
	۲۲۳ ۲۷ ص ۲۲	

۱۱ ۷ ۹ ۱۱ ۱ ۱ ۵ م ۱ ط ۹ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۹ ۷ ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۸ ۱

النار النار الصگ در سفر نوشته در روز چهارشنبه شام هرکه

هرکه خواهد حاضر نکند اسم برت

این آیه را بنویسد و در ریسمان بندد و ساکن شود بامر الله

یا من حی الحق بکلمات و یقطع واید که

قوم یا من یحول بین المرء و احسنه الله جل جلاله

بستن آفت از زرع و کشت این دعا را بنویسد در

گوشه زمین دفن نماید آفت ساوی و ارضی لذ مخر و

باو نرسد بسم الله الرحمن الرحیم

ان الذین امنوا جنات تحتها الانهار

خالدین فیها جزاء عن علیها منها الانهار

لوام باسم زریع ۴۴ شفاء و رحمة للمومنین

فواله ول با ضوا لوالذین علیها من نهار

طبع اله سیها تحتها الانهار علیها ...

پیدا شدن دزد این آیه را نوشته بر باسم که گمان

دزد رفته باشد و یازده گندم گلوله کند در طشت پر آب

اندازد آنکس که دزد باشد مال او بالا رسید و باز فرو

رفتد بسم الله الرحمن الرحیم اذ قتلتم نفساً

فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون لگ

این طلسم را بر پشت کاسه چوبین نوشته و میخ آهن

بر او کوفته و نفر آن میخ را بگشت کرده و گرداگرد آتش

بخواند باسم یک یک باسم دزد که رسد حرکت آید

۲ ااا ۲۳ ۱۲ ۲ ۱۲ و ا ا ۲ ۱۱ ااا ۲ ۱ ااا ۲ ۷ ۲ ۲

جهت طفلی که در خواب ترسد بکشد نوشته در گردن کودک

آویزد هم هم هم هو هو هو هو هو هو هو هو

هو اداسه کیف هو هف سف قل هو الله احد

تا آخر جهت بند کردن از قول امام جعفر صادق

بر بازوی راست کسی که تب کند به بندد و انشاءالله شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجا ... عدد مغز بادام نوشته کوزه ... درد ...

بسم الله نادت واستادت دوم بسم الله ... العرش دادت سیم بسم الله ... علم الغیب عادت

اینجا ... کاغذ نوشته هر روز یکی ... کوزه

تب درد و بسم الله اربطا اربط بسم الله

اربطط بسم الله اربططنا تب سر یک

بر یه پارچه کاغذ نوشته هر روز در وقت گرفتن تب

در زیر دامن دود کنند ابوبکر وفرعون فی جهنم

دفنوها عمر وقادون فی جهنم دخانها

عثمان ونمرود فی جهنم ربطنا منها لکا

جهت تب ربع بر یه پارچه کاغذ نوشته هر روز در گردن

گردن کویند

ااا ااا

اا ااا

ااا

اا بسم تب فلان ٢ لکا جهت تب نیم

ریسمان سفید که دختر نابالغ رشته باشد و هفت گره زنند

و بر هر گره سه نوبت سوره فاتحه و یکبار آیه الکرسی بخوانند و بگویند

کهیعص و حمعسق ایاک نعبد و ایاک نستعین و بر

هر گره دمه و بکشد تا گره محکم شود و بر گردن تب دار ببندد شفا یابد

جهت ورز بر شتر پارچه کاغذ نوشته
انشاء الله تعالی

هر روز یکی را با آب پاک شسته بخورد و بشپلد دهم ام آر

بسم الله جلیعف
لا لا با کافی

بسم الله صیعف
اا ۱۵ اسا ری

جهت حلقه بری

بسم الله اربعف
۲ ۲ معانی

با عدد پنج رنگ ابریشم تا بست فام و این اسم را

بخواند و هر نوبت ملکره بزند بعد گره دور

بازو بندد و بعد از آن در زیر پای خود بندد

بسم الله الرحمن الرحیم بمحبت ...

بحق بو زند موسی و انجیل عیسی و زبور داود

و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم سبحانک یا لا اله

الا انت یا رب کل شیء و وارثه یا لا اله الا

انت و صنیع الجلال برحم علیه ... ازمن ...

و آدم و لدی ... بحق نوح نبی الله و ابراهیم صفی الله

موسی کلیم الله عیسی روح الله محمد ابن عبدالله
در موعدیکه با شوهر جمع شد در کمر بندد و وقتی که طفل
در وجود آمد در گردن طفل بندد کسی که فرزند
مینی او آید این دعا را او بندد شفا یابد

موسی

بوسید ابن دعا را و در موم کرد و با آب
زند و آب او را در میان مکس افشاند بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بعزة الله و بنور قدرة الله و بحق
نور قدرة الله بما جواب القدیم و بحق
سموات والارض وهو العزیز الحکیم شهد الله
اهیا شراهیا ادونی اصباوت الخالق
البادی سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک
نجزی المحسنین ابن فلان ام فلان

سخر لي قلب فلان ابن فلان كما سخرت
الريح لسليمان ابن داود وليّن لي
قلبه كما ليّنت الحديد لداود ع فانه.
لا ينطق الا باذنك وناصيته في
قبضتك فى يدك دئناأك يا ارحم
جمتى اللهم اجذب لي قلب فلان
ابن فلان كما تجرب المغناطيس ا
لحديد اجرب روحه وجسده
وجميع اعظاءه بحرمة حقك ونبيك
بحرمة انبياءك المرسلين والملائكة
المقربين وبحرمة يس والقرآن الحكيم
وبحرمة الم ذالك الكتاب لا ريب
فيه هدى للمتقين وبحرمة طه ويس
وطس وحمعسق وحم تنزيل الكتاب
المبين

عبده ذکریا طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی

جمعسق اللهم اغفر لنا جمیعا وارحمنا جمیعا

سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین

والحمد لله رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین

برسم کهیلا او بنده ... ماما

ما فهمصه برحمتک یا ارحم الراحمین وما قدروا الله حق

قدره جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات

بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ادعوا ربکم تضرعا

وخفیة انه لا یحب المعتدین ...

الصفا بزنید و در طفل ما و برد از گریه باز شود و بخواب رود

بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بک رب ... ان یحضرون

فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم

و العرش العظیم ...

جهت با خوشی و ترس طفل در خواب با مداد بنویسید

و بر طفل بندد مکسلینلینا مشلینلینا بملجادو

نوش مرطونش کسططیوش قطمیر شملیخا

ماشلینا مرنوش دبرنوش شاذنوش مرطونش

کشفطط قطمیر ۷ ۷ جهت درد دل در آب گرم کو انه

و کوزه با نوشته که بشوید بخورد یا الله یا الله یا الله

یا رب الارباب یا اله الاله یا ملک الملوک یا سید

السادات اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی

عبدک و ابن عبدک انقلب فی قبضتک ان

فی ذلک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع وهو

شهید انعکه بخورد بشوید و باشامد

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری بعبده

لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی بارکنا حوله

لنریه من آیاتنا انه هو السمیع العلیم جهت سر درد

بنویسد و پا و یز و بر سر از جایی که درد میکند اللهم

انک لست باله استحدثناه ولا رب مبید نذکره

ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان ان ندعوه

وتتعوذ به ولتضرع الیه ندعک ولا اعانک

علی خلقنا من احد فنشک فنیک لا اله الا انت

وحدک لا شریک لک عاف فلان ابن فلان وصلی الله

علی محمد واله الطاهرین ع ۱۱۹۹ ط جهت زنیکه

فرزند او نماند کحامله نشود یا نشود این آیه مبارکه را بنویسد و برشت عسل

و بعد از غسل حیض مرد و زن هر دو بیاشامند و مقاربت کنند

حامله شود و نماند فلما تغشیها حملت حملا خفیفا فمرت

به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن اتیتنا صالحا

لنکونن من الشاکرین رب لاتذرنی فردا وانت

خیر الوارثین ایضا

۱۱ ط ۱۱۱ م ۱۱۱۹۱۱ ۷۱۱۱

صرحال ۱۱ ۱۱ ل ـــه جهت زنی که دشوار زاید

بر ران راست او بندد جنین وضع حمل نماید رفع نمایند

مم ۱۱۱	ا	۸
ع	ا	س
مددا		م

مم ۱۱۱ ۸	د
سمحا	سد
مدر محمله	

ایضا بر پیشانی بندد در حال بار نهد بسم الله الرحمن الرحیم الشکور الصبور ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

ایضا بنویسد بر ران راست مد و بر شکم بندد جنین زاید دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا عشیه او ضحیها وقالت امرأت عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا جهت دختر که در خانه مانده باشد بنویسد و بر بازوی راست بندد که بنکاح آید این است

~~ط ۱۱ ۱۱ ط ۲۲ ها ۱۱ ه ۱۱ ه ۲ ححح~~ ایضا بر گردن مار

کور و لال ... او که شود بجلج لو تصاهدا اللهم شفا

بشفا بک ودادو بدوانک یا ودود یا ودود جهت

دفع صرع وجن بنویسد و بر بازوی دیوانه یا مصروع ببندند شفا یابد

بسم الله الرحمن الرحیم ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات

ومن فی الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا

هم قیام ینظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع

الکتاب وجیء بالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق

وهم لا یظلمون و صلی الله علی محمد وآله اجمعین جهت دزد

طلسم را در کف دست مظنون نویسد اگر برده گریه در آید از آن

ساهه ۲ بهار معد مسح مت

زنی که شیرش کم باشد بنویسد و بر دست چپ بندد شیرش زیاد شود

واذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک

الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا قد علم کل

اناس مشربهم جهت زنی که بمرض فرسودگی مبتلی گشته باشد

هر ساله آبستن نوبت کرانده بر متاع باشد بزحمت بمعرض رسد

ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی
بایعتم به وذلک هو الفوز العظیم و بر مشایخ نوشته بود که
لنا لنگا بنوسید و بر بالای مشایخ کرندو با پاویزد که بحر
حسلح خادج لبا وح والسلم محلت تا کصهم
کصهم کفسهم کلالا ولادل اکر دمرا
بخواهند که ان با منند و صید این اشکال را نوشته و در استانه اکسی دفن کنند
مراد حاصل است

صفت رنگی که وا ازلدد بنوسید و در میان لسان پاویزد که او
از سقط ایمن باشد بیت المقدس محیط بالارض والله
محیط بالعباد ولبثوا فی کهفهم ثلث مائة سنین
وازدادوا تسعا ولو ان ما فی الارض من شجرة اقلام
والبحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله
ان الله عزیز حکیم ولو جئنا بمثله مددا

حبت حافظه چشم به به با جوز و دارو فراموشی زایل کند حبت

نقد ساعه سرگین اسب را گرم بفشارد و در گوش چکاند نفع است

نسخه صد موش سم اسب را در زیر آستانه خانه پنهان کنند موش

از آنجا فرار کند حبت مستی قضیب زهره مرغ با مورد در سنگ [illegible]

دیر وقت ماند در ساعت بحرکت آید [illegible] شکر و زرنیخ و در دهنی

از هر یک جزوی بکوبد و با آب صمغ عربی خمیر کند و حب سازد

و بوقت حاجت یک حب در دهن کرده و آبش بر ذکر مالد بحرکت آید

دست نمک سنبل دب باسه و جوز بوا و میخک و هل و دارچینی

از هر یک چند درم کندر شش درم همه را بکوبد و با عسل حل میزد و هر روز یک

سه درم بخورد قضیب چنان شود که شرم دارد و از تکیه برخیزد حبت

حامله شدن زنان در ساعت سعد بید و با پاک کاغذ نوشته بمشک و زعفران

یکی را مرد و یکی را زن نگاه دارد و با هم جمع شوند البته حامله شود

اما بوست حبت نه نه شد اما قبل از طلوع آفتاب باید نوشت

علی علی علی علی علی علی علی به به به به به به به ههه

هه هه هه هه هه اه اه اه اه اه اه دس دس

دس دس دس دس دس اهيا اهيا اهيا اهيا اهيا

اهيا اهيا شراهيا شراهيا شراهيا شراهيا شراهيا شراهيا

شراهيا شراهيا اصبا و شهد الدعوة من الله القدوس

القدوس القدوس القدوس القدوس القدوس

القدوس به به به به به به اه اه اه اه اه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله	رب العالمين	الرحمن الرحيم	مالك
يوم الدين	اياك نعبد	نعبد	و اياك
نستعين	اهدنا الصراط	المستقيم	صراط الذين
انعمت عليهم	غير المغضوب	عليهم	و لا الضالين

۳	۱۴	۱۵	۴
۹	۷	۱۲	۱۲
۵	۱۱	۲	۱۲
۸	۳	۳	

کاشتن خربزه

در وقت کاشتن خربزه باید در دهه اول ماه کاشته شود اگر تخم خربزه را در عسل و شیر مخلوط کرده بخیسانند و سه روز بسته باشند آنوقت بکارند بسیار درشت و شیرین میشود و هر عطری که خواهی در عسل و شیر و اندکنی در خربزه همان عطر حاصل میشد

حفظ شیشه همی درون رگ‌های سبزه و عسل درظرف

بگوید هذا الوکیل القاضی با گوید هذا الرسول القاضی

با گوید هذا الغلام القاضی مورچه با آن شیرینی نزدیک نکند

جهت خنده بگیر مشت خاک که مورچه‌ها متفرق باشد در زیر سفره

پنهان کن از مهمان‌ها پس یزید در بسیاری خنده کسی چیزی نخورد نوع دیگر

زبل خرگوش را بگیر و در آتش بریزد از حاضران مجلس صد خواهد بود

که سبب خنده بسیار باشد هر که بوی دهن داشته باشد

هر روز ۸ دانه هیله بخورد و در ناشتا کند زکجا بدبو دهن

خوش کند و تشنگی نماند صفت شاش بند چاروایان

بنویسد این طلسم را و در زیر زمین پنهان کند و چاروا را در سر او بگذرانند

شفا یابد است ا ر

۲ ۲ ۱ ۹ ۳		۱۱ه
۵۵ ۱۱ ۱۱۹ ۹		ه۱۱
۱۱۱ ۳۰۴ ۱۱۹ ۱۸۹۱ ۱۱۱۹۳		ه۱۱

وقت گشتن چاروا را باز باید هذا لطلسم ۱۱۹ ۱۸ ۱۱ ط

۱۹ ا ل لوح اهـ اهـ اهـ اهـ هند زبیکه سبطیاشد ها بید بان

هست باید این آیه را بر قطعه جامه بنویسید که از کرباس جامه کرده باشند

آن بیرون را در روز پنجشنبه بریده باشند و در او رسانند سر او را درون کنند

زبان او گویا گفتن و آرام کرد لا یحب الله الجهر بالسوء

من القول الا من ظلم وکان الله سمیعا علیما

از حضرت صادق منقول است که هر که سو با ز عرف اینمن رسید ربات

باران شور و نیز که سلیط و بیجا باشد بخور اند خوش زبان گردد

مثقال در زمیه نوشته در زیر سنگ گران نهند بسم الله الرحمن الرحیم

او کظلمات فی بحر لجی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحاب

من فوقه موج ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده

لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا فما له من نور یحق

هذه الایات وهذا الخاتم و ما فیه مجلو ۲۲۲ ۲۲

الی هذا الموضع الوحا الوحا العجل العجل العجل

عجلوا او توکلوا والذی اخذ متاع ۲۲ محبوسه الحا

توکلوا خدام هذه الاسماء اصبوسا و قتای

شیز بحق ...

۱۴	۹۱	۱۱
۱۴	۱۵	۱۷
۱۸	۱۱	۱۴

چله بر بدینه یار سه رنگ ابریشم بیاورد و چهار بار این دعا را
بخواند و هر بار یک گره بزند این است بسم الله الرحمن الرحیم
شفا لک الله بکتابک توکلت علیه تا دون ماهو
و مکتوم خیرک العلی فی نظامک علیک یا کرام کاتبین
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ببندد چه زیر زمین و بالای زمین
فلان ابن فلان را صبر بر سینه کودک در خواب
دیده فریاد بردن انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم
الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم گوم که دو غله ابند
بنویسند سینه و را و در میان نهفته پنهان کنند

۱۱۹۸۱۱ ۱۱۱ که ام ۱۲۱۱ دله ۱۱۱ لا و ما ۱۱۱۹ و د ۱۱۶ ده

بنام اکرم لذمرزعه ۲۲ العجل العجل العجل الساعه

الثا دالثا دالثاد علاج رگی که بالا رک نشیند دست بالای

رک بند و بسیندی را خواند اللهم انی اسئلک اللهم

علی محمد وال محمد و ما دست اذ دست دکر کن الله حی

من اهل المؤمنین منه حلاء حسنا ان الله

سمیع علیم اللهم صل علی محمد وال محمد کذلک الله

من الذین امنوا و عملوا الصالحات دعای چهارشنبه سوری

آخر ماه صفر بنویسد و با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

یا دهاب بسم الله الرحمن الرحیم یا تواب بسم الله الرحمن الرحیم

بحق کرام الکاتبین بحق لوح و قلم و بحق عرش و کرسی

هم فلان ابن فلان اللهم احفظ تن دم چو لشکر

این طلسم را در روز چهارشنبه آخر ماه صفر نویسد و در میان باغ و مزرعه

نگاه کنند یا پروردگار رحمت آور ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه

ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای له له له له له له له

له له له له مطرهب المحبوب بنم دو حویه را بدمرزیمه فلانه

دعای نظربندی یا ورنی یا بفرصاحب دردورنی راکه

کند و بالا صنعت راست بنویسد با جیراند و بکانند

در طرف بالا صنعت چپ بنویسد با اسفند و با مرد

هرکدام صاحب درد او را ببیند زود زود را مدت او میدهد

برابر دور او میخوانی تا نی سر بهم باید اول سوره حمد بخوان

و بعد از آن دعا را بخوان قمر ما یا هو کبوش ما توش بقاش

بقاش لساذ کبوش اکوما قمر یاه انه من سلیمان وانه

بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی

مسلمین احبا جیرانید انت و ذلک اللهم صل علی محمد

و آل محمد برحمتک یا ارحم الراحمین بعد سر هر دو نی با ریسمان خام

که دختر باکره رشته باشد محمد در مسجد بگذارند

صفت نظر بندی این دعا را بر چشم بنویسد اگر زود آن است شد

دعای چشم نظر بند آدم

باشد در میان و پای آن و اگر دزد برای حیوان باشد بر پیشانی

آن زنند و بگویند بسم الله و بالله و علی اسم الله

واسم العین اهرت تحجت جابت انقلعت

انحجت کذلک العین و درا نقدارکتاب شد بسم الله

و بالله لا تا ترکو بد و در وقت نوشتن بچشم بر سر مریض

گذارند و سوره احمد و آیه الکرسی و چهار قل بخوانند و بعد بر شانه

راست مریض بعد بر شانه چپ مریض بعد بر زانوی راست

بعد بر زانوی چپ و بعد بر پشت پای راست و بعد بر پشت پای چپ

همچنین و در هر یک از اینها چهار قل بخوانند و بعد مریض را در

آب جاری برده بر بالای لب و بر بالای دهن و چشم گذارند و

در هر یک از اینها چهار قل بخوانند و بعد از آن مریض را ببرند تا کمر در آب

در میان و پای آن بر لب آب بر زمین زنند بعد از آن نوشتن بچشم

بر آب بریزد و در بعضی نسخه دعا این است جابت

تحجت انقلعت کذلک عین المعین مدون بخط اسط

چهارم در عجایب کتابت

بگیرند تخم مرغ خانگی خام که تازه باشد و بر آن بنویسند و بعدها
با آب زاج سیاه مکرر بنویسند تخم را چون پوست باز کنند نوشته
درست بر روی سفیده پیدا گردد به اندازه آن که او را جواب باشد
باشند هرچند دست بر او زنند محو نشوند کتابت النار
یعنی کتابتی که از حرارت آتش خطها هر شود و نقش گردد نمایان
بگیرد کاغذ سفید و نوشادر با شیر آمیخته بر او بنویسد کاغذ سفید
نماید چون پیش آتش برند خطی سبز پدید آید و اگر آب برنج
بر کاغذ چیزی نویسد تا خشک شود در جوار آتش گرفته سرخ
پدید آید و اگر شیر خالص نویسند خط در زود نمایان شود دیگر
زهره گربه سیاه و خون خروس با هم آمیخته در سایه خشک
کنند چون سرمه صلایه نمایند به هم آمیخته در خمیر کنند هر مرغی که از آن
بخورد بیهوش گردد و اگر خواهی که بهوش آید در زیر آب کشند
بهوش آید باب دهم در شعبده فصل اول

 در شعبده

در عقد النوم نوع اول بنویسد بمشک و زعفران در کاغذ زرد
پس میخ آهن در خانه های گوشت پیه طلسم را او بیند و بگوید خدایا
ببندم خواب را او را از چشم فلان بحق ۲ و روز طلسم را بخی نا آتش کنند
هیچ شب و روز خوابش نکند

۸۸۸	
لا	باسم فلان بن فلان ۲
سا	۸۸۸۸
ودول	ولد دال لا

دیگر طلسم که خواهی نوشته در زیر سنگ گران نهد

ا	لو	۷	۲
۹	٤	۲	۷

۱۹ ط ااا ۹ ۴۹ ۹ هر
۹ ا ۷ ا و عم ۳ ۹۹ ااا ۴۴
ها ه عدا ا۹ اا عم ااا ها

الهی اگر در شب چهارشنبه هیچ ارزو وفات بر سر قبر
بسر نابالغ رفته قدری خاک بر گیرد و همین آیه را بخواند و بر عقب
نگاه نکند بر سر هر کس که باشد هیچ از ان نکند و تحسبهم

ایقاظا وهم رقود ونقلبهم ذات الیمین

وَبَناتَ الشِّمالِ وَكَلِّبُهُم باسِطٌ ذِراعَيْهِ بِالوَصيطِ

لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِراراً وَلَمُلِئْتَ مِنْهُم

رُعْباً بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ تو بعد کوا این آیه را

بر کاغذ ناریک نویسد چنانکه همه کاغذ فرا رسد بنام هر که خواهد

پس آنمقدار که خواهد گره بزند بهر گره هر یک رشته کنک

حذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسله

ذرعها سبعون ذراعاً فاسلکون الف

بار بخشد لذ آنکه چهار رهله ورشت آتش عزیمت را بکشته

در آتش افکند تا سه شب غایب بخم رازیانه بخم که و ملیده بخشم

حنظل مساوی کوز نامه بنام هر که خواهد خورد بس رشته کنکا

عزمت علیکم مناصفه مناقله عنه هذه یا بیس

اداداه اهتیا شراهتیا خاصد العقد النوم الوصح

والطبه ولعداوت الشدید والوسواس والمحبة

دلعشق ۲۲ ے صحتہ ۲ الوحا الوحا اداه اداه اهتیا

اهیا اهیا بحق سلیمان ابن داود بن حمران محمد

ابن عمر عه و هو امیانا و ماعهه باذن امر طالو

حرمت تم فصل عقد الرجال نوع اول

برابر سیاه هفت بار بخوانند و هفت گره بزنند و بر هر گره یک بار

و هر نوبت که بخوانند و بگوید بستم ذکر فلان فرزند فلان ج ۲۲

وجعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون تمام هفت بار بر ریسمان

گرفته این دعا را برو خواند و هر یک را گره بزنند قتل الانسان

ما اکفره من ای شیء خلقه من نطفة خلقه فقدره

ثم السبیل یسره ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره

کلا لما یقض ما امره بستم ذکر ۲۲ چنین گره بزنند در میان

قفل صندوق بندد قفل را به بندد بسته کند نوع دیگر القا

اعتصا

با در یک زرع نخ زرد حلاج و هفت گره بزنند و در هر گره یک بار

و هفت بار قل هو الله احد بخوانند تا هر که خواهد گره بزند و گوید

بسنم ذکر فلان ابن فلانرا کند فی ۲۲ که بعد از این حرکت نکنند و بسنم

سیصد و هفت شش رکت و صد و چهار رباط استخوان ۲۲ بر فرج

۲۲ بعد از فرو بستن فلان هرگز بر دلبد و یکنوبت سوره یس

بر آن بخواند و آنرا کل کند و بگوید بسنم سیصد و شصت و شش رکت با ذکر

۲۲ بر فرج ۲۲ الساعة ۲ الساعة الساعة بحق

المجید الوحا ۲۲ هفت تار ابریشم سرخ یا سبز یا سیاه

هفت نوبت سوره تبت را بخواند و در وقت خواندن گره بزند

بگوید بسنم ذکر فلانرا در فرج فلان و در جای پنهان نهد بعد

ریسمان زه حلاج کار نو سیصد و هفت گره بر او بزند و بر هر گره که زند

این طلسم را بخواند و بگوید بستم ذکر و شهوت و عروق ۲۲ بر فرج

۲۲ بحق خاتم سلیمان ابن داود انا صببنا الماء

صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا

و عنبا و قضبا و زیتونا و نخلا و حدائق غلبا

و فاکهة و ابا فما استطاعوا ان یظهروه و ما

وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا عقد سهوت که

در هنگام نکاح باید خواند عَقَدْتُ رُوحَانِيَّة

شَهَوَاتِ ۲۲ عَلَى جَمِيعِ النِّسَاءِ وَعَلَى ۲۲

وَاحَدْتُهَا بِقُوَّةِ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الرُّوحَا نِيَّة:

بِعَقْدِ الْجِبَالِ الْقَلْبِيَّةِ هر گاه بخواهد بگشاید بگوید

حَلَّتْ وَأَطْلَقَتْ عَنْ ۲۲ عَقْدِ الشَّهْوَةِ الْمَعْقُودَةِ

بِقُوَّةِ الْأَرْوَاحِ الرُّوحَانِيَّةِ لِحَلِّ الطِّلْسَمِ تُنْفُذُ

این کلمات را هفت بار باید خواند هم عَقْدِ الْبَوْل

این شکل را باسم آنکس که خواهد در مکانی بار نهند او دفن کند بسته شود اگر خواهد که یگانه

ا	٥	٥	٨	٣	٢	٣	٢	م

بول کسی را ببندی یا درد دل بر کسی عارض شود بکش صورت سنجی را بر زمین بر این طریق که الف بر سر او و ط بر سینه او و ز او در پهلوی راست و ح و در پهلوی چپ و الف در میان دو پای او و ها در دو چشم و را در ناف ۱ و ۵ مرتبه سوره و اسیل را

بخواند هرکاه به لا تصیبها الا الاسفر الذی کرنت ولولا رسد
سوزنی را در میان ناف نوشته شده کذر شته فرو برد که ان
خدا تعالی در دل وشاش مند بر وطاهر تعکی این رنت

نوع دیکر بنویس باسم ۲۲
ودر زیر سنک کران نهان کن

٨	١
٧	٩

٢ ١ ٤ ٣ ۵

ط ج ا د

وضع عقد الطرق

بجهت بستن در زد راهی که آنکس بر آن راه خواهد رفت و این آیه را
بدان نویسد با نام آنکس ودر جایی فرو زند مادام که آن سنگ
در آن جاه باشد آنکس بدان سفر نتواند رفت قالوا یا موسی
انا لن ندخلها ابدا ما داموا فیها اذهب انت و ربک
فقاتلا انا ههنا قاعدون نوع دیکر

در بستن کسی که بجای رخوا[بد] این دو مربع را در میان کاغذ

بکشد و نام آن کس را در وسط آن نویسد و در زیر سنگ گران نهند

[illegible]

در فتح الرجال

بر صفحه پادگیر نوشته کوزه کشته ده گرد کلا سلا کلا

علا سلیل هفیو سمر کهر فلان ابن فلان

نوعی دیگر بنویسد و بر گردن فلان بندد ربنا افتح بیننا

و بین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین برحمتک

یا ارحم الراحمین نوعی دیگر این آیات را بر کف دست

نویسد کنزرع اخرج شطأه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا

وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا کریما

بر چهار عدد چشم مرغ بخته نویسد و پوست او را کنید چون آسیا

بگردد گشاده کنی اول فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون

دوم قال ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله

لا یصلح عمل المفسدین سیم انما صنعوا کید ساحر

لا یفلح الساحر حیث اتی چهارم قذف بالحق

فیدمغه فاذا هو زاهق ولکم الویل مما تصفون

لنگا سه عدد تخم مرغ را بدکرده و پوست کنند اول

آیه را بچشم اول با بدنوشت حتی اذا رکبا فی السفینة

خرقها دوم اولم یر الذین کفروا ان السموات و

الارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا

یؤمنون سیم فاستغلظ فاستوی علی سوقه

اگر لنگان یکی کور و دگر بینا شد لنگا روغن گرگ کار کرده در خشت

مالد هر لرزه ازین طلسم را به بازان جهت هر دو لرزه سفید و زیر

خود بخود گشاده گردد ه ۱۱۱ ۹ ۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۰

الحی نوعی دیگر هر چه سماه

گره گرا کرده بکشند سوره انفطار را بروی بخواند و ببندند تا گردند

گشاده گردد نوعی دیگر این شش شکل را نوشته در میان

خرما بنهد و بخورد گشاده گردد

نوعی دیگر جهت ادعای

نوشته بگذارند مرد و زن که زد و در بست اناس

مشغول شود نوشته زن و مرد

گشاده گردد منه بر کمر بندد گشاده گردد

والله یرید ان یتوب علیکم ضعیفا

بر گردن فرزند ببندد

والمناعم ۲۲۲ البحر المجد العجد المجد حسم

العصر حرر ی حاشا دهو صه و بحو ریه علیکم

احد المکان

در ران راست بندد و در روز جمعه

مبنا	صحا	لك	انا صحا
۴۹	۵۹۲	۰۱۲	۰۱۵
۹۳۹	۵۲	۴۷۸	۱۲
۸۱۸	۱:	۹۵۴	۹

صح ۱۸ ح ماه ۱۱۱ ح ۱۱۱ ع ل

لكا هر كس مرغ سياه نوشته بچه كند و شپره نيمه نامه نيمه خود خورد و نيمه ديگر بزن بخوراند لله كفى

و و لالالا دود لالالا احواجا البها

كواحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم انا صحا لك

صحا مبنا كلته و ذكر فلان بكار فسرح فلان مم سم مم

باب عقد اللسان

سوا كو پرسلو باين روش نوشته در آستانه خانه هر كس دفن نمايد بابان

زبان او بسته گردد و بالای سخن او سخن نتواند گفت آیت

هؤلاء بنو شانئك ان وانحر لربك فصل

كالكوثر انا اعطینا ۲۱۱۲ ۲۹۲ ۷ ۱۱ ۹

س ۱۱۰۹۱۱ ۲۲۲ ریگ نوشته و در مشمع کرده در

زند و روی خود را از آن بشوید و بشوید را اگر مرد دست بد

رست وا کردن دست پیست حبیب و بسم الله الرحمن الرحیم

هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون

صم بکم عمی فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا

یرجعون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون صم بکم عمی فهم

لا یذکرون ببندد زبان و تمام اعضا و سست شود اگر

و ۲۴ با استخوان ۲۲ و را بمهر و رسی فلان ابن فلان و جعلنا

من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

۲ ۱۱ ۱۱۱ ۹ ۱ ۱۱۱ ههی

۵ ۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ هو کهیعص حمعسق والله اعلم

لحالحا لمحکا

۱۲۱	۲۹۲	۲۹۹	۱۳۷
۲۹۹	قولد	ملدعا	۲۹۱
۱۲۷	ادعم	من بر	~~۲۹۲~~ ۱۲۱
۲۹۲	۱۲۱	۱۲۷	۲۹۹

اگر خواهی کسی را از محبت
خود مقید کنی که هرچه بگوید
در سخن تو بیرون نرود
این نامها را بنویس بگذار
آتش دفن کن علم کرد آتش بان رسد زبانش در حق
نوشته نکند و از قول تو بیرون نرود بسم الله ۲۲۲

لسم ابد لسم داحون وحنون لمنولسو
واسیت و انا سی تولی میه لستر لی نشو سیلا
العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه الوحا
الوحا الوحا لمحکا بسم مطلوب نوشته در زیر زبان
گذارد و با هر سخن گوید زبان او بسته نکند هرچه گوید
قبول کند و ت مرت ک ل م ث د ب ک صدق ا
و ع د لا ل ا م ل ل ا ن م ب و ل ل ک ل م ا ث

ه و ح و ال س ا ی ع ال ع ل ی م و ان

و م ل ن ا ل ع ل ی ـفا در موم کرده یا خود نقره

همراه بدارد کهش او بسته شود اما باید پاک باشد

و با طهارت باشد بسم الله الرحمن الرحیم هذا براءة

من الله العزیز الحکیم لـ ۳۲۲ من شر الس

جمیع الناس وافواههم عامه ومن شر لسان

۲۲ خاصه کیلا یذکروه ولا ینکروه بسوء ولا بخیر

فی کل وقت لصعسعلسلعکهسللعی

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا

فاغشیناهم فهم لا یبصرون حسبی الله نعم الوکیل

نعم المولی ونعم النصیر هذا یوم لا ینطقون

ولا یؤذن لهم فیعتذرون صم بکم عمی فهم لا

یرجعون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون صم بکم عمی فهم

لا یبصرون وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن

ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و بحق

اسم الاعظم الاکبر و بکلمات الله التامات و بحق

توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و بحق فرقان

محمد ص ببندم زبان و کام دشمنان و ظالمان و حسودان و غمازان

و بدگویان صاحب این دعا و بحق آدم ع و بحق شیث

و ادریس و نوح و موسی و عیسی و ابراهیم و یوسف و الیسع

و ذی الکفل و بحق بیست و چهار هزار پیغمبر مرسل ببندم زبان

دشمنان صاحب این دعوات بحق لا اله الا الله محمد

رسول الله علیا ولی الله العجل العجل العجل [illegible]

طرفة العین باذن الله تعالی بحق ی ا ل ا ه ی ا

۷ ح د ی ا ع ل ی ببندم زبان جمیع بدگویان و دشمنان

و ظالمان در حق دارنده دعا و بحق صم بکم عمی فهم

لا یتکلمون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی

ابصارهم غشاوة ک ط ۱۱۱۱ ۱۱۲۸۱۱ ۲۸۸

۱۲۱ مدرص ۱۱۰۱۱ ۵ عمر ۲ و ۱۱ ۸ ۱ عمر ۱۱ ۱۲۳۹۹ ۱

فالله خير حافظاً وهو ارحم الراحمين و صلى الله على خير محمد و آله اجمعين يا الله لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعاً متصدعاً من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات وهو العزيز الحكيم بسم الله الرحمن الرحيم قل يا ايها الكافرون تا آخر قل هو الله تا آخر قل اعوذ برب الفلق قل اعوذ برب الناس تا آخر انهم يكيدون كيداً واكيد كيداً فمهل الكافرين امهلهم رويداً وان يكاد الذين كفروا تا آخر الله لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر اصحاب النار هم فيها خالدون ... در ... خانه ... نادیا ...

۳ ۹ ۸ ۱۱ ۱ ۱ ۱ و ۱۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۸ ۸ ۹ ۹

نوشته در حریر کرده با لاغ کوزانند زبانش بسته گردد

دو دسطلاه است حح حاد دساون سعص

صطفصع عصق لهس ملا مجوصم بکم عمی

فهم لا یعقلون بنم زبان جمیع خصمان و بدگویان

دوشمنان و روز دیگر در حق در زنده این دعا

مجوصم بکم عمی فهم لا ینطقون ختم الله علی

قلوبهم یا ارحم الراحمین

دوداتش بانک خروس وقت

دوشنبه اگر روز شنبه بانک کند مرد مکانه دران

خانه کی را دوست دارد یکشنبه ... صاحب خانه

نزدیک ...

نزدیک باشند دوشنبه چیزی نو شادی رسد سه شنبه خدای تعالی
صاحب خانه را فرزندی دهد چهارشنبه و شب چهارشنبه جدایی در میان
زن و شوهر افتد پنجشنبه رحمت نزدیک باشد روز جمعه و شب
جمعه در رزق بر اهل خانه گشاده شود در وصف روزهای نحس از
حضرت رسول صلعم منقول است محرم یازدهم چهاردهم بیست و دوم
صفر یکم پنجم دهم ربیع الاول دهم چهارم بیستم ربیع الآخر
پانزدهم دهم بیستم جمادی الاول دهم یازدهم جمادی الثانی
دوم چهارم چهاردهم رجب ۱۲ یازدهم شعبان سیم چهارم چهاردهم
رمضان سیم نهم بیستم شوال ششم بیستم هشتم ذی القعده
دوم پنجم بیست ششم ذی الحجه ششم هشتم هشتم بیستم و اگر در
ترازو شنبه جوزه گرد یکشنبه عمر نور رسد دوشنبه تو اگر که
سه شنبه در درد سر شود چهارشنبه عزو ناست باید پنجشنبه نگوسد
جمعه از دو نماء ایمن باشد باید دو احکام آواز گوش گوش
درست روز شنبه پیش از نماز زنهار یا ملک صبحانه

یکشنبه پیش از نماز صفوت [؟] بعد از نماز ضرر خویش دوشنبه

پیش از نماز زیادتی [illegible] بعد از نماز نزاع و دشمنی روز سه شنبه

پیش از نماز زیادتی مال بود بعد از نماز تفرقت روز چهارشنبه

پیش از نماز ضرر دروغ بعد از نماز زیادتی [illegible] پنجشنبه پیش از نماز

نماز زیادتی اولاد بعد از نماز در مشکلی قائم الله [؟] دیده شود جمعه پیش از

نماز نعمت فراوان از برای اهل بیت پدید آید بعد از نماز [illegible]

باشد کوشش حیف شنبه پیش از نماز ضرر خویش [illegible] بعد از نماز [illegible]

یکشنبه پیش از نماز ایمنی بعد از نماز شادی دوشنبه پیش از نماز

ضرر خویش بعد از نماز زیادتی مال سه شنبه پیش از نماز ضرر جنگ بود

بعد از نماز خویش و قتی [؟] چهارشنبه پیش از نماز ایمنی [illegible] بعد از

نماز زیادتی [illegible] پنجشنبه پیش از نماز ضرر غایب بعد از نماز شادی جمعه

پیش از نماز رحمت و نعمت بعد از نماز محنت باشد در حصر [؟] امیر[2]

نقل است که در هفته چه روزی از برای چه کار نیک است

طلب حاجت به روز پنجشنبه که در وی مستجاب آید دعاها

به روز جمعه تزویج و عمارت / مناسب باشدش ذوق و بشارت

نکو بود رفتن مبارک روز شنبه / ز بهر صید اندر کوه و صحرا

به یکشنبه بنا کن زانکه در وی / بنا کرد آسمان‌ها حق تعالی

به دوشنبه سفر کردن نکو هست / رسد فیروزی و مال و فرح‌ها

اگر خواهی حجامت در سه‌شنبه / که با عافیتش باشد کار زیبا

اگر دارو خوری در چهارشنبه / به نیکو درد و بیماری مداوا

به پنجشنبه سفر کردن

اگه ز سفر آیی روز شنبه / روز یکشنبه بهست و آدینه

بود مشرق دوشنبه و شنبه / نرو در آن طرف در یمن به

روز سه‌شنبه چهارشنبه مغرب / نرو زنهار سمت شمال

روز پنجشنبه از بهر مطلوب / نرو زنهار سمت جنوب

صفت احوال بیمار

اگر خواهی بدانند که بیمار به شود یا نه اسم بیمار با ابجد کبیر حساب کنند و سبت عدد بران بیفزایند و عدد هفته نیز بران زیاده نمایند مثلاً بیمار روز یکشنبه بیمار شده است یکعدد ویرا که از یکشنبه

و همچنین تا روز جمعه که شش باشد سی طرح نماید انچه باقی
ماند در این جدول نگاه کند

لوح ممات				لوح حیات		
۶	۵	۴		۳	۲	۱
۱۰	۹	۸		۱۳	۱۱	۷
۱۸	۱۶	۱۲		۱۷	۱۵	۱۴
۲۷	۲۴	۲۱		۲۲	۲۰	۱۹
۳۰	۲۹	۲۵		۲۳	۲۶	۲۸

نوعی دیگر اگر خواهی بدانی که بیمار به شود یا نه نام او را بحساب ابجد بشمار
با انچه از ایام هفته که گذشته و ایام بیمار را اندر وی
خواهید برا او وافزاید و سی سی طرح کند در جدول معلوم شود احوال بیمار
نیز بدین طریق حساب کن از روز یکشنبه هشت و روز ایام هفته حساب

۸	۶	۴	۹	۵	۷	۲	۱
۱۸	۱۲	۱۰	۲۴	۱۵	۱۴	۱۷	۱۱
۲۶	۲۵	۳۰			۲۸	۲۱	۱۹
همیشگان ... هست		۳	اگر بمیرد ... باشد	۲۹	بیمار دیر به شود ... بماند		

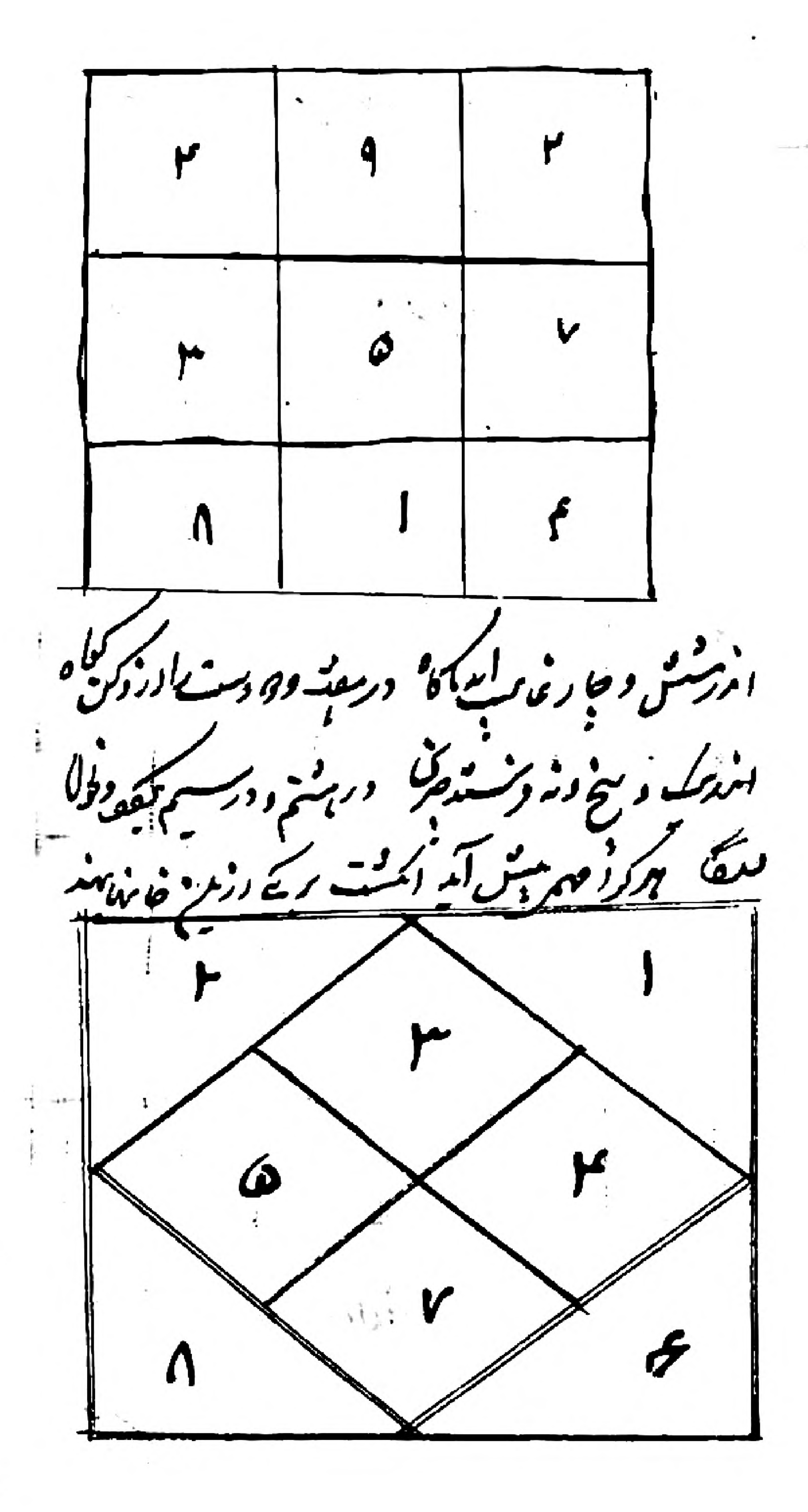
ایضاً در معرفت احوال مریض و غایب

[illegible]

نام بیمار یا غایب را به ابجد کبیر معلوم کنند و ایامی که از ماه عربی گذشته باشد بدو افزایند و سی سی طرح نمایند و باقی را در جدول طلب نمایند اگر سرخ باشد بیمار بمیرد و غایب بسیار بماند و اگر سیاه باشد بیمار صحت یابد و غایب مراجعت نماید

۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵

ایضاً در یافتن احوال غایب سه بار صلوات فرستند و در میان مثلث انگشت نهند احوال او را زبانی معلوم شود



۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

از شش و چار نخست آید گاه در هفت و دو دست از او کن گاه
اندر یک و پنج و نه و شش تو صرف کن در هشتم و در سیم تکیه و طول
ملنگ هرکرا مهمی پیش آید انگشت رکه ازین خانه نهند

حکم او ازین ابیات معلوم خواهد شد نظم

یکی خوب دویم بد باشد سه لذت محنت برآید کار ۵ چهار رنج سعد نحس

شش نکوهش پس دشوار بود سعادت یابد لذت هفتم فراد

دل شود حاصل ۵ نهم هم برآید کار بعد از مدت بسیار

در احکام بیمار در ایام ماه

۱ ماه نو بهتر برخیزد ۲ برخیزد و راحت یابد ۳ بیماری او

سخت باشد و کشنده ۴ صحت یابد بعنایت الله ۵

بغایت بد باشد صدقه بدهد ۶ زود صحت یابد بعون الحق

۷ بعد از هفت روز به شود حزم کند ۸ بعد از دو روز

برخیزد ۹ زود صحت یابد ۱۰ بعد از ده روز برخیزد ۱۱ زود صحت یابد

۱۲ سخت باشد و کشنده تصدق و صبر و نیت ۱۳ زود راحت

یابد ۱۴ بعد از بیست روز برخیزد ۱۵ اکثر باشد و کشنده

بخواست و خوف بود توبه کند تصدق دهد و وصیت کند

۱۶ بعد از ده روز بیمار شود و امید نجات دارد

۱۷ بد است ده روز به شود و از بیم نجات دارد ۱۸ از خود خیزد
و راحت یابد ۱۹ شفا یابد ۲۰ رنج برخیزد ۲۱ بد بود بیم
هلاکت دارد ۲۲ رنج به شود و خوشی کند ۲۳ بد است سیزده
روز به شود ۲۴ بیم باشد بد بود تصدق کند ۲۵ الباری بد بود
۲۶ بر فوری برخیزد و راحت یابد ۲۷ برخیزد و راحت بیند
۲۸ بد است سه روز به شود ۲۹ رنج است یابد ۳۰ زود برخیزد
در احوال بیماری باب ایام هفته نام بیمار و نام روز
یا به ابجد کبیر حساب کن و سه سه طرح کن و به بین
که چه روز بیمار شده است اگر روز یکشنبه بیمار شده و
اگر یکی ماند به شود و اگر دو ماند بیماریش بطول کشد و اگر سه ماند
میرد و اگر روز دوشنبه بیمار شده است اگر ۱ ماند به شود
و اگر سه ماند بیماریش بطول کشد و اگر ۲ ماند بمیرد و اگر
روز سه شنبه بیمار شده است اگر سه ماند به شود اگر دو ماند
میرد و اگر یک ماند به شود بیماریش دراز کشد اگر روز چهارشنبه

بیمار شده بسیست اگر یک باشد به شود اگر دو باشد بیمار شده

در رنج کشد اگر سه باشد بمیرد اگر روز پنجشنبه بیمار شده است

اگر سه باشد بیمار بیش بطول کشد اگر دو باشد به شود و اگر یک باشد

بمیرد و اگر روز جمعه بیمار شده اگر سه باشد به شود و اگر دو باشد

بمیرد و اگر یک باشد بیمار بیش بطول کشد و اگر روز شنبه بیمار

شده اگر سه باشد بمیرد و اگر دو باشد بیماریش بطول کشد و اگر یکی

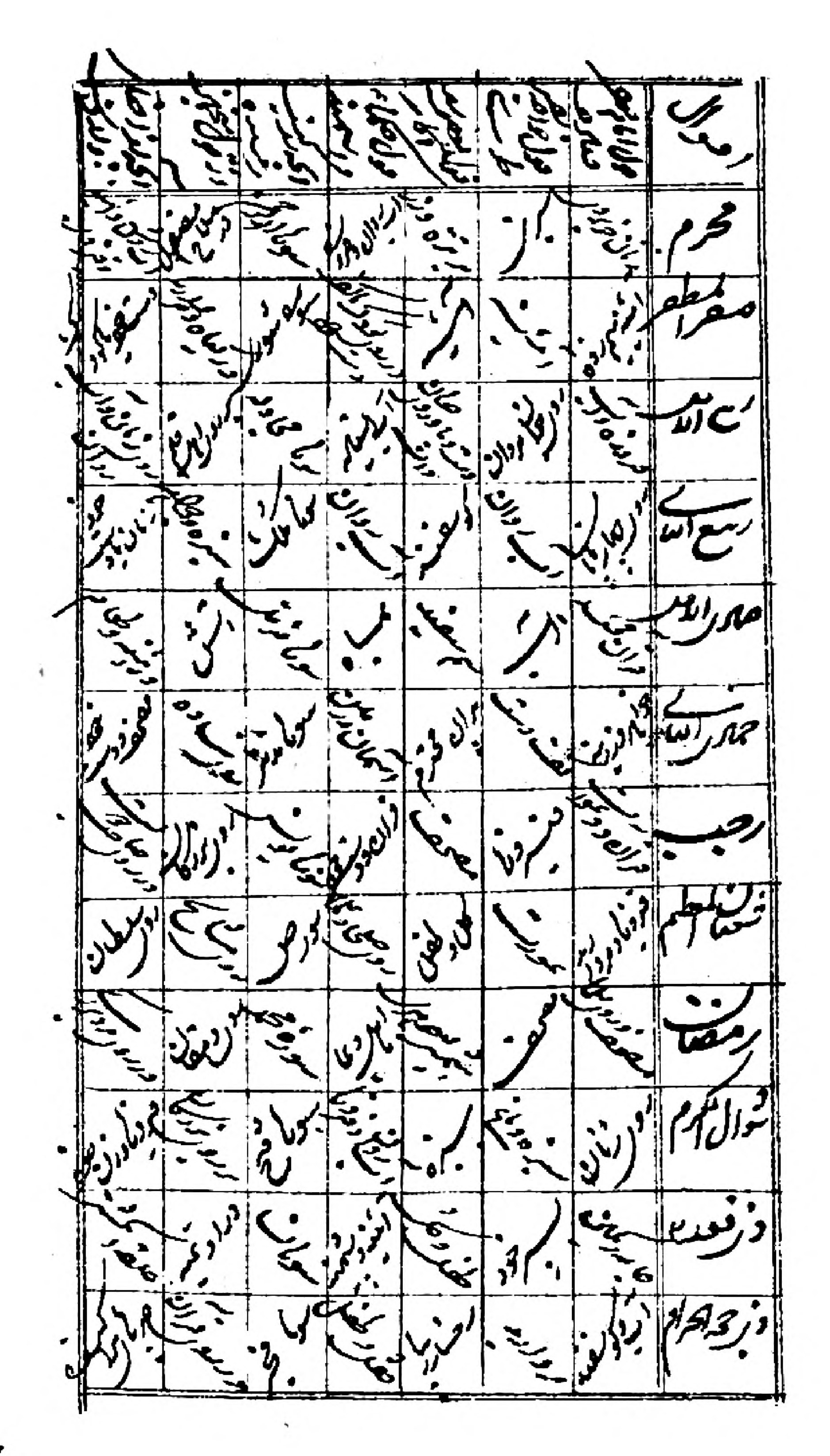
باشد به شود والله اعلم اگر خواهی از احوال غایب معلوم

و حزنا با پنج انگشت در یکی از زمین خانها کرده و علم او در زیر باشد معلوم شود

اگر در شش چهار غایب آید یا گاه در هشت و ده بیست از ده گمان

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

[illegible]



اصول
محرم
صفر المظفر
ربیع الاول
ربیع الثانی
جمادی الاول
جمادی الثانی
رجب
شعبان المعظم
رمضان
شوال المکرم
ذی قعده
ذی حجه الحرام

دراحکام قمر در عقرب حمل ۱ ۱۷

نصف روز ۱۸ ثور ۱۳ ۱ ۱۵ جوزا ۱۲ ۱۵

۱۳ سرطان ۷ ۱۹ ۱ اسد ۷ نصف روز ۱

سنبله ۴ ۵ نصف روز تمام میزان ۲ ۲۷

۲۹ قمر در عقرب ۲ ۲۸ قوس ۲ ۲۷

نصف روز تمام جدی ۲۴ ۲ ۲ دلو ۲

۲۲ نصف روز ۲۳ حوت نصف روز ۲ ۱ ۲۲

حساب نقطه شمار

از حضرت امیر صلوات الله روایت است که هر کرا مهمی پیش آید و خواهد که عاقبت نیک و بد را بداند باید رو بقبله و استغفار و نیت کند و سه سطر نقطه بکشد و نشمارد باین طریق که سطر اول لنگ دوم و سیم از شمر بیشتر باشد باین طریق

....

....

....

اگر یک بماند تعلق بزهره دارد امر مکوطلب و بمراد برسد

و اگر دو بماند تعلق بمریخ دارد و مطلب ازان منتفی گردد

و اگر سه بماند تعلق بشمس دارد قطع نظر کند و مطلق

متوجه نشود و اگر چهار بماند تعلق بزحل دارد مراد یابد

و اگر پنج ماند تعلق بمشتری دارد آن کار ساخته شود و اگر شش ماند

بقمر تعلق دارد در پنهان رو ساخته شود و اگر هفت ماند

بعطارد تعلق دارد مرادش سهل و جهی براید و اگر هشت

بماند بذنب تعلق دارد و دران مهم رنج یابد و بمراد برسد

دلالة بعض فال مهمات

چون کسی را کاری و مهمی باشد و متردد باشد این شکل را در پیش

خود نهد و چشم بر هم نهد و بآن قصد انگشت بر یکی ازین

خانها نهد اگر انگشت بر خانه سرخ آید دران

کار شروع کند و اگر بخانه سیاهی آید ترک آن کار

کند که بسیار بدست برآورده و از مقصود

سیاه ۱	سرخ ۳۲	سرخ ۳۴	سیاه ۳	سیاه ۳۵	سرخ ۶
سرخ ۳۵	سرخ ۸	سیاه ۳۷	سرخ ۲۸	سیاه ۱۱	سیاه ۷
سرخ ۲۵	سرخ ۲۴	سیاه ۱۵	سرخ ۱۶	سیاه ۱۳	سیاه ۲۳
سیاه ۱۹	سیاه ۱۷	سیاه ۲۱	سرخ ۲۲	سرخ ۱۸	سرخ ۱۴
سرخ ۱۵	سرخ ۲۶	سرخ ۱۲	سیاه ۹	سیاه ۲۹	سیاه ۲۰
سیاه ۳۱	سرخ ۴	سرخ ۲	سیاه ۲۳	سیاه ۵	سرخ ۳۲

صفت طهارت و ادای [illegible]

نزد در باب حرمت و حکمت   سفت چو سنت ما به کیفیت

هر که بگزمت هرایش ما را   بس برانداز حنت خا تما خدا را

صفت [illegible]

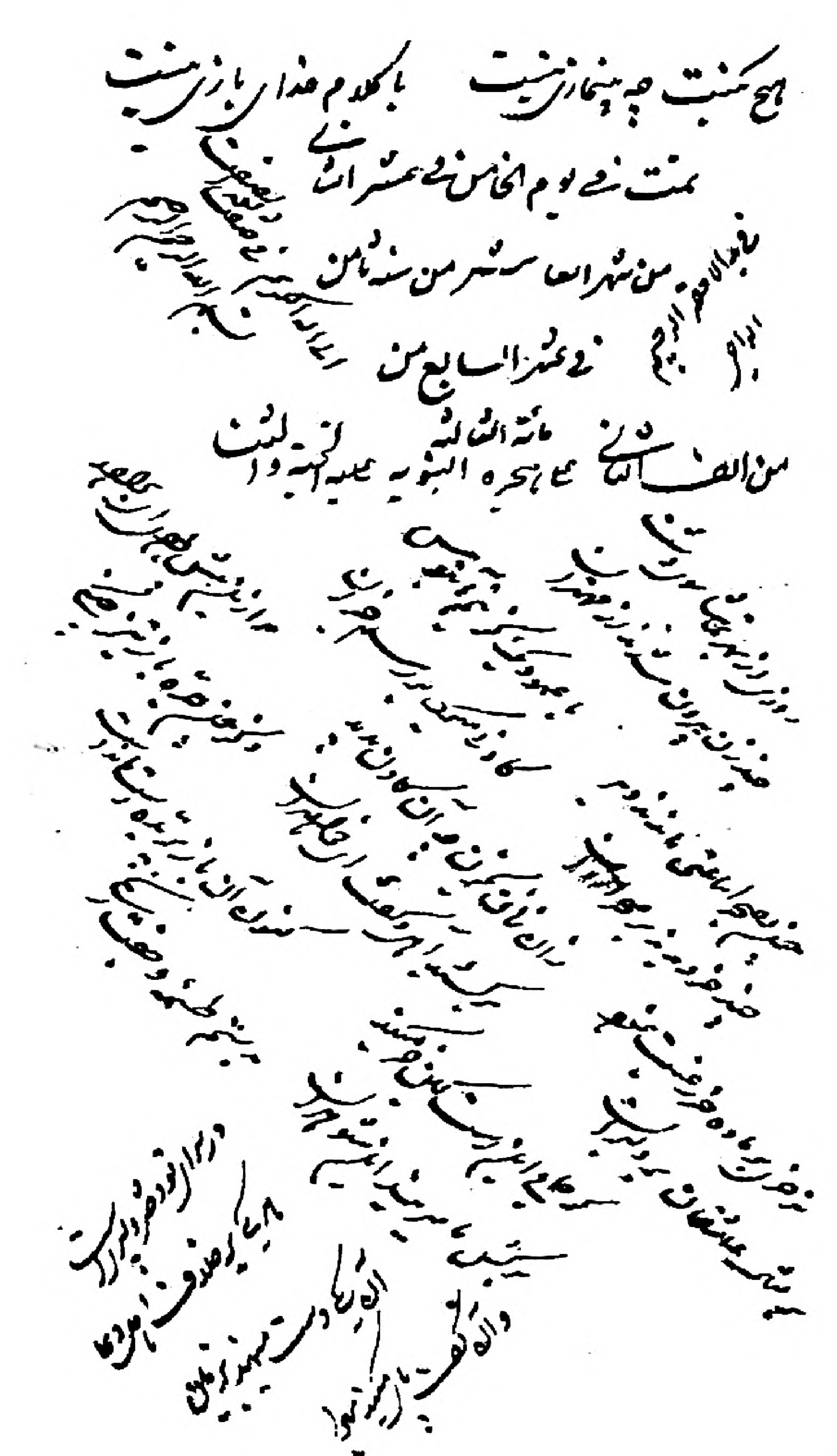
او لادر و بی نماز ملین   دیم از راه کور در نشین

در جنابت مکن تو مردانو   دست واپس مگیر در اه مرو

تاج در زیر پای خویش منه   کفش در زیر سر تو جا مده

ربو کلاه

بر رخ آئینه تو بار مدم | که نقش مهر تو بد بها کم
آسیا بر بند و بسیار | منشین و بپوش شلوارت
سر بهر آستان تو خواب مکن | آخ نقطه را برو آب مکن
شب در آئینه روی خویش مبین | بسر بار بی سبب منشین
مگذر هیچکه میان دو زن | شانه زن بر بیش خویش مزن
پای بر ریزه قلم منهی | خاک در رو به کجا نه جا بنهی
نکنی کار با لب عبث بد | مکن بر رخ گدا چین دو
صورت خود بمردمان منما | اهر عیبت بده بکانه تو جا
شب جمعه پیاز خام مخور | روز بد رخت نو مپوش و مبر
بد مکن چونکه نیک نتوانی | نیک و بد را تو عاقبت دانی
تو مکن عیبت و دروغ مگو | مهر خود را ز بغض کینه تو شوی
بر سر بار ایستاده مشاش | سر خود را سه شنبه تو متراش
چهارشنبه مگیر تو ناخن | روز آدینه نیز نوره مکن
مرو تو از بهشت ریا مگریز | دولت ارباب دیده سحر خیز



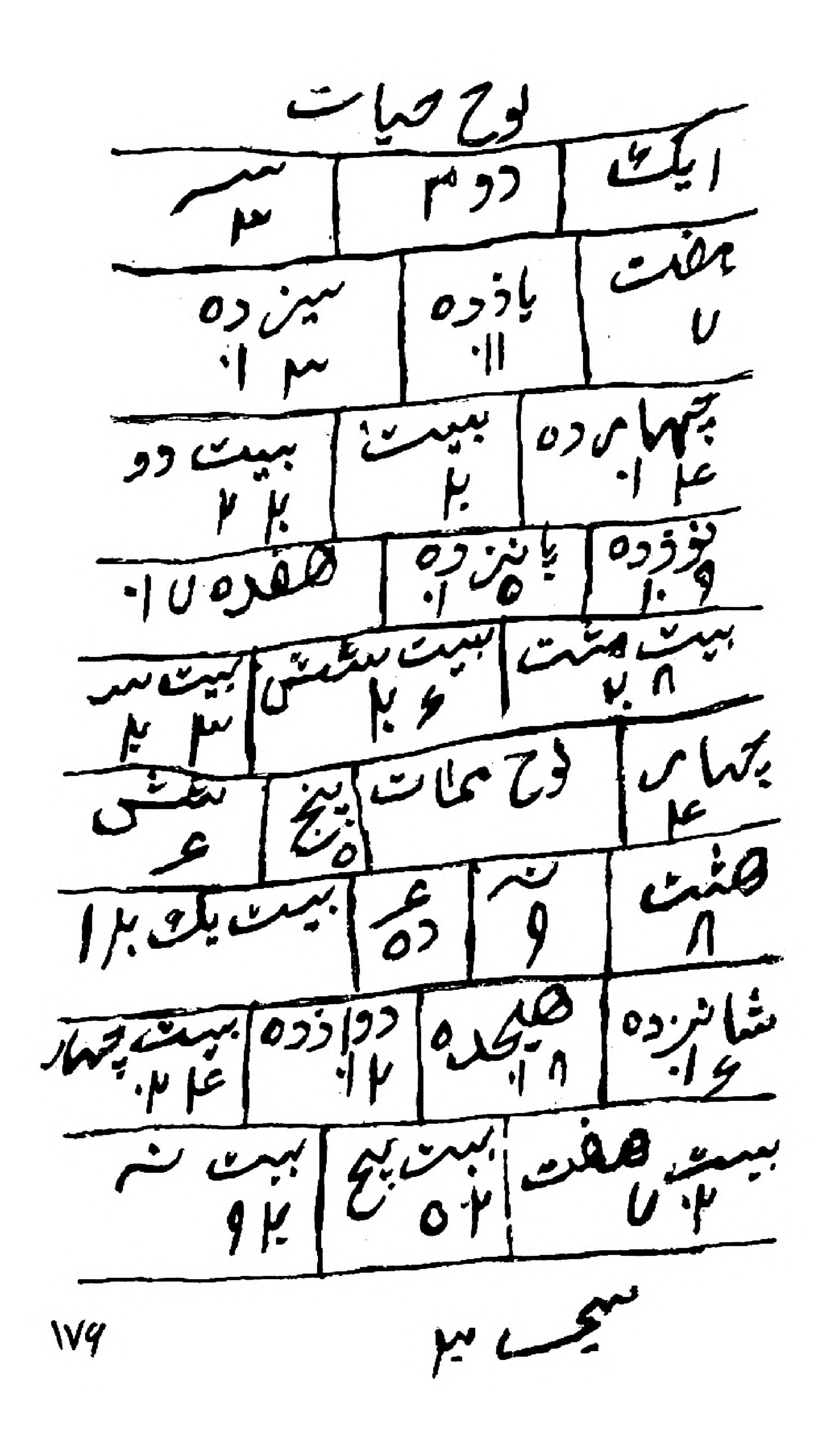
هیچ کسنت چه پنهان ز نیست / با کلام خدای بازی نیست

تمت فی یوم الخمیس فی عشر الثانی

من شهر ... من سنه ثامن

فی عشر السابع من

من الالف الثانی من الهجره النبویه علیه التحیة والثناء



لوح حیات

ایک ۱	دو ۲	سه ۳	
هفت ۷	یازده ۱۱	سیزده ۱۳	
چهارده ۱۴	بیست ۲۰	بیست دو ۲۲	
نوزده ۱۹	پانزده ۱۵	هفده ۱۷	
بیست هشت ۲۸	بیست شش ۲۶	بیست سه ۲۳	
چهار ۴	لوح ممات	پنج ۵	شش ۶
هشت ۸	نه ۹	ده ۱۰	بیست یک ۲۱
شانزده ۱۶	هیجده ۱۸	دوازده ۱۲	بیست چهار ۲۴
بیست هفت ۲۷	بیست پنج ۲۵	بیست نه ۲۹	

سیحی ۱۲

شرح دعای ام الصبیان

که روزی حضرت شاه رسول در مسجد نشسته بود که ناگاه
شخصی مهیبی بلند در درآمد و سلام کرد حضرت
جواب باز حضرت پرسید که تو کیستی گفت من فرشته‌ام
پس حضرت رسول فرمود که تو دروغ میگوئی دیوی
یا پری در این سخن بودند که جبرئیل بیامد و سلام
کرد گفت یا رسول الله درود و سلام حق تعالی
بر شما باد بعد از درود و سلام میفرماید که این
شخص عجیب است از او سؤال کن که قدرت
حق تعالی بسیار است پس حضرت رسول فرمود که نام تو چیست
گفت من ام الصبیان و مقام من نزدیک کود
کان و زنانست که زاینده باشد و کودکان را
مفلوج میکنم و زنان آنها را می آزارم و چنته
کنم و دیوانگی و صرع و دردسر و درد شقیقه

و مرضهای عجیب و غریب بایشان دهم و هیچکس دوای
آن را نداند و علتها برانگیزانم و هرگونه اعضای ایشان را
بزرگ کنم چنانکه گویند این چه روایت و کسی نداند که این
چیست و دیگر زنان را بگیرم و دل ایشان را ببرم همچنانکه
ایشان هلاک شوند و دیگر فضلا و علما را وسوسه کنم تا چند
وضو و غسل کنند درست نبوده باشد و دیگر در چشم
ایشان شب بر سر و روی قفل آن زنم تا بجا ایشان را
بخفتند و گویند بچه ما ساقط شد انفعال می باشد و دیگر بر سر
راهها و گذرها کار عظیم مسکن میکنم و دیگر و خبرها از راه
میبرم و در دریا ایشان را غرق کنم و دیگر در بیابانها و دره‌ها
و کوهها مقام میکنم و مردم را غلط اندازم و بی خانمان
سازم و این کارها تمام در دست من باشد و بسیار
کس را از راه ببرم و از نماز دور کنم و بعضی اندازم
حضرت رسول فرمود که یا علی این ملعون بقتل برسان جبرئیل

عرض کرد

جبرئیل عرض کرد که یا رسول الله حقتعالی سلام میرساند
که ما او را بجهت کارزار فرید ایم کشتن او روا نیست
ازو سؤال کن که دفع او بچه توان کرد پس حضرت رسول
او را نزدیک خود طلبید و فرمود که بان خدایی که مرا برا
ستی بخلق فرستاده است خبر ده که اگر امت من
تو گرفتار شوند دفع او بچه توان کرد ام الصبیان
گفت بحق ان خداوندی که مرا براستی بخلق فرستاده
است که هر کس این هیکل را با خلاص در امت با
نگاه دارد اگر نتوانند خواند از شر من ایمن گردد و
دارنده این شکل از شر دیو و پری و از شر جن و انسی
و هفتاد و دو ملت ایمن باشد و بهیچ بلایی گرفتار نشود
و دارنده این دعا در آب غرق نشود و در آتش
نسوزد و بر جمیع دشمنان مظفر و منصور گردد پس حضرت
رسول اشاره با میرالمؤمنین کرد که هرچه او میگفت

رقم میکرد و این دعا میان امت منتشر شد

رقم میکرد و این دعا میان امت منتشر شد هذا الدعاء تام التجربه

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله و بالله و الی الله و هذا کتاب من الله العلی العظیم و من نقش خاتم السلیمان ابن داود و علیهما السلام و هو ملک الجن و الانس و الشیاطین و کل بناء و غواص و الی جمیع ما فی الارض بامر الله تعالی و عزوجل و باذنه کان یکون لصاحب هذا الکتاب و من ان لا ادل و التوابع و العفاریت و الغیلان و الغدلان و ام الصبیان و من الدهش و الاوس و الاهوس و جمیع الارواح الخبیثه الخبیثه عزمت علیکم یا معاشر الجن

والارواح

وَالازدوج انتم إن كنتم من ازداج اليهو
دِيَّةِ فانِّي عزمت عليكم بربكم ونبيكم موسى
عليه السلام وكتابكم التوراة فتبارك
الله احسن الخالقين وانتم إن كنتم
من ازدوج النصرانية فانّي عزمت
عليكم وبربكم ونبيكم عيسى عليه السلام
وكتابكم الانجيل فتبارك الله ذو
احفظ الحافظين وانتم إن كنتم من
ازداج المجوسية فانّي عزمت عليكم
بربكم ونبيكم داود عليه السلام وكتابكم الزبور
فتبارك الله رب العالمين وانتم
إن كنتم من ازدوج المسلمين والمنافقين
فانّي عزمت عليكم بربكم هو الله
واحد القهار ونبيكم ورسولكم

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمْ وَلِتَابِكُمُ الْقُرْآنَ الْعَظِيمِ وَبِعَظَمَتِهِ
وَقُرْآنِهِ وَمِنْ أَعْظَمِ الْقُرْآنِ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا
وَاحِدًا أَحَدًا وَمَلِكًا قَادِرًا قَاهِرًا وَ
مَلِيكًا عَزِيزًا بَصِيرًا مُتَجَبِّرًا لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ا
لظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ
وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللهُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْكَبِيرُ
الْعَلِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ الْأَ
حَدُ الصَّمَدُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الْقَادِرُ ا
لْمُقْتَدِرُ الْفَرْدُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي
السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي
يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ
كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ
وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ هُوَ الْجَبَّارُ الْقَدِيمُ وَالسَّتَّارُ
الْعَلِيمُ وَالْقَهَّارُ الْقَوِيُّ الْعَظِيمُ
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُو
الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

العزيز الحكيم إن الدين عند الله الاسلام
ختمت بهذا التعويذ بسم الله
العلي العظيم العالي المتعال تعالى
الله عما يصفون وباسم محمد صلى الله عليه
وآله وسلم تسليما كثيرا كثيرا ذكرا وباسم
من خلق عليه هذا صغيرا وكبيرا ذكرا
وانثى حرا وعبدا وبحق الله تعالى
وبحق خاتم سليمان ابن داود عليه السلام
وبحق خاتم آصف ابن برخيا وبخاتم
شعيب النبي وبخاتم يحيى وبخاتم يعقوب
وزكريا إنا نبشرك بغلام اسمه
يحيى لم نجعل له من قبل سميا وبخاتم
موسى ابن عمران وبخاتم عيسى ابن مريم
وبخاتم محمد وبحق مائة واربع عشرة

سورة وآية

سورة و آية وحروفا و كلمة و امرا و
نهيا و ناسخا و هو منسوخا من القرآن
يا ذا الجلال و الاكرام و الجمال و ا
لبهاء احفظ عبدك و ابن عبدك
من هذه الآفة الصعب و من كل شيء
و من شره و من كل آفات الدونيا
و الآخرة و من جبلها و سهلها
و خرابها و عمرانها يا غياث المستغيثين
يا جار المستجيرين يا ديان يوم الدين
يا ديان يوم الدين و يا شريعة الملة
لسليمن و بحق انه من سليمان و انه
بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علي
و آتوني مسلمين يا لا اله الا ا
نت سبحانك اني كنت من الظالمين

يا لا إله إلا أنت الكريم الديان ليوم
الدين يا إله الأولين والآخرين بحق
السبع سبع السموات والأرضين و
إله العالمين بحق كهيعص
حمعسق وطه ويس وق ون بحق
الواحد الأحد الصمد الذ
ي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفواً أحد بسم الذي لا إله
إلا هو الحي القيوم العلي العظيم و
الحمد لله رب العالمين كأنهم يوم
يرونها لم يلبثوا إلا عشية أو ضحيها
كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم
يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل
يهلك إلا القوم الفاسقون يا
مخلص عيسى ابن مريم خلصني من علق

عليه هذا ١٨٦

عليه بهذا الكتاب بسم الله وبالله
ومن الله ففتحنا ابواب السماء بماء
منهمر وفجرنا الارض عيونا فا ا
لتقى الماء على امر قد قدر و
يوم تشقق السماء بالغمام ونزل
الملائكة تنزيلا الملك يومئذ ا
لحق للرحمن انا صببنا الماء صبا ثم
شققنا الارض شقا فانبتنا فيها
حبا وعنبا وقضبا وزيتونا ونخلا و
حدائق غلبا وفاكهة وابا متا
عا لكم ولانعامكم فاذا جاءت
الصاخة بسم الله الرحمن الرحيم
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك
ما تقدم من ذنبك وما تاخر

ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما
وينصرك الله نصرا عزيزا اولم
ير الذين كفروا ان السموات والا
رض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا
من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
بسم الله الرحمن الرحيم اذا السما
ء انشقت واذنت لربها وحقت
واذا الارض مدت والقت ما
فيها وتخلت وبالحق انزلناه
وبالحق نزل ان ولیی الله الذي
نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين
فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم وبه بسم الله الرحمن الرحيم

الذي لا اله الا هو رب ابراهیم
واسحق ویعقوب والاسباط و
رب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل
وعزرائیل اعیذ من علق علیه
کتابی هذا باسماء الله الاکبر و
بکلمات الله التامات التی لا
یجاوزهن بر ولا فاجر وبا
سماء الله الحسنی وبعزت ملکو
ت الله وجبروته وعظمته وعزته
من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی کل شیء قدیر ومن
شر التامات والطامات والناطق
والظاهر والباطن والشاهد والغا
یب والغایر والثایر والرایح ومن شر

من شر ما خلق و ذرا و برا

كُلِّ دَابَّةٍ فِي الشَّجَرِ وَالثَّمَرِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ
اَعْجَمِيٍّ اَوْ عَرَبِيٍّ اَوْ فَصِيحٍ اَوْ قَائِمًا اَوْ قَاعِدًا
اَوْ نَائِمًا اَوْ يَقْظَانًا صَاحِبَ الصِّحَابِ
اَوْ سَاكِنَ الظُّلُمَاتِ بَلَغَ مَا بَلَغَ الْمُبَلِّغُ
خَطَايَا وَيَعْمَلُ بِهَا وَنَقَلَهَا اُعِيذُ بِذَلِكَ
مَنْ عُلِّقَ عَلَيْهِ كِتَابِي هَذَا هُوَ فِي حِرْزِ اللّٰهِ
حَيْثُ كَانَ وَحَيْثُ مَا كَانَ اَوْ كَائِنًا
مَا كَانَ وَاللّٰهُ يَعْزُهُ وَاللّٰهُ وَلِيُّهُ
وَحَافِظُهُ وَحَارِسُهُ وَعَافِيهِ مِمَّا بِهِ مِنْ
عَيْبٍ اَوْ نَقْصٍ وَاَمْرٍ اَوْ بِمَا شَاءَ اللّٰهُ
لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِاِذْنِ اللّٰهِ
فَحَصَّنْتُ بِاللّٰهِ حَصَّنْتُ وَاُعِيذُ بِاللّٰهِ
الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَاَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا
وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ
حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ وَاَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
وَمِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي
يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَبْدِكَ وَرَسُو
لِكَ يَا مُحَمَّدُ مِنْ عِنْدِكَ وَمَدَدِي
وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ يَا دَائِمَ الْاَبَدِ الْمُحْيِي
ابلا عدد من فيه يلد الَّذِي لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ يَا
اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ

یا رحمن یا رحیم یا رحیم
یا مالک یوم الدین یا قدوس
یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز
یا جبار یا متکبر بحفظک یا ارحم
الراحمین اللهم احفظ حامل هذا
الهیکل من جمیع البلاء والمرض والعلل
والجنون والوسوسة ومن شر الجن
والانس ومن شر آفات الدنیا
والآخرة بحق آیاتک العظیم وبحق
لا اله الا الله وحده لا شریک
له الها واحدا احدا صمدا فردا وترا حیا
قیوما دائما ابدا بیدک الخیر و
هو علی کل شیء قدیر وبحق
اسمائک العظام ان تصلی علی محمد و آل
محمد وان تکشف و تعافی صاحب هذا الدعاء
بحق محمد و آله اجمعین تمام شد

شرح دعای یس مغربی

بسم الله الرحمن الرحیم

روایت میکنداند بحق امام جعفر الصادق
از رسول خدا که هرکه سورهٔ یس مغربی را بابی
طریق بخواند جمیع مرادات دینوی و اخروی او حاصل
شود بتوفیق الله تعالی و اگر کسی هفت نوبت این
سوره را بخواند و بر سنگ آسیا دمد بفرمان الله تعالی
سنگ آسیا بایستد و اگر کسی این سوره را بر آب روان
بخواند و بران آب وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی یکبار این سوره را بخواند اگر همهٔ عالم
را آب بگیرد آن شخص در روی آب باشد
امر بود برسد بفرمان الله تعالی و اگر این
سوره را هفت بار بخواند و بعد از ان بگوید
که قدامه کسی را با فلانه سلطان را نزد

من بیاید در حال حاضر کردانند بفضل رب خدا تعالی
واگر این سوره را هفت بار بخواند و بر کاغذ پاکیزه که با
طهارت باز بنویسد و روی بقبله کند و هفت بار
دیگر پیوسته بخواند با عتقاد درست آنگاه کاغذ را
بگردن بندد عجایبها بیند که بوصف در راست نیاید
واگر کسی این سوره را بنویسد و در بازوی راست
بندد دوست و دشمن جمله خلایق مسخر او گردند
واگر کسی خواهد که بخت دولت بروی کشاده گردد
دو رکعت نماز بخواند و هر رکعتی یکبار این سوره را
بخواند وان نماز را روز سه شنبه یا پنجشنبه یا جمعه
بگذارد که بخت دولت بر وی کشاده گردد
انشاءالله واین مجربست و اگر از جهة غایب
این سوره را بخواند هفت یکبار ان غایب بسلامت
در زود باز آید و اگر سوره را بر کاغذ بنویسد

و سوره کهف

و هجوم کرد و در بازو گیرد ببندد و عجایبها بیند و در نزد
خلایق عزیز و گرامی باشد و اگر خواهد زود حرا نکند بکند بشش
اند و نشتی بخواند که اثر عظیم دارد و هر که این سوره را دو
شبانه روزی یکبار بخواند یا هفت بار بخواند چنان باشد که ختم
قرآن کرده باشد و پیوسته در امان حق تعالی بوده باشد
و اگر این سوره را هفت بار بخواند روزی فراخ شود و اگر متاع فرو
ختنی داشته باشد که خریدار نباشد این سوره را چهل بار
بخواند و بران دمد بازار تیز پیدا شود و سود بسیار
ببیند و اگر مردی کیسه بسته باشد که بهیچ وجه کشا
ده نشود باید که هفت روز این سوره را بنویسد
و بخورد کشاده شود و انشاءالله و هر علتی که در
درون وی باشد دفع شود و اگر کسی دست تنگ
و بی چیز باشد بعد از نماز خفتن این سوره را یکبار بخواند و صد
صلوات بر حضرت رسول فرستد حق تعالی روزی بر وی

بر دل فراخ گرداند و غنی گردد که لا یحتاج ابدا و اگر کسی را
مهمی پیش آید که چاره آن نداند این سوره را بزعفران و گلاب
بنویسد و بشوید و بخورد دل قوی گردد و هرچه بشنود یاد گیرد
و فراموش نکند و اگر این سوره را بنویسد و بر درختی که میان باغ باشد
بیاویزد هر که آفت بآن باغ نرسد و در خانه که آن سوره باشد دیو و پری
و جن و انس و گزنده آسیب نرسانند بر اهل خانه و مال ایشان بفرمان
الله تعالی و اگر کسی را فرزند نباشد نشود یا نشود و نماند این سوره را
بزعفران و گلاب بنویسد و در موم گیرد و در آب اندازد و زن از آن
آب بخورد و شوهر نیز بخورد آنگاه در بازوی راست بندد و با شوهر صحبت کند
فرزند بوجود آید بفرمان الله تعالی و اگر کسی را مهمی پیش آید باعتقاد درست
بخواند و شک نیاورد در ساعت مشتری را ختیار کند الله مرادش حاصل
شود و مقصودی که در دل دارد برآید و گره از کار بسته بگشاید و اگر
کسی خواهد کسی که جمله پری و جن و انس مسخر او گردد هر صباح سه
مرتبه بخواند مراد حاصل گردد و اگر کسی را مار و عقرب گزیده باشد
هفت بار این سوره

هفت باران سوره را بخواند و در آب زند و آب ایرا بخورد
شفا یابد و اگر کسی نتواند بخواند بنویسد بر پوست آهو با خود
دارد و هیچ ضرر کننده بر وی نرسد و اگر خواهد که زبان بد گویان
بسته شود خاک از دو گور کهنه بر دارد و یکبار این سوره بخواند
و آن خاکرا کل کند و بدیوار آنکس زند یا بپاشد زبان آنکس
بسته شود و بد نتواند گفت و اگر کسی چیزی یا متاعی
داشته باشد که خریدار نباشد و کاسد باشد هفت بار
این سوره را بخواند و در آن دمد بازار یابد رواج گردد و همه
فروخته شود بفرمان خدای تعالی و خواص این سوره
بسیار است از هزار یک تعلیم نمائیم و مختصر کردیم
تا خواننده یا نویسنده را آسان و مزاید والله اعلم
بالصواب و علیه توکلت والله بمتاب
هذا دعای یس مغربی
بسم الله الرحمن الرحیم
یس یس یس یس یس یس یس یس

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ
لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ
غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ
أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ وَسَوَاءٌ
عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ
كَرِيمٍ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ
مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

والشمس وضحىها والقمر اذا تلىها والنها
ر اذا جلىها والليل اذا يغشىها والسماء
وما بنىها والارض وما طحىها ونفس
وما سوىها فالهمها فجورها و
تقوىها قد افلح من زكىها وقد خاب
من دسىها كذبت ثمود بطغوىها اذ
انبعث اشقىها فقال لهم رسول الله
ناقة الله وسقيىها فكذبوه فعقروها
فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسو
ىها ولا يخاف عقبىها واقسمت دكو
قا واقسمت عليكم بالطف من سائل
اللهم سخر لي قلب فلان ابن فلان
على المحبة بحرمة سورة الشمس وبحرمة
اسم العظيم وبحق حرمة نبيك

كَمَجْمَعِ الْمَجْنُونِينَ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ
إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا
بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ
أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ
لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَا
فِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْ
تُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِ
يْنُكُمْ وَلِيَ الدِّينِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا رَحْمَنُ
يَا رَحِيمُ يَا رَءُوفُ يَا عَطُوفُ يَا جَلِيلُ يَا جَبَّا
رُ يَا جَوَادُ يَا جَاعِلُ يَا اللَّهُ أَجِبْ دَعْوَتِي

يَا جَبْرَئِيلُ

يا جبرئيل انت وخدّام ملك من اي جانبة
والعلوية الارضية وانت امره سميعا
بصيري مطيعا بحرمة الرحمن الرحيم
وبحق رعدوف العطوف الملك الموكل
الغالب عليكم امره هوذ وبحق مهطهيل
وقدّمنا الي ما عملوا من عمل فجعلناه هباء
منثورا واقسمت عليكم يا بهطهائيل
اللهم سخر لي قلب جميع المؤمنين والمو
منات وقلب فلان ابن فلان علي محبتي بحق
اسم العظيم وبحرمة حواء وبحرمة سيد
ك نيذغ مخطبوشي انا نحبا بالسمع و
الطاعة ونحن قالوا انا تطيرنا بكم
لئن تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب
اليم قالوا طائركم معكم ائن ذكرتم

بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ اَقْصَى الْمَدِ

نَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُ

وْنَ وَمَا لِيَ لَا اَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَاِ

لَيْهِ تُرْجَعُونَ ءَ اَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

اِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ

شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُوْنَ اِنِّي اِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِيْنٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ وَاِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ

مَالِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ اَجِبْ

يَا شَمْهَايِيلُ اَنْتَ وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ

وَالْعُلْوِيَّةِ الْاَرْضِيَّةِ وَاَنْتَ يَا رَحْمٰنُ يَا مَا

لِكَ يَوْمِ الدِّيْنِ بِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ

اَمْرٌ حَطِّيٌّ وَبِحُرْمَةِ قَهْمَطَرْ طَيْلَ فَاِذَا جَاءَ

وعد ربي حقا واقسمت عليكم كيع فقلنا
يل اللهم سخر لي قلب فلان ابن فلان
على محبتي بحرمة سورة يس وبحرمة الا
سم الاسم عظيم وبحق حرمة سيدك
طلحيوش اني آمنت بربكم فاسمعون
قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون
بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين و
ما انزلنا على قومه من بعده من جند
من السماء وما كنا منزلين ان كانت
الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون
يا حسرة على العباد ما يأتيهم
من رسول الا كانوا به يستهز
ون الم يروا كم اهلكنا قبلهم
من القرون انهم اليهم لا ير

يرجعون وان كل لما جميع لدينا محض
رون واية لهم الارض الميتة احيينا
ها واخرجنا منها حبا فمنه ياكلون
وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب
وفجرنا فيها من العيون ليأكلوا من ثمره [ليأكلوا]
وما عملته ايديهم افلا يشكرون
سبحان الذي خلق الازواج كلها
مما تنبت الارض ومن انفسهم
ومما لا يعلمون واية لهم الليل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون و
الشمس تجري لمستقر لها ذالك
تقدير العزيز العليم والقمر قد
رناه منازل حتى عاد كالعرجون
القديم لا الشمس ينبغي لها

أن تدرك القمر ولا الليل سابق
النهار وكل في فلك يسبحون وآية لهم
انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون و
خلقنا لهم من مثله ما يركبون وان
نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم
ينقذون الا رحمة منا ومتاعا الى
حين واذا قيل لهم اتقوا ما بين ايدي
يكم وما خلفكم لعلكم ترحمون وما
تأتيهم من آية من آيات ربهم الا
كانوا عنها معرضين واذا قيل لهم
انفقوا مما رزقكم الله قال الذين
كفروا للذين آمنوا انطعم من لو يشاء الله
اطعمه ان انتم في ضلال مبين بسم الله
الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله

وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي
دِينِ اللهِ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ
إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا إِيَّاكَ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
يَا سَرِيعُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ أَجِبْ وَأَنْتَ يَا
بُرْهَانُ سَامِعًا بِحُرْمَةِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَبِحُرْمَتِ سَرِيعٍ الْإِلٰهِ
الْقَرِيبُ الْمَعْبُودُ الْمَنَّانُ يَا مِيكَائِيلُ
أَنْتَ وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَالْعُلْوِ
يَّةِ الْأَرْضِيَّةِ وَبِحُرْمَةِ الْمَلِكِ الْغَالِبِ
عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ كَلَمَنْ وَبِحُرْمَةِ فَهْطَصِلْ
قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللهَ
سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ
الْمُفْسِدِينَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مُسْتَمِعُ
بُرْهَائِيلُ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي قَلْبَ فُلَانٍ إِلَىٰ

فُلَانٍ عَلَيَّ

ان فلان علی محبتی بحرمة سورة یس
وبحرمة سیدک تنبع طمحبوش و
یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صا
دقین ما ینظرون الا صیحة واحدة
تأخذهم وهم یخصمون فلا یستطیعو
ن توصیة ولا الا الی اهلهم یر
جعون ونفخ فی الصور فاذا هم
من الاجداث الی ربهم ینسلون
قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا
هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلو
ن ان کانت الا صیحة واحدة فاذا
هم جمیع لدینا محضرون فالیوم لا
تظلم نفس شیئا ولا تجزون ا
لا ما کنتم تعملون ان اصحاب الجنة

الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ
فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ
لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ سَلَامٌ
قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ
عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ
كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ
مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ
سُبْحَانَ الَّذِي يُجْرِي الْمَاءَ فِي الْأَنْهَارِ
وَالْعُيُونِ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ مَنْ إِذَا
أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ
وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

لا اله الا الله الملك الحق المبين
محمد صادق الامين وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین اللهم
الف محبة فلان ابن فلان لا قرار لهم
لهم ولا اکل لهم ولا نوم لهم
لهم ولا حضور لهم ولا
حد لهم الا حباء عندي وبحق
هذه الاسماء العظام وبحق محمد
وآله اجمعین ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم یا الهی ویا
سیدی یا صمدی من عندك مددي
علیك معتمدي ایاك نعبد وایا
ك نستعین یا ناصر یا مبین بحق ایاك
نعبد وایاك نستعین اغثنی علی

كل حال بقوتك وقدرتك يا رحمن
يا رحيم برحمتك يا ارحم الراحمين
وامتازوا اليوم ايها المجرمون الم اعهد
اليكم يا بني آدم ان لا تعبدوا الشيطان
انه لكم عدو مبين بسم الله الرحمن الرحيم
انا انزلناه في ليلة القدر ليلة القدر
خير من الف شهر تنزل الملائكة و
الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام
هي حتى مطلع الفجر اهدنا
الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر يا الله
يا جبار يا خالق يا هادي اجب يا حي قابيل
انت وخدامك من الروحانية الارضية
يا شمهورش يا سامعا مطيعا اهدنا الصراط
المستقيم وبحق هذا القادر المقتدر وبحرمة

كل شيء الله ... بما تعملون

از جناب امير المؤمنين
علي بن ابي طالب
منقولست که موضع
سجود خود را دست مال
نکاه ان دندان کرده
میکند اسم ... بکو
بسم الله والسلام
في الله ولا حول
ولا قوة الا
بالله

الملك الغالب

وبحرمة الملك الغالب عليكم امره
ستعفص وبحرمة قهقطيل انه لكتاب
عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه
ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد واقسمت
عليكم لاكاغ شهايل اللهم سخر لي
قلب فلان ابن فلان على محبتي بحرمة سورة
يس وبحرمة سيدك ولاغ ذوثا دوبين
وان اعبدوني هذا صراط مستقيم ولقد
اضل منكم جبلا كثيرا افلم تكونوا تعقلون
هذه جهنم التي كنتم توعدون اصلوها
اليوم بما كنتم تكفرون اليوم نختم على افوا
ههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم
بما كانوا يكسبون ولو نشاء لطمسنا
على اعينهم فاستبقوا الصراط فانى يبصرون

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا
اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ
نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ
الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
وَقُرْآنٌ مُبِينٌ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ صِرَاطَ الَّذِينَ
أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ يَا حَلِيمُ
يَا عَلِيمُ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا ذُرِّ يَا عَلِيُّ
يَا لَطِيفُ يَا هَادِي أَجِبْ يَا عَنَايِيلُ أَنْتَ
وَخُدَّامُكَ مِنَ الرُّوحَانِيَّةِ وَأَنْتَ أَيُّهَا
سَامِعًا مُطِيعًا وَبِحُرْمَةِ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ وَبِحُرْمَةِ الْعَلِيمِ الْحَكِيمِ وَبِحُرْمَةِ
الْمَلِكِ الْغَالِبِ عَلَيْكُمْ أَمْرَهُ وَرَشَّ

وَبِحُرْمَةِ

وبحرمة مهططيل اليه يصعد الكلم
الطيب والعمل الصالح واقسمت عليكم
بالجمع تصطاييل اللهم سخر لي قلب
فلان ابن فلان علي بمحبتي بحرمة سيل
مكهيونين لينذر من كان حيا ويحق
القول على الكافرين او لم يروا انا
خلقنا لهم مما عملت ايدينا انعاما
فهم لها مالكون وذللناها لهم فمنها
ركوبهم ومنها ياكلون ولهم فيها
منافع ومشارب افلا يشكرون واتخذوا
من دون الله الهة لعلهم ينصرون
لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند
محضرون فلا يحزنك قولهم انا نعلم ما
يسرون وما يعلنون اولم ير الانسان

اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ .
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ
الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَا
سِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
امِينَ يَا قَاهِرُ يَا عَزِيزُ يَا مَالِكُ
يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيْمِنُ يَا طَاهِرُ يَا كَبِيرُ
اَجِبْ يَا كَشْفَائِيلَ اَنْتَ وَخُدَّامُكَ
مَيْمُونَةَ سَامِعِينَ مُطِيعًا بِحُرْمَةِ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ آمِينَ وَبِحُرْمَةِ
اَنْجَلْ ضَظَغْ لَا وَبِحُرْمَةِ طَهْطَهَلْ
الْمُفَجَّلِ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
وَ اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا بَرْجَلْجَائِيلَ اَللّٰهُمَّ

سخر لي قلب فلان ابن فلان على محبته
بحرمة سورة يس وبحرمة اسم
العظيم بحرمة بيدك لكل شيء سلطه و
شيء وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قا
ل من يحيي العظام وهي رميم قل يحييها
الذي انشأها اول مرة وهو بكل
خلق عليم الذي جعل لكم من ا
لشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه تو
قدون اوليس الذي خلق السموا
ت والارض بقادر على ان يخلق
مثلهم بلى وهو الخلاق العليم
انما امره اذا اراد شيئا ان يقول
له كن فيكون فسبحان الذي بيده
ملكوت كل شيء واليه ترجعون اللهم

جهت توبه بنویسد تا سه روز هر روز یکی را بخورد شفا یابد ان شاء الله

بسم الله

بسم الله اد لطل لح

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله اد وطط

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله اد وطططا

بسم الله

بیرون شما گاو لا زمهریر و در میان هر کتف

عزیز الجبار ابد شفا یابد جهت طفل بد خو که گریه بسیار

کند و قرار نگیرد بنویسد و بر سر او بیاویزد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی

بسم الله لا یضر مع اسمه شیئ فی الارض و لا

فی السماء و هو السمیع العلیم کهیعص ذکر رحمت ربک

الكتاب المبين وبحق والقرآن المجيد
وبحرمة والطور وكتاب مسطور
في رق منشور والبيت المعمور
والبحر المسجور وبحرمة ن
والقلم وما يسطرون وبحرمة سو
رة القرآن العظيم الكريم القد
يم الشأن المبين وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
ولا يزيد الظالمين إلا خسا
را وبحق أسمائك الحسنى المعظمة
المكرمة المطهرة المقدسة المنورة
وبحرمة العرش والكرسي
والملائكة المقربين وبحرمة
سبع الأرضين والكواكب السبعة

السّابرة والسّماءِ ذاتِ البروجِ
وَالیومِ الموعودِ وشاهدٍ ومشهو
دٍ وبحرمةِ والسّماءِ والطّارقِ
وما ادراک ما الطّارقُ وا
لنّجمُ الثّاقبُ وبحرمةِ والفجرِ وليا
لٍ عشرٍ والشّفعِ والوترِ واللیلِ و
بحرمةِ والتّينِ والزّيتونِ والطّو
رِ سينينَ وهذا البلدِ الامينِ وبحر
مةِ بیتِ المقدّسِ وبحرمةِ انبيا
ئکَ واصفیائکَ وعبادِکَ الصّا
لحینَ یا ربّ العالمینَ یا خیرَ النّا
صرینَ برحمتکَ یا ارحمَ الرّاحمینَ

اگر کسی را عقرب گزیده باشد و دست را بر جای عقرب زده بگیرد و بگو سلامٌ قولاً من ربٍّ رحیم

جهته زبان گرفته

واشفع ۱۱۱ ۱۱ ۱۱ ط

بان کهیعص حمعسق شفیع ا اس

بحق هذا فضل الله

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الم الم

المص الر الر الر الر الر کهیعص طه

طسم طس طسم المر المر المر المر یس ص

حم حمعسق حم حم حم حم ق ن

دعای اسب از حضرت رسول روایت کرده

جناب علی ابن ابی طالب بر خلعت قلعه خیبر رفت دلدل
از حضرت پیغمبر شد جناب امیر غمگین شد ناگاه جبرئیل در رسید
جبرئیل در رسید و این طلسم را آورد در گردن دلدل بست در حال
شفا یافت هر کو این طلسم در گردن اسب بندد از خام باد
و شقاق و قانونه و کنجوره و ناخنه و خطا شده از اسب
ایمن گردد و در نظر ملوک و سلاطین و خلایق عزیز و مکرم
باشد و صاحب اسب از زخم تیر و شمشیر و نیزه ایمن باشد
و زبان دشمن بر وی بسته گردد

[illegible]

اسکن بکلمات الله اسکن بعزة الله

اسکن

اُسْکُنْ بِجَلالِ اللّهِ بِحَقِّ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ طَبَقٍ
عَنْ طَبَقٍ فَمَا لَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ وَمَا
قَدَرُوا اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ امیر المؤمنین

۲ ۱۱۱۱۱ ۹ ۹ اسه ـ اله ۴ و ۴ لهر ۱ اه صح ۹ ۱۱۱

افسون کره فند و کاو

که شیر بش کم شده باشد بنمک خواند بدهد تا بخورد
شیرش زیاد شود اینست اَللّهُ الَّذِی
خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ
لَکُمُ الْاَنْعَامَ لِتَرْکَبُوا مِنْهَا وَیَعْلَمُونَ
بِحَقِّ یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ خَالِصًا
لَبَنًا سَائِغًا لِلشَّارِبِینَ اَللّهُمَّ اُسْکُنْ
خَاذ النَّبِیِّ بِحَقِّ تَوْرَاتِ موسی و انجیل عیسی
و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان
محمد صلی الله علیه و سلم بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

دعای باطل السحر مجرب فألقی السحرة
الساجدین قالوا آمنا برب العالمین
رب موسی وهارون بطلت
بطلت السحر وبطل ما کانوا یعملون
بطلت السحر جمیع السحراء وکل سحر
یسحرون بین الارض والسماء
علی صاحب الدعوات برحمتک یا
ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم
الم تر انا ارسلنا الشیاطین علی
الکافرین تؤزهم ازا فلا تعجل
علیهم انما نعد لهم عدا قل اوحی
الی انه استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الر
شد فآمنا به ولن نشرک بربنا احدا

ادامه دارد

انه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة

ولا ولد ادفع شر الجن والا

نس من صاحب الدعوات برحمتک یا

ارحم الراحمین از جهت خفته اگر خواهد

خفته بیدار نگردد این دعا را بخوان بخاکستر دبر

روی خفته بپاش هذا الدعاء ام حسبت ان اصحا

ب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا

آل زنان بنویسد با خود دارد [illegible]

[illegible]

باب اگر خواهد میان دو کس جدائی افکنی

که هرگز هم دیگر نتوانند دید این طلسم بر کاغذ بنویس

در میان گور دفن کند هذا الدعاء [illegible]

[illegible]

[illegible]

باب اگر خواهید بدانید که بیمار خفا یابد یا بمیرد

پس بنویسی و در آب اندازد اگر در آب

بر ماند در حیات و اگر زیر آب میرود در ممات

۴۱۱۱۱۹۵۱۱۲۴۱۱۱۰ و م ۱ از برای درد چشم

بر ریسمانی یازده گره ببندد و بر هر گره یکبار

بخواند سورهٔ اِذا زُلْزِلَت و نوع دیگر بیاورد

ابریشم هفت رنگ هفت مرتبه بخواند بسم الله

مجریها و مرسیها اِنَّ ربّی لغفورٌ

رحیم اگر بطرف راست باشد بطرف چپ ببندد

اگر بطرف چپ باشد بطرف راست ببندد

دعای حفظ الدعاء اَعُوذُ بِاللهِ

مِنَ الشَّیطانِ الرَّجِیم الر الر المص الر الر

الر الر الر کهیعص طه طسم الر الر

الر المر یس ص حم حم حمعسق حم حم حم ق ن

دعا نظر کردن هرکه در عمر خود یکبار باین

شکل نظر کند آتش دوزخ بر او حرام گردد و اگر

روز نگاه کند محتاج خلق نشود و اگر ماه نو ببیند

باین شکل نظر کند ان

ماه را بخوشی و عیش بگذراند

و در این ادابت

هلج	هلج	هلج	هلج
هلج	هلج	هلج	هلج

هلا الدعاء از حضرت امام رضا منقول است

که هر روز سه مرتبه این دعا را بر سر بیمار بخواند البته

بیمار را حضرت باری تعالی شفا دهد و از ان مرض خلاصی

می یابد ان شاء الله تعالی اَللّٰهُمَّ قَدْ تَمَّ اَذَ

لِیَ بِالْاَذِیَّةِ لَا یَنْزِلُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْ

حَمَ الرّاحِمِینَ بول بندی اگر دل کسی

که ذرد باشد بربندد بیاورد بیضهٔ مرغ و میان او را

خالی کند این حروف را در میان ان تخم بنهد و دهن او را

بموم محکم کند و در میان خاکه پنهان دوی صرع ه قد ...

واشدن بول واشده بول اگر کسی بولش بند شده

باشد نوشته بر آب زند و آبش را بخورد شفا

یابد و اینست بسم الله الرحمن الرحیم ما

انزلنا علیک القرآن لتشقی تنزیلا

ممن خلق نفع شد مجربست از استاد کامل

مردی بود در ولایت شام تقصیر کرده بود پادشاه

فرمود که او را بدار کنند و او را بقتل رسانند چون

بدار کشیدند هر چند تیر و نیزه و شمشیر بر او زدند

کارگر نشد بعد از او را با تش انداختند نسوخت مردم

گفتند که ساحر خواهد بود یا دعای بزرگی همراه دارد

پادشاه از وی پرسید گفت بلی دعای بزرگی از نام

حق تعالی همراه دارم اگر همه عالم دشمن شوند هیچ

بدی نتوانند کرد پادشاه گفت از سر خون تو درگذشتم

و این دعا را نوشته با خود داشت هر جنگ بزرگ این دعا

ظفر میاحت یا قامت السموات والارض
امر دشیا ان یکون له کن فیکون یا من
یمسک السماء عن یقطع علی الارض
باذنه من امرهم فسبحان الذی بیده ملکو
ت کل شیء و الیه ترجعون یا الله
یا الله الا یا الحق وجهد الکرام
یا ذا الجلال والاکرام برحمتک یا ار
حم الراحمین ایضا در دبست از شیخ احمد
عبدالله درکه در بلاد یمن پادشاه بکشتن بی
کناه کشاره فرمود هر چند تیر میزدند نمیکرد آخر
الامر تیر باران کردند هیچ تیر اندازان تیر مرانداختند
باز برکشت و بر تیر انداز میرد پادشاه فرمود که
اکر مرا از سر آکاه کنی تورا بکشم کفت اسم هره
منست که از آباء و اجداد عمی رسیده است ببرکت آن

تیغ بر هیچ کار نکند طلسم ط ۳۱ ۴ ۱۱۱۱ ۲ ۲ ۹

الحمد لله عدد ما خلق الله والحمد لله مثل ما خلق الله والحمد لله عدد کلماته والحمد لله عز بتبه تبارک الله رب العالمین

شمشیر بندی اگر در زیر زبان نگاه دارد شمشیر بر او کار نکند کلمات عمل تعویذش مربطو طبس سس وس عما بیط باب ردستة

بنویسد این طلسم را در آب حل نموده بخورد اگر بسته جهل باشد بند گشاده گردد انا فتحنا لک فتحا مبینا و فتحت السماء فکانت ابوابا فانفلق فکان کل فرق کالطود العظیم

ایضا جهت گشودن کار ...

از جهت گزنده‌گان از مار و عقرب و رطیله و سایر گزنده

گان بخواند سه مرتبه این منظر را و دست بهم زند

مجرب ثبت منظر کنکا تد کنکوند کتانه کنبه

شرح مهر نبوت از حضرت امیرالمؤمنین

مرویست که فرمود که هرکه مهر نبوت را با خود

نگاه از جمیع بلاها محفوظ باشد و زبان دشمنا

ن بروی بسته گردد و هرکه هر صباح باین مهر نظر

کند از روز بهیچ بلائی گرفتار نشود هرکه روز اول

ماه بروی نظر کند آنماه بسیار روشنی بگذرد

و دارنده این مهر از دنیا بیرون نرود تا آمرزیده

شود و در بهشت عنبر سرشت جای خود را ملاحظه کند و هم

و هرکه شک آورد کافر گردد باذن الله تعالی مهر نبوت

این است

یا الله یا محمد یا علی

معانی مهر نبوت

دعا نظر بندی خط امام حسن ع

هو هو	الله الله	احد احد	الله صمد	لم لم
الله	الله الله	احد لم لم	الله صمد	صم صم کفوا احد
الله الصمد	الله الله	احد لم لم	الله صمد صمد	کفوا احد
هو	لم یلد	و لم لم	یولد	و لم یکن له

باب طفلی که دیر راه افتد این ایات را بر ظرف
صافی بنویسد و بشوید و قدری از آن بوی خوراند و قدر
را به بدن وی ~~بخوانند~~ مالند و دعا باید دارد
زود براه افتد اینست ارکض برجلک هذا
مغتسل بارد و شراب کل دابة من ماء فمنهم
من یمشی علی رجلین و منهم من یمشی
علی اربع یخلق الله ما یشاء ان الله علی کل شیء
قدیر جهه تب لرز بر سه پارچه چوب بنویسد

بنویسد

چوب بید بنویسید و در زیر دامن مریض دود کند

اوّل ابراهون طاهون هاهون دوّم

طاهاهون ابراهون طاهون طاهون سیّم

طاهون طاهون هاهون ابراهون بنتم تب

ورز فلان ابن فلان اگر خواهی بدانی که زن

را چله افتاده است یا نه نام زن و مادرش را بحساب

ابجد حساب کند و دوازده دوازده طرح کند

اگر طاق چله افتاده است و اگر جفت باید چله شکفتاه

جهة زراعت بنویسید و در میان زراعت بیاویزد

بعد از بسم خیر حافظا و هو لا یاوده حفظهما

و هو العلی العظیم یا ادم ادامین یا رب العالمین

باب طالب مطلوب اسم طالب و مطلو

ب رو بحساب ابجد صغیر در آورد پنج پنج

طرح کن هر گاه یک ره بماند میرسد هر گاه دو ره

دو چهار بماند ممیز بشد باب موت مرد زن

اسم مرد و زن را بحساب ابجد حساب در آورد

پنج پنج طرح کن هرگاه یک سه بماند مرد

زودتر خواهد مرد هرگاه دو چهار بماند زن زود

تر خواهد مرد باب از بهر درد بینی از زنان بنویسید این

اسما را در آب بشوید آب را صاحب ریش بخورد

ابیه اسه اسه اسه اسه اسه اسه

اسه سه سه سه سه ااا ا

ط طم حم حم کعک و ولا قوة الا بالله العلی العظیم

دفع قولنج اسب این شکلها را با انگشت بر زمین

کشد و سه نوبت اسب را بر دور آن شکل بگرداند

بهتر شود الشکل سهلیا لسهل سهلیا

اسهلت سهلیا دفع درد دل اسب این طلسم را بر زمین کشند

و اسب را بر آن بگرداند الشکل

ه	ح	ح	۹
٥	ب	ا	٥ ۶
٥	٣		

باب بول بستن خواه آدم و خواه حیوان

این دو کلمه را بر ناخن پای او بنویسد یا بر سم او

اهکه مهکه

باب اگر خواهی میان

دو کس دوستی باشد بنویسی اینها را و در میان

دو در خانه آنکس دفن کند تا هم باشند جدائی

واقع نشود نیحی به رسید است اا ح ص اام

ع ص ص لا ه ااوم اا

الی اللہ الا حوا اہ لم مطر ااال اا

اااا ااا یا مو کلهم سطمهم اطف کلی

باب دگر اگر خواهی میان دو کس جدائی

افکنی بنویسی بر خشت و بر آب اندازد

تا هم باشد صلح واقع نشود

نامهای اصحاب کهف هر کس نامهای

اصحاب کهف را با خود دارد در نزد حکما
عزیز باشد و غنی شود از جهت عسرت ولادت
زنان بر ران چپ ببندد و از برای گریهٔ اطفال
در زیر سر طفل گذارد و بر چوب نویسد آن چوب
را در میان زراعت بنهاد و بزد آن زرع از آفت
محفوض ماند تمت این را نافع بحفظ مشلینا
شلینا تملیخا برنوشی سرنوشی ش دنوش
مرطوس باب دلس هر کس این آیه را بخواند یا
با خود دارد از سگ درنده آسیب نیابد وکلبهم
باسط ذراعیه بالوصید نوع دفع زله
پیه بز با پوست کوکنار و سرگین الاغ با هم بجو
ش شد مثل ضماد بر سر بندد تا صبح در حمام بشوید
نوع دیگر ریسمان کبود را هفت گره بزن
در هر گره یکبار این دعا را بخوان و لوان

قرانتا اهیرت

ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت
به الارض او کلم به الموتی بل
الله الامر جمیعا و بگوید بسم نفس فلان
بحق محمد و آله الطاهرین و سوره انا
در ریگ بخواند باب کرم و ملخ اگر خواهی که
و ملخ را از زراعت باز دارد این شکل را بر چهار
پاره ظرف آب ندیده بنویس بر چهار اطراف بستان
یا زراعت پنهان کن
حسی مروس ... دعای سرچه بنویسد
این طلسم را بر دست راست طفل ببندد

۱۳	۲	۴	...
...	۱۱	۱۵	۶
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۵	۳

باب برای کثرت رزق
با خود دارد که مجرب است
باب اگر خواهی که بدانی
که زن تو بچه پسر دارد یا نه اول حمل سوره اخلاص

[illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین

اخلاص را بخواند و هفت مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد بفرستد و از یک قلم نکته بچیند و بگذارد نکته‌ها را
سه سه طرح کند اگر یک بماند فرزند میشود امیدوار
هست و اگر دو بماند باز میشود باید دعا کرد باید
چله برید و اگر سه بماند فرزند نمیشود والله اعلم بالصواب

جهت کسی را که بسیار خواب نه شنبه باب بنویسد بیخور و کم خواب کرد

باب بستن دهن گرگ است یوم چهارشنبه بنویسد
و بر گردن گوسفند بندد از خوف من الذئب علیه
ولس نه و شفته و قلبه و سمعه باسم گوسفند فلان

باب طالع نامه اسم او و مادرش را بحساب ابجد جمع
در آورد دوازده دوازده طرح کند آنچه بماند
بدوازده بروج حفظ کند البروج حمل آتشی فرزند

ثور خاکی فرزند ۱۱ یازده — جوزا بادی فرزند ۱۱ یازده هیچ

سرطان آبی فرزند ۷ هفت — اسد آتشی فرزند کم — سنبله خاکی فرزند ۱۰ یازده

میزان

[illegible]

میزان بادی فرزند	عقرب بادر فرزند	قوس آتشی فرزند
۱۲ دوازده	۱۵ پانزده	۱۰ ده
جدی خاکی فرزند	دلو بادی فرزند	حوت آبی فرزند
۱۴ چهارده	۷ هفت	۷ هفت

باب اگر در خواب کسی دندان بهم زند این
اسماء را نوشته بازو وارد رَحِیُّ یعنی یحح م
کلمیح اادم دم لم باب برطرف شدن موش
بنویسد در گوشهٔ خانه دفن کند موشها برطرف
شوند باذن الله تعالی وَلا تُفْسِدُوا فِی
الأَرْضِ بعد اصلاحها وادعوه خوفا
وطمعا انّ رحمة الله قریب من المحسنین
احتیه کثرة اطفال نوشته بر سر او بندد طاطاطا
ع نه خواطاطا هی هی هی هی هی هی
قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس

باب باب کودکی که در شبها گریه کند این
دعا را در زیر سر او نهند که خواب کند واجعل ا
علی بحبنا وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا باب اگر دختر را خواسته باشند
صاحب دختر نه دهد این اسم را بر کف دست
دلال بنویسید و در خانه مطلوب فرستد مجرب است

۱۱۱۲ اسم ا ع ع ع ع ع ... ۹ ۱۱۱ ۹ ۱ ۱ ۹ ۱ ۱۱ ع

۹ ۱۱۱ ۹ ۱ ۱ ۹ ۱ ۱۱ ع

باب دکس این چهار اسم را
بنویسد در زیر دامن صاحب از خود کند مجرب است
جهیره جهوده وجباهیر جهاهیر

باب طالع کسب کردن اگر سائلی سؤال کند
که طالع من در چه کسب خوب است بگیرم اسم او را
و مادر او را

[illegible]

اولاد و مادر اولاد بحساب ابجد در آورد و بعد هر چه

بماند بدوازده برج نظر کن تا معلوم شود

جوزا زراعت سرطان خرید و فروخت اسد کسب

سنبله معامله و زراعت عقرب قوس تجارت

جدی زراعت دلو تجارت حوت معامله و زراعت

باب خشکی از جهت خشکی که در جایی افتد

ثبت این دعا را باید نوشت و بر آن خشکی ها بمالد

که خشک شوند بر بندد دعا: وَ اِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ

جَبَّارِیْنَ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اَطِیْعُوْنِ یا مجیب کل

دعوات وَ نَصَرَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِیْزًا یا شافی

باب پستان از جهت درد پستان که نقصان

بنویسد در موم که دواب را بیاورد و از آن

آب که نقصان را بشویند اِنَّا جَعَلْنَا الْاِنْسَانَ

مِنْ نُطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَبْتَلِیْهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا بَصِیْرًا

کره مثلث از جهة مادیانی که کره نداشته باشد
یا کم داشته باشد این دعا را بنویسد در موم گیرد
با آب بر آورد و آب را بجهک بریزد آزموده است
رَبَّنهم وَ لَا قُلُوبُهم وَلَا اِنَّ
اللهَ آدَم وَ حَوّا وَ کن تبین قلوبهم
هذا البقرة وتجعلها باب رسیدن
از جهة کسی که بلرزد و بترسد علاج او نمک و رشته
طوق در زیر دامن دود کند اسفند سیاه با
روغن گاو در بینی چکاند و این اسم بنویسد و با خود
دارد ل ع ۱۱ ع ۹۱ ۹۱ ۷۱۱ ۷۱۱ ع ع ع ۵۵۱۵۵۱ ل ۱
از جهة از جهة طفلی که پستان مادر را نگیرد
این اسم را نوشته بر گهواره طفل ببندد رواد ط ادل
لایام و غربت آب دود مس و بحوت سلیمان مولانا
ماه رون ربی داد خرمه حالد بدوم و سلطانا دارست
واسهل محمد محمد امون

دشمنی میان زنان دو زن که باهم بد باشند

بنویسد در موم گیرد و بآب براورد و بخورد

ایشان نهد که محبت در میان ایشان افتد

که یک لحظه بی هم دکر نباشند اللهم

بحق و القیت علیك محبة منی

ولتصنع علی عینی واو نمنی حنك

فقولا اهل اذا الکم تحلی منی یلقیه

محو بکم کنحة نقانی آمین آنك

کهبا زین الناس حب الشهوات

النساء وبنین قناطیر المقنطرة من

الذهب و الفضة و الخیل المسومة

و الانعام و الحرث ذالك متاع

الحیوة الدنیا و عند الحد سیاب

طبقه از جهت طبقه کو سفندان نوشته بود

در موم گیرد و بر آب بر آورد و در میان گوسفند

ان آفتاب اندازد و این دعا را بگردن گوسفند بهتر این

که سرکش ببندازد الحمد لله الذی خلق السموا

ت و الارض و جعل الظلمات و النو

ر ثم الذین کفروا و یعدلون الذی

خلق السموات و الارض ثم انتم

تمترون خبارک انی نعوذ بها از جهه خنا

رک نوشته با آب بر آورد قدری بخورد و قدری

بر خم مالد نافع است با خبر طفت و لو دعا

الناس احا زت مه فرمان کافران مین

غفور یا رحیم الرحمن الرحیم بجهت درد دندان

انگشت بر سر دندان که درد میکند بگذارد و این آیه را

هفت بخواند شفا یابد هو الذی انشاکم و جعل

لکم السمع و الابصار و الافئده قلیلا

کودکی که زبان نشی

کودکی که زبانش بسته باشد این طلسم را بر
سفال نو آب ندیده نوشته و بشوید بخورد طفل
دهد زبانش باز شود بفرمان تعالی
گوسفندی که گوسفندی که بره بر خود نگیرد این
دعا را نوشته بر گردن گوسفند بندد أفغير
دين الله يبغون وله أسلم من في ا
لسموات والأرض طوعا وكرها
وإليه ترجعون آنگاه که آنگاه گوسفند
این دعا نوشته با آب بشوید بدهد تا گوسفندان
بخورند ولو لا لقد اي لم تر
طوسقا على ظلمتي ولا أذكرت
الذكر إنبان ولعلكم بول بسته
کسی که بول او بند شده باشد دعا را بنان خود
نوشته بخورد شفا یابد انا فتحنا لك

ولو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

فَفَتَحنا اَبوابَ السَّماءِ مُنهَمِر
یا ارحم الراحمین نزله بند دیگر آنکسی
که نزله داشته باشد باید که چهار چیز نخورد سیر
روغن زرد مغز گردو گوشت میش مرغ ماهی
که کار نکرده باشد بیاورد این دعا را سه بار بدان مرغ
بخواند و مرغ را در درخت ببندد بگوید بحق الملک الجبار
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله
المعافی بسم الله الذی لا یضر
مع اسمه شیء فی الارض و لا فی
السماء و هو السمیع العلیم یا ذا الجلا
ل و الاکرام یا کفیل بر اذ اسمائک
بستم بادی سرخ بادی نزله باد آماس باد وارش باد
و چشم باد سیاه باد کبود بستم بحق محمد و آله
بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود

چله بهار

چله بیمار هران بیماری که چله دار شده باشند و
صحت نکند دعا را نوشته در شمع کیرد و دختر
نابالغ چهل کلچه آب در ظرف پاک کند و این
دعا را در آب زند و قدری از ان آب بخورد
بیمار دهد و قدری دیگر در اندام بیمار بمالند تا صحت
کند ان شاء الله تعالی دعا اللهم انی
اسئلک صبرا جمیلا و فرجا قریبا و اجرا
عظیما و توبة نصوحا و صحة و قلبا سلیما
و لسانا ذاکرا و بدنا صابرا و رزقا
واسعا و شکورا و ذنبا مغفورا و علما نا
فعا و ولدا صالحا و [illegible]
تقویلا و دعاء مستجابا و کسبا حلالا و نعما
مقیما و جنة و حریرا و القرآن و سرور [illegible] بسم
بریدم چله جمله چله داران ازاده و [illegible]

باب کودکی که از خواب بترسد و گریه به برد بنویسد در جامه خواب دفن کنند مجرب و آزموده است

ازخواب بیدار نشود بنویسد این دعا را هفت مرتبه بر خاک گور کهنه خواند و بر بالای سر آن ریزد

وجواناتِ وطبرستم جلهُ جلمه جله جلهُ داران ازطایب
بحق لا اله الا الله و علی ولی الله جلمه رسدن
اطفال علی علی علی سد سد سه سه سد هنج هنج
هنج هنج هنج ای عس ه ااه ااا ه ه اااا اهیا
شراهیا اهد یففل یا اعمن وسر قدوس
قدوس دله اوخلیل ما لی حاجة قد
لا ولدا لیح الیح باسم فلان بن فلان لقمه نوبس
بر لقمه فطی بر بیم بخته مرکب بنویسد
وبخورد انکس دهند کم کا نمان باردار دو السا
رق والسارقه فاقطعوا ایدیهما
جزاءً بما کسبا نکالا من الله والله
عزیز حکیم ازجهت شیربندی زنان نوشته
درگردن بندد دو موی اه ... اذا انشقت
جلاء والمعسول و دمت و امد من کل روح ملفتح

اگر شپش بسیار شده او بهمه نشود داین ازمو د است ولبنوشی کهفهیم نلاغها نه سنان نبود داد ابصار الله و تحیتهم ایلافا طاحهم بر وفقا

والقرآن ...

والله ان الله هذای الحق ماند یحیی بود بعض وکل
یل نلی ص ن ح ۱۱ له بی ر طلمز وان هفتم فی القور
یا ایها الذین ۲ ۱۱۱ مم ح ۱۱۱۱ مم ط ح ح
حمتک یا ارحم الراحمین جهة زنی که بچه بر او نماند
از هفت در خانه از دیگر برد و در روی خلاص کند و بچه
وان طلسم را بنویسد با آب بخورد سگ ماده دهد که بعد بچه
ان سگ بمیرد و بچه ان زن سلامت باشد طلسم این است
۱ ۴ ۸ ۱۱۱ ... م

جهة دفع ملخ بر پر راست زبید بنجا دعوت الله
ورسوله و بر پر چپ بنویسد بیشوکد کما بلی
الذین من قبلهم از چهار ملخ بنویسد بیتی نوع اول
یکی بطرف ... و سیم دیگر رو هر یکی بطرفی انداز
پراکنده شود جهة ... زراعت افتد این طلسم
بنویسد و بیاویزد ...
سعصلا ... ۹۱۱۹۱۱ ...

علیه ان شاء الله تعالی
و ادالیقل نشانه

چله بریدن گاو

فتبارک الله احسن الخالقین هذا الدعاء نشره

بندد در یوم چهارشنبه بر تخم مرغ سیاه نوشته در پارچه

سیاه پس صاحب نشره گذاشته باشد دوز سیاه بر سر

به بندد واز چاه تاریک آویزان کنند هذا تسمیه طنطنعا

س طیطفشی اسکن بقدرة الله وبهیبة الله

اسکن بجلال الله اسکن بجمال الله بحق لا اله

الا الله وبحق محمد رسول الله وبحق علی

ولی الله بسم بسم بادنزله ودرد سر ونیم سر وباد ا

ج وباد دماغ وباد سرخ وهرباد که در جنین اندلهم ودرد چشم

وگلوی فلان ابن فلان است بحق سلیمان ابن داود علیه السلام

چله بریدن گاو اعوذ بکلمات الله التامات انا اعطینا

ک الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو

الابتر بریدم چله گاو فلان کس بحق انه من سلیمان وانه

بسم الله الرحمن الرحیم

جهت زمانی که هذا دعای هفت پریان

بسم الله الرحمن الرحیم جهة زنانی که فرزندش بگیرد
واز جهت محافظت فرزند بتجربت بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم یا معشر الجن و الانس
ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا
سلطان فبای آلاء ربکما تکذبان
اخرج باذن الله الذی لا اله الا
هو العالم الغیب والشهادت وهو
الرحمن الرحیم وبحق انه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا
تعلوا علی وأتونی مسلمین ۱۱۱۰

عزمت عليكم في الزبور وبكل امر في
الزبور وبكل عهد في الزبور وبكل
ميثاق في الزبور وبكل ايها المرض

والعلل والهواء الجن والانس
والجع المرض المرضية عن بدن بحق
هذه الاسماء العظيم اخرج باذن الله
تعالى وباسم الله تعالى اخرج باذن الله
الذي لا اله الا هو بحق الاحبار

هو اللطيف الخبير ٥٥ ااا حم اااا
عزمت عليكم في التورات وبكل حرف
في التورات وبكل اسم في التورات
وبكل آية في التورات وبكل امر

في التورات

فی التورات وبکل نهی فی التورات و
بکل حرکات وسکنات فی التورات ا
اخرج باذن الله الذی لا اله الا هو ا
لعالم الغیب والشهادة وهو الرحمن الرحیم
اااسم الله ااااا عزمت علیکم باعشر فی
الانجیل وبکل آیة فی الانجیل وبکل مثناة
فی الانجیل وحرف فی الانجیل ایها المرض
والعلل والهواء الجنی والجمیع المرض
المرضیة عن بدن صاحب الدعوات
بامرالله تعالی اخرج باذن الله الذی
لا اله الا هو العالم الغیب والشها
دت وهو الرحمن الرحیم

الغافر وهو اللطيف الخبير ٤ ١١١٥ آمم

٣ ١١١١ طه عزمت عليكم في الصحف اسمع

وبكل حرف في الصحف وبكل اسم في

وبكل كلمة في الصحف وبكل ميثاق في ا

لصحف وبكل آية في الصحف وبكل

عهد في الصحف وبكل نهي في ا

لصحف اخرج باذن الله الذي لا

الله الا هو رب العرش العظيم ايها

المرض والعلل والصداع النجس والجميع

المرض المرضية عن بدن حامل دعا عدوا

جر الله تعالى ١١١٥ آمم ٣ ١١١١ طه عزمت

عليكم في القرآن وبكل كلمة في القرآن وبكل

اسم في القرآن وبكل امر في القرآن

وبكل آية

وبكل آية في القرآن وبكل اخرج ايها

المرض والعلل والهواء والجن والجميع

الامراض المرضية عن بن ن حامل هذا

الدعاء بامر الله تعالى واخرج باذن

الله الذي لا اله الا هو العالم الغيب

والشهادة وهو الرحمن الرحيم

٥||| ـ||| هي وعزمت عليكم

بالاسم وبحق انه من سليمان وانه

بسم الله الرحمن الرحيم اخرج باذن

الله الذي لا اله الا هو عالم ا

لغيب والشهادة وهو ارحم الراحمين

فان كان يهوديا او نصرانيا وعق

وبحق داود خلیفة علیه السلام وذریة

وذریته واتباعه واتباعه وان کنت نصرانیاً وبحق موسی کلیم الله وبحق

عیسی روح الله صلی الله علیه و علی آله و اتباعه وان کان یهودیاً وبحق محمد

ص وآله وسلم آمین آمین اللهم

بعد از دعا چهار ماه پانزده روز

ایا هخیشا یا زشطها یا عجح یا ملیطها

یا ملططهها یا شلحرما یا صعر یا شمثا یا

نغاخیثا یا بحیثا یا بکیثا یا مورشثعه

یا کرداوخطط حجی یا مشی مما نا مولطم

یا طشونطنی ما شلیلی یا شثی ملمثا

ایا صیما صیعا یا ما ثح یا شمخیثا یا طهمو

با عج یا مسطوطیبثا یا طهر یا طیحنا

رحم الراحمین صلوات الله تعا

ی دنقدس الاسماء والله وبرکتا

ان ربکم الله الذی خلق السموات

فی ستة ایام ثم استوی علی العرش

یغشی اللیل والنهار یطلبه حثیثا

والشمس والنجوم مسخرات بامره علی

له الخلق والامر تبارک الله رب

العالمین ادعوا ربکم تضرعاً وخفیةً لا

یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض

بعد اصلاحها وادعوه خوفاً وطماً وطمعاً ان

رحمة الله قریب من المحسنین

بحق نون ک لا

جهت دفع شر جن و دیو و پری و جن

بسم الله الرحمن الرحیم سوگند میدهم

شما را ای دیوان وای پریان که مبادا دیل

و رنجانید و نترسانید و علاج کنید و نزد خواب

و نه در بیداری و نزد روز و نه در شب و نزد تنهائی

دارنده دعای فلان ابن فلان این دعا را بحق

سلیمان ابن داود و بحق موسی و بحق عیسی

و بحق جبرئیل و بحق میکائیل و بحق عزرائیل و بحق

اسرافیل و بحق لوح و قلم و عرش و کرسی

و بحق حاملان کروبیان و بحق محمد مصطفی صلی الله

علیه وآله وسلم و بحق علیا ولی الله و بحق

وبحق دوازده امام وبحق فرشتگان وبحق تحنیثا

وبحق لا اله الا انت الملک الحق المبین الذی
لا اله الا انت وبحق نقش خاتم سلیمان وبحق پیغمبر
وبحق آسمان و زمین و بحق یس والقرآن
الحکیم وبحق صد و بیست و چهار هزار پیغمبران مرسل وننزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا
یزید الظالمین الا خسارا کی ظهری من
کل آفة و بلیة بقدوسیه السلام لله الامر

هذا دعای اهل صبیان و مد نشعین

بسم الله الرحمن الرحیم وهذا کتاب
من الله العلی العظیم ومن نقش خاتم
سلیمان ابن داود علیه السلام وهو

الملك الجن والانس والنيام من كل

سباع وغواص الى جميع ما في الارض لغائب

هذا كتاب ... من ذلّ الأذل والتوابع

والغيلان وام الصبيان من الجن و

الارض جميع الارواح المحسنة الخبيثة عز

مت عليكم يا معاشر الارواح انتم ان كنتم من

الارواح اليهود فاني عزمت عليكم

عيسى وكتابكم الانجيل فتبارك الله احسن

الخالقين وانتم ان كنتم من الارواح والمسلمين

فاني عزمت عليكم بنبيكم محمد صلعم و آله

وكتابكم القرآن باية وايتين وحرف وحروف

وكلمة ان لا تقربوا لصاحب هذا الكتاب

و بلا فی السفر و لا فی الحضر و لا فی ا

للیل و لا فی النهار و اعیذه و بحق نو

دانیه و آبائها و من اعظم القرآن و قرائها

و قد اوتیها لا اله الا الله وحده لا شریک

له الهاً واحداً او ملکا عزیز البصیر و منزل

لا اله الا الله الا انت سبحانک انی

کنت من الظالمین فاستجاب له و نجیناه

من الغم کذالک ننجی المؤمنین نجعل له

من قبل سمیاً و نجاتم موسی ابن عمران

و نجاتم عیسی ابن مریم و بحق محمد المصطفی

رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و

علیهم اجمعین و بحق ما عرة و اربعة

عشرة سورة والآیاتها وحروفها وکلمتها

وفواتحها وقلتها وامرها ونهیها

یا ذوالجلال و لاکرام والبهاء احفظنی

عملک وابن عملک اللطیف تمام شد دعای ام الصابر

سلطان محمد غزنوی چند کس را حکم کشتن

فرمود هرچند شمشیر را ایشان میزدند غیرید تا آنکه

این دعا را از گردن ایشان باز کردند واز گردن

هندیان تا نیاید برگردن کوسفند بندند و تیغ برایشان

بکشایند و قدرت حق تعالی نیست بنده بماند دعای

تیغ بند این است بسم الله الرحمن الرحیم

اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول

الله علی ولی الله اللهم اسئلک

باسمائك الحسنى التي تدعوك بالله من

افضل الاسماء بحق الحق ويبطل الباطل

بالله من افضل الاسماء بحفظ احسامر

ااااال اا لا ليم اعلو ردقب لسهم اااا ٥٥

هو دحة هود هلبل اسح اد دخحاحم

بسودره اطلح وامعاً الاحلح هوحرملو لامن

المؤمنين ع ٤ ااا [illegible] دوه حرمرا موعه

اااا [illegible] دمر ٥٥٥٥ [illegible] ععععععع

ون هح ص حرمر برحمتك يا ارحم الراحمين

باب جهة بريدن اطفال اين دعا را نوشته عبوه كرد چه دربار

ببندد بر سر طفل بندد دعا اين است بسم الله الرحمن

الرحيم الصابرين والصادقين والقا

والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار

شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واو
لوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا
هو العزیز الحکیم قل اعوذ برب
الفلق ومن شر ما خلق ومن غاسق
اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد
ومن شر حاسد اذا حسد وقل اعوذ
برب الناس اله الناس ملک الناس
من شر الوسواس الخناس الذی
یوسوس فی صدور الناس من الجنة
والناس قل اعوذ بک من همزات الشیاطین
اللهم اغفر لی یا رب بحق حرمت جامع القرآن وبحق حرمة
یس والقرآن الحکیم وبحق حرمة ن والقلم وما یسطرون

بیستم چله همزاد از دارند و دعا از جن انس وپری

وازحیوانات علی علی علی علی علی علی

س لس لس س س لس لس س

لس حو اهله هله هله هله هله هله

هو اهو هله اهیا اهیا اهیا اهیا

اهیا اهیا اهیا قدوس قدوس قدو

س قدوس قدوس قدوس قدوس

له له له له له بربدیم چله فلان ابن فلان

ازجن وانس وازحیوانات بحق انه من سلیمان

وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلو

علی واتونی مسلمین بحق محمد وآل

محمد هو هو هو هو ...

بسم الله الرحمن الرحیم

باب در بیان ناخن گرفتن چنین آمده است که هر که در روز
شنبه ناخن گیرد بیماری او دراز گردد هر که روز یکشنبه ناخن
گیرد مال او زود تلف گردد هر که در روز دوشنبه ناخن گیرد
او در رسوایی افتد و غمناک شود روز سه شنبه ناخن
گیرد مادام در جنگ و غوغا بود هر که روز چهارشنبه
ناخن گیرد بچشم خلایق عزیز و گرامی گردد هر که
روز جمعه ناخن گیرد رونق روزی او زیاد شود
بدانکه روز شنبه پیش از نماز اگر خواهی در سفر یا در طلب هر کاری
بسیار خوب باشد در روز یکشنبه بعد از نماز در طلب هر حاجت
که خواهد برود که مراد دل برسد و در روز دوشنبه پیش از نماز سفر
و بعد از نماز نقصان در سفر باشد و در روز سه شنبه در هر وقت که خواهد
بیشتر از بیرون رود و در طلب هر کاری سود دارد چهارشنبه
در هر کاری صبر کردن بهتر باشد که باز یافت [illegible] دارد پنجشنبه
پیش از [illegible] در معامله یا هر کاری مقصود دارد روز جمعه در سفر
پایه دار باشد دیگر جا جهت هر کاری عیب ندارد

بسم الله الرحمن الرحیم

باب جلد بریدن زنان ایشنست را ب ج د ه و

ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش

ت ث خ ذ ض ظ غ ل جلد ند که خواهی حامله کم

طالع او را بگیرد نام او را با نام مادر او را بحساب ابجد بگیرد

هفت هفت طرح کند تا چند باقی بماند اگر یک و سه

و پنج بماند تا هفت بماند جلد او فتاده است اگر دو و چهار

و شش بماند جلد او فتاده نیست باید برید و اگر دو بماند جلد

بچه او فتاده نیست باید سه رنگ ابریشم یا ریسمان یک

کنند دعا بخواند گره زده ببرد اگر چهار بماند جلد جن او

فتاده است این دعا را بر ستیاری کاغذ بنویسد هر چهار

شنبه بگیرد در آب انداز د چهل کاسه آب بر سر ریزد تا سه

چهار شنبه بفرمان خدای تعالی حامله شود ان شاء الله تعالی

دعا اینست ا ب ح د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

فتبارک الله احسن الخالقین

و این حروفات بنویسد بر ناف زن بندد و مرد با او جفت گیرد حامله شود ان شاء الله و تعالی اعلم

نوع دیگر این شش طلسم بنویسد و زن بشوید حامله شود

[illegible]

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم

صبغة بحق محمد و آله علیهم صلی الله علیه و آله و سلم یا رب العالمین ببرید دم چله فلان بن فلان از جن انس از وحش طیور از ترک تاجیک و عرب عجم و هندو آزاد و خویش و بیگانه و قریب و دور بحق محمد و آله

بحقک یا ارحم

برحمتک یا ارحم الراحمین اگر شخص مانند جبله مرده

افتاده باشد یا بریشم بلا و علت افتاده باشد بریشم را ببرند

این دعا بنویسد بر بازو ببندد ان شاء الله تعالی

بفرمان خدای تعالی له له له له له له علی علی علی

علی علی علی حمه حمه حمه حمه حمه حمه حمه حمه

اهیا شر اهیا اهیا شر اهیا اهیا اهیا شر

اهیا اهیا شر اهیا برحمتک یا ارحم الراحمین

برید م جبله فلان بن فلان ... اگر خواهد که بداند

که بکار به شود یا بمیرد این طلسم را در کاغذ بنویسد

در کاسه آب اندازد اگر رو گیرد به شود اگر زیر آب

رود بمیرد ه ۱۱۱ ۹ ۹ ۸ ۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ طط ادوا عا ه ۱۱ ۱۳ ۱۱ ۹ روده ۹

دعای آل زنان ۱۱۱ ب ۱۱۱ ت ۱۱۱ ث ۱۱۱ ج ۱۱۱

ح ۱۱۱ خ ۱۱۱ د ۱۱۱ ذ ۱۱۱ ر ۱۱۱ ز ۱۱۱ س ۱۱۱ ش ۱۱۱ ص ۱۱۱ ض ۱۱۱

ط ۱۱۱ ظ ۱۱۱ ع ۱۱۱ غ ۱۱۱ ف ۱۱۱ ق ۱۱۱ ک ۱۱۱ ل ۱۱۱ م ۱۱۱ ن ۱۱۱

و ۱۱۱ ه ۱۱۱ لا ۱۱۱ ی لحق لا اله الا الله محمد رسول الله ...

[illegible]

باب در حمد مغربی بسم الله الرحمن الرحیم از برای

کسانی که اولاد پا نمیگیرد یا نمی‌شود یا مرده می‌ماند

حمد مغربی را بنویسید و سه پنجشنبه در حمام برده دو

طاس آب دعا بر سر بریزد و طاس دیگر را

طاس و شش راست بعد دو عا را با خود دارد

اولاد برومند باکیرد بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین یا حی یا قیوم یا

اجیب یا عسنا ئیل علی ما تسخر لی قلوب

جمیع مخلوقات الروحانیات من علویات

و السفلیات سمیعاً مطیعاً بحق الحمد

لله رب العالمین و بحق الحی القیوم و بحق

ملک الملک المتوکل بقائمة العرش و بحق

حروف ابجد الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم

یا رئوف یا غفور اجب یا جبرائیل علی



ما تسخر لي قلوب مخلوقات الروحانيات من العلويات

والسفليات سميعاً مطيعاً بحق رحمن رحيم وبحق رءوف

عطوف اللطيف وبحق الملك المتوكل وبقائمة العرش

وبحق حروف هوز حطي مالك يوم الدين يا مقلب

القلوب اجب يا شمسائيل على ما تسخر لي قلوب مخلوقات

الروحانيات من العلويات والسفليات سميعاً مطيعاً

بحق مالك يوم الدين وبحق مقلب القلوب وبحق ملك المتوكل

بقائمة العرش وبحق حروف طيكل اياك نعبد واياك

نستعين وبحق يا عزيز يا قديم وبحق اجب يا عزرائيل على

ما تسخر لي قلوب مخلوقات الروحانيات من العلويات

والسفليات سميعاً مطيعاً يا سريع يا قريب يا معبود

يا مستعان اجب يا ميكائيل على ما تسخر لي قلوب

المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات

سميعاً مطيعاً بحق اياك نعبد واياك [illegible]

نستعين وبحق سريع الحساب سريع والقريب

يا معبود يا مستعان يا الله وبحق الملك المتوكل بقائمة العرش

وبحق حروف منع اهدنا الصراط المستقيم يا قادر يا مقتدر

اجب يا ضرفائيل على ما تسخر لي قلوب المخلوقات الروحانيات

من العلويات والسفليات سميعاً بصيراً مطيعاً بحق اهدنا

الصراط المستقيم وبحق قادر مقتدر وبحق الملك المتوكل

بقائمة العرش وبحق حروف نصفر صراط الذين انعمت

عليهم يا الله يا عليم يا حكيم اجب يا عينائيل على ما تسخر لي

قلوب المخلوقات الروحانيات من العلويات والسفليات

سميعاً مطيعاً بحق صراط الذين انعمت عليهم وبحق ملك متوكل

بقائمة العرش وبحق حروف شثنسمخ ثثنسمخ

غير المغضوب عليهم ولا الضالين وبحق يا قديم يا عزيز وبحق

الملك المتوكل بقائمة العرش ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

حسبي الله نعم الوكيل نعم المولا ونعم النصير وننزل من القرآن ما هو

شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا

باب دیگر از برای [illegible] زنانی که اولاد بیرون یا نگیرد با انکه در
شکم ضایع کند باید انکه اول از حرام پرهیز کند زن و هم مرد
باید انچه حرام میباشد نخورد چرا که اولاد جنبات از حرام نطفه
بسته میشود و علام خوراک ایشان حرام است باک نیکه
حرام میخورند خوش چه در صحبت و چه در بازی [illegible] از
حرام پرهیز باید که نطفه از حلال بسته شود دیگر ایشان
نزدیکی نکنند و اولاد به مفرت میشود چرا که پیغمبر فرمود
که حرام وفا نکند و هر چیز حرام یا در آتش باید بسوزد
یا در آب انداز دغرق شود با انکه جنبات ایشان را
تحلیل میدهند و سیاه و کبود میگردند و ضعیف میشوند
و تحلیل میروند باید تا از زنی که ان طفل را شیر دهند
حرام نخورد تا ان شاء الله تعالی فرزند صالح کرامت فرماید
و هیچ اسیب بوی نرسد والله اعلم
بالصواب الیه سیست

حضرت سلیمان ۲۴ دیوان و پریان را در بند کرده و دوازده لام

صاحب اختیار جنیان که داشتند قسم یاد کردند که هر کس این

دعا دوازده پر را با خود دارد هیچ آسیب بوی نرسد

اگرچه زن باشد و چه مرد باشد تفاوت ندارد الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة

ولا نوم له ما فی السموت و ما فی الارض من ذا الذی

یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما

خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء

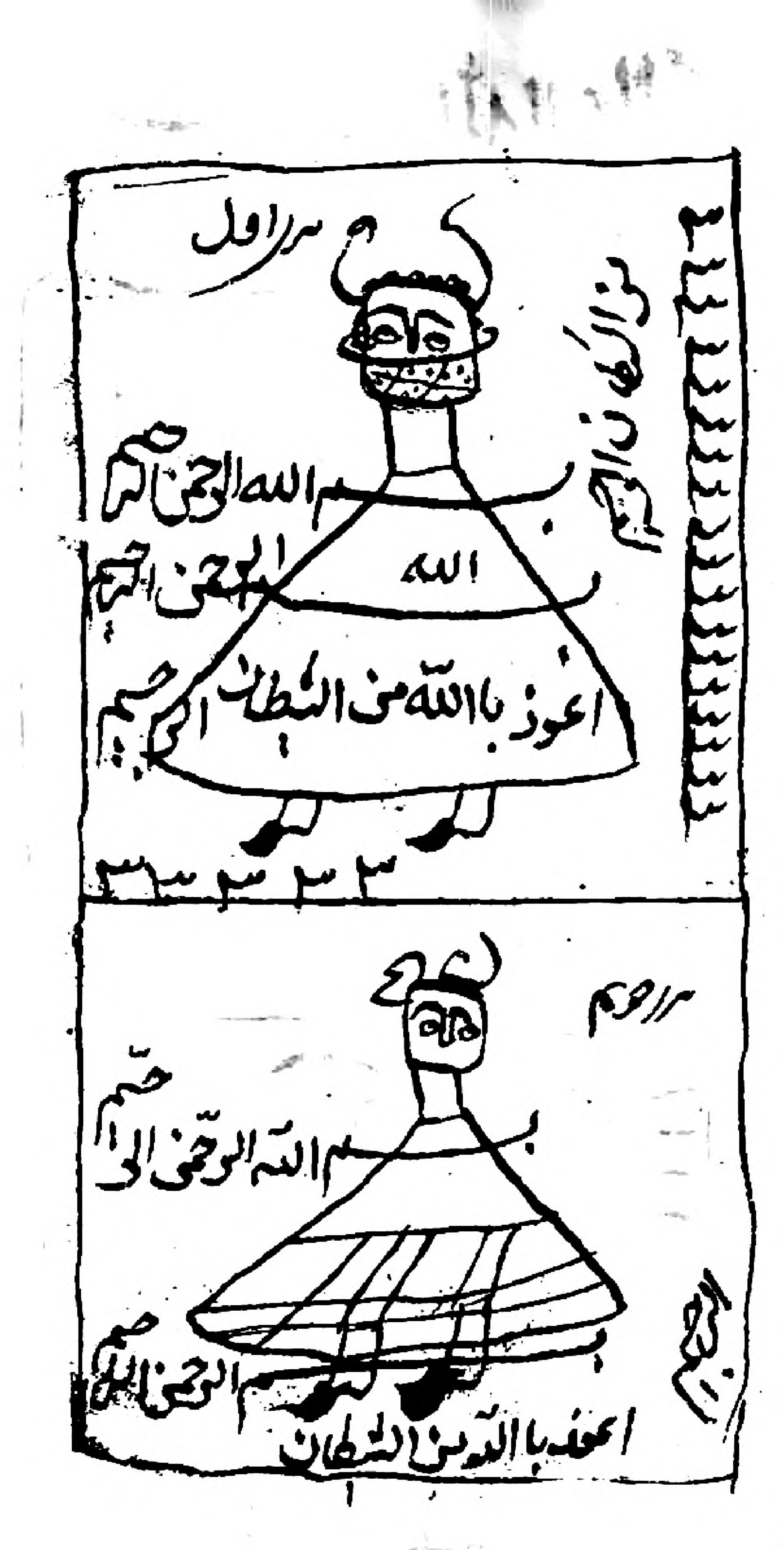
وسع کرسیه السموت و الارض و لا یؤده حفظهما

و هو العلی العظیم یا علی یا عظیم

الاحم ۱۱۱ط و ننزل من القرآن

ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید

الظالمین الا خسارا

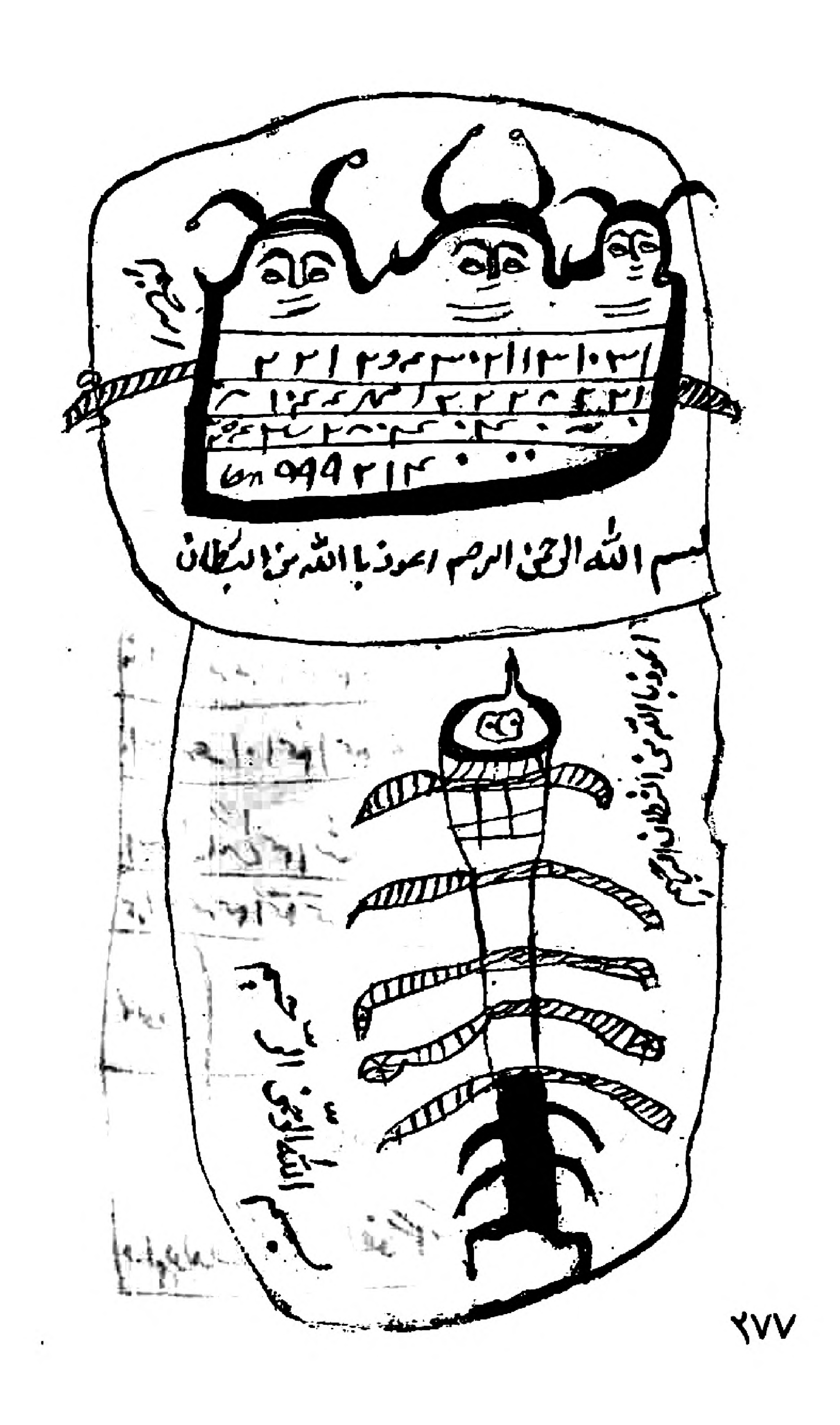

سر اول
بسم الله الرحمن الرحیم
الله
الرحمن الرحیم
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
سر دوم
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم
اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم


بسم الله الرحمن الرحيم


بسم الله الرحمن الرحیم



بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان
الرجيم


بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان

اعوذ | بالله | من الشیطان | الرجیم | بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد الله الصمد لم یلد

ولم یولد ولم یکن له کفواً احد

در خواص سلام قولا من رب الرحیم

در شرف شمس این مربع سو بنویسد اگر نشود بمشک و گلاب
و زعفران بکاغذ زرد صد و یک خاصیت در این
مربع نوشته اند من جمله از برای ترس و خوف و گریه
اطفال و مصروع و تب و دفع مار و عقرب و وبا و طاعون
و اگر هر روز ۸۱۸ مرتبه بخواند بعد از آن صد و سی ۲ مرتبه
صلوات فرستد و بدین عمل مداومت نماید مستجاب
الدعوه شود و مربع این است

۸۱۸ دفعه

سلا	قولا	من رب	رحیم
۲۹۳	۲۸۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۸۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۸۵	۲۹۱

هشتصد و
هیجده مرتب

مال مطابق اسم جعفر امطلب خود

اول بزکوه اسم سوئک لک بیست و پنج هزار مرتبه

بدهد بعد از آن بعد از هر نماز بعدد خودش

بخواند اما زکوه سوچهل قسمت نمودیم هر قسمتی

۳۱۲۵ سه هزار و صد و بیست و پنج

مرتبه است بعد از اتمام زکوه همیشه اوقات

۹۸۷۴ پانصد و هفتاد و چهار مرتبه

همیشه بخواند دیگر آنکه مربع هزار آدرته قمر

قمر بر انگشتر نقره نقش نماید در انگشت نماید دیگر

آنکه اگر هر یوم یک مربع نوشته با مشک و زعفران

وگلاب در عمامه نگاهدارد روز دیگر آب دهد

و مربع آن تازه نماید بهتر است لکن در خواندن

اول و آخر صلوات بفرستد و اگر بخور نماید

بهتر است و اسمها اینست یا الله یا صمد

یا حی یا قیوم یا منعم ۹۸۷۴ مرتبه

مربع

زبان

جل الله جلیله

علی آن اوا

سلم جوفان

بشیر علی

ولی

ختم این نور را از برای انکشاف وتنور قلب
ودر عالم خواب کشف در چهار اربعین
بخواند وقت خواب اربعین اول چهارده
مرتبه این نور را وقت خواب بخواند سر هفته
در اربعین دویم چهل وهشت مرتبه این را
بخواند در اربعین سیم دویست ودو مرتبه
بخواند در اربعین چهارم دویست وپنجاه
وشش مرتبه این را بخواند مقدم در اول چهارده
صلوات بفرستد واخر چهل ویک صلوات بفرستد
وهر شب بعد از نماز مغرب چهارصد وهفتاد
وسه مرتبه حمعسق حمعسق که بعدد خودش
بخواند وهر وقت که آب می خورد یکمرتبه این نور را
باب بخواند وبخورد تمام

دعای درد سر بسیار مجرب است و هفت مرتبه هفت
اسم بزبان هندی را بخواند البته رفع درد سر میشود
سلسو بلسو خاطر چیچه چیزو
بیزو حشبه

از برای فتوح
سوره یس را بخواند چون بآیه سلام قولا
من رب رحیم برسد ۴۶۸ تکرار نماید بعد
و بعد سوره را تمام نماید تمام ریاضت سوره
یس را بخواند اول صغیر دوم وسط سیم
کبیر صغیر ده هزار مرتبه وسط چهل هزار
مرتبه کبیر نود هزار مرتبه با نشاط و ترک
حیوانی و بخور و صوم لشکر ملائکه مقربین در
اینست از برای وسعت رزق هر روز
هزار مرتبه یا باسط بخواند

اول سوره انا فتحنا [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

پانصد و هفتاد و چهار مرتبه همیشه اوقات بخواند
بعد از هر نماز و مربع اینست وفق ۵۷۴ ه

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۶
۱۴۸	۱۳۷	۱۴۲	۱۴۷
۱۳۸	۱۵۱	۱۴۴	۱۴۱
۱۴۵	۱۴۰	۱۳۹	۱۵۰

عدد صغیر برای فتوحات مجلد و وسیط برای مطالب عدد کبیر برای تسخیرات

عدد گذشته بالا بعد از هر نماز صغیر بود و وسیط اینست

۵۷۴۰

عدد کبیر اینست

۵۷۴۰۰

وسیط پنج هزار و هفتصد و چهل مرتبه است البته
مال کبیر پنجاه و هفت هزار و چهار صد مرتبه
لکن در وسیط صوم و بخور لازم است
و در کبیر صوم و بخور و ترک حیوانی لازم است
اگر در اربعین اول نشد تکرار نماید تا مطلب حاصل شود

برای مال و علم

مال نعمة الله

یا الله یا صمد یا مالک یا منعم

۴۹۱ ۴۰

بخواند زکوة

اول یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در عرض چهل یوم بریت

۳۱۲۵ میشود

روزی سه هزار و صد و بیست و پنج مرتبه در عرض

۴۰ ۴۹۱

چهل یوم بخواند بعد از آن بعد از هر نماز چهار صد و نود و یک

مرتبه بعد از هر نماز هشت بخواند و لوح سود در شرف قمر بر

انگشتر نقره نقش کند با خود دارد و اگر لوح سه بار روز

بر کاغذ بمشک و زعفران و گلاب نوشته در عمامه نگاه دارد

وهه ۴۹۱ ه

و روز دیگر با آب دهد

و هر روز تجدید نماید

بهتر است

و در وقت خواندن

بخور بوی خوش در آتش

نهد بهتر است

۱۲۲	۱۲۵	۱۲۹	۱۱۵
۱۲۸	۱۱۶	۱۲۱	۱۲۶
۱۱۷	۱۳۱	۱۲۳	۱۲۰
۱۲۴	۱۱۹	۱۱۸	۱۳۰

مال نصر الله   برای علم و مال

یا قیوم یا نافع یا کریم

۶۲۷

اول زکوة بعدد یک لک و بیست و پنج هزار مرتبه در عرض چهل یوم
۳۱۲۵
روزی سه هزار و صد و بیست و پنج مرتبه بخواند بعد از آن هر یوم
۶۲۷
بعد از هر نماز ششصد و بیست و هفت مرتبه همیشه بخواند
و لوح سو در شرف قمر در انگشتر نقره نقش کند با خود دارد و اگر
لوح سو هر روز نوشته بر اسم کاغذ بمشک و زعفران و گلاب
بنویسد در عمامه بگذارد روز دیگر باید بعد و هر روز
مجدد نماید بهتر است و اگر در وقت نوشتن بخور نماید بهتر است

وفق ۶۲۷

۱۵۶	۱۵۹	۱۶۳	۱۴۹
۱۶۲	۱۵۰	۱۵۵	۱۶۰
۱۵۱	۱۶۵	۱۵۷	۱۵۴
۱۵۸	۱۵۳	۱۵۲	۱۶۴

از جهة حامله شدن زن هرگاه حامله نشود این عمل را
بجا آورد کرامشم تعالی حامله خواهد شد و تفصیل
آن اینست که زن روزه جمعه بعد از نماز صبح بدون
تکلم با احدی سجده و ۳۳ سی وشش مرتبه یا مصور و همچنین
بعد هر نماز صبح تا هفت روز که روز پنجشنبه ملتشود
۷۸۶
و این طلسم را هم حمل
کنید در وقت نوشتن
وقت بخور عود لبوزانند
و اینست طلسم

۸۳	۸۶	۹۱	۷۶
۹۰	۷۷	۸۲	۸۷
۷۸	۹۳	۸۴	۸۱
۸۵	۸۰	۷۹	۹۲

اذا اردت ان تعرف
المریض من سحر او مرض جنون او غیره فخذ عمامته ان کان
رجلا او القناع ان کان امرءة و اشبر شبرا جیدا و تلفه
فی یدک و تعزم علیه بهذه العزیمة ایضا فان زادت
فهی نظرة من الجن و ان نقصت فهی من سحر و ان استوت
فهو مرض من الله و العزیمة فهی هذه تقرئه ثلاث مرات
بسم الله الرحمن الرحیم والصافات صفا فالزاجرات
زجرا فالتالیات ذکرا ان الهکم لواحد رب السموات
والارض وما بینهما ورب المشارق انا زینا
السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا من کل
شیطان

شیطان مارد لا یسمعون الی الملاء الاعلی ویقذفون
من کل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا
من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ثراهه
الفزع ورب النار والنور ولقد سبقت کلمتنا
لعبادنا المرسلین وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون ثراهها
ورب النار والنور والطور وکتاب مسطور
ولعزت الله وسلطانه وبحق سلیمان ابن داود ع
الا ما بلیت ما بصاحب هذه الامراض ع

در بیان دعوت قل هو الله قال کتاب خود شما در روز پانزدهم
شانزده هزار مرتبه نوشته است تفسیر این باید نمود در آن روز
بعد از هر نماز سه هزار مرتبه در نصف شب هزار مرتبه بخواند
دیگر دعائی که عدد کبیر آن هزار و صد و بیست و یکبار نوشته
در یک مجلس خیلی صعب است بهتر آنست که بعد از هر نماز دویست
مرتبه در نصف شب صد و بیست و یکبار بخواند و اگر در یک روز
بر آورده نشود تکرار نماید تا بر آورده شود دیگر از برای فتوحات
چهل و یک شب بعد از نماز عشا هر شب چهل و یکبار سوره
واللیل را بخواند چون باید وما لاحد عنده من نعمة تجزی برسد سه
مرتبه تکرار نماید و بعد باقی سوره را تمام نماید تمت

هر که این دعا را با خود دارد تفنگ باو کار نکند

اگر خواهد بیازماید بر کوه رسم ببندند

بسم الله الرحمن الرحیم

یا حفیظ یا حفیظ سبی سا ابر سا

سار ستا واللهوت والله دون

ار سبون وبحر لا تخاف درکا ولا

تخشی انت مولانا فانصرنا علی

القوم الکافرین

عیسی و زبور داود و فرقان محمد مصطفی ع و بحق طه
و یس و حم عسق و بحق کهیعص و ن والقلم
و بحق جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
و بحق اهیا شراهیا و بحق اسمائک العظیم العجل ۳ باد
الساعه ۳ باد و ۳ بار از و بخواد در میان طعام کنند
تا هر دو بخورند که با صلاح آیند بقدرت خدای تعالی
دو و سه مرد از ایشان یگانه باشند لیکن خدا و ند سه
قوه اراده و طبع ایشان موافق آتش بود چون خواهی که میان
ایشان محبت پیدا آید نوشته بنویس و در میان
کله نو نهد و در آتش و آن دفن کند یک شبانه روز
پس بیرون آورد بشکند و آن را بیرون آورد و سوخته
او را در طعام کند و بخورد و انکس دهد اینست
یا معشر الجن والارواح بحق القدوم و بحق النفس عیون
عیلیون اهیا شراهیا ادونی اماتری عیا ادیاس

عص

غو با عاصو نا ۸۱۱/۸۳۳۸۱۲۲/۲/۱۱۲۲۱۲

باکم ۲ و ۲ علے حبت فلان بن فلان الحمل ۳ بار الساعة الساعة

دو و چهار هر دو موافق باشند و طبع راست

هر راجت شامل ۲ و ۵ هیچ سود ندارد ۲ و ۶ در میانه

جنگ و خصومت افتد گاه گاه ولیکن دوستی روی هم شامل

دائم که نمودن ندارد و کار باشد ۲ و ۷ اول

دوست باشند و آخر جنگ دارند که علاج توان کرد

۲ و ۸ الله اعلم میان ایشان موافقت نباشد

۲ و ۹ دوستی باشد و خلوت طلبند

۳ و ۳ دوستی ایشان گاه باشد و گاه نه علاج سود ندارد

۳ و ۴ ظاهر دوست باشند و آن هیچ سود ندارد

۳ و ۵ هر دو مشفق باشند و هم طبع معالجه توان کرد

خاصه ذن ۳ و ۶ هر دو موافق باشند و دوستی

ذن

ذن باشد که قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی تا آخر
آیه بنویس و با خود دارد مرد بباز وی راست و زن به
بازوی چپ ۳ و ۷ هر دو موافق باشند ولیکن
مرد را محبت زیاده باشد چون خاهد که دوستی
کند خاتم سلیمان که نقش کرده باشد در شب قلم را
در موم گیرد در ساعت سعد بنام انکس در زیر آستانه
خانه انکس پنهان کند که دوستی پیدا شود
۳ و ۸ هر دو یکدیگر را دوست دارند اما نظاره
خود را دور دارند علاج و فائده دارد ۳ و ۹
میان ایشان موافق باشد مشک افسون کرده
بحمد و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخوانند چون
بوی خوش با ایشان دهد محبت عظیم پیدا شود
دال ۳ و ۴ گاه محبت و گاه نفاق اما محبت
بجه فراوان باشد تا قصد این نکاه دارند محبت
باشد

فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم

باشند چیزی دست بردارند علاوت افتد ۴ و ۵
هر دو دوست دارند باشند و طبع ایشان با آتش نزدیک
بود و تحویل آتش سوی دارد ۳ و ۴ و ۶ از این موافقت
توان محبت جهت موافقت ایشان که چهار
طبع نزدیک است ۴ و ۱۰ یک دیگر را اعتماد دارند
در شک افتد از یک دیگر نتوان کرد و محبت بیشتر
از مرد باشد علاج با آتش توان کرد ۴ و ۱ میانه
ایشان دوستی تمام باشد بوی خوش افسون کرده
نیکو بود الهی آمین ۵ و ۵ هر دو یک دیگر را دوست
دارند محبت کردن در میان ایشان دیو نیکی آورد
۵ و ۲ [illegible] منازعت ایشان نهایت دوستی بود چنانکه یکی
یکی یکی جز [illegible] نتوان کرد ۵ و ۸ یکی یکی را دوست دارند
علاج خواهی بکن و نخواهی مکن ۵ و ۹ موافق باشند اما
موافق باشند اما عاقبت جدائی افتد الراد ۶ و ع

۲ و ۵ و ۶ مبارزان ایشان موافقت علم ... الافراد

عدد ع بغایت محبت باشند خواه کنی و خواه نکنی

عدد ۷ محبت باشند و علاج که گفتن واز یکی جانب بود دیگری نبود

عدد ۸ بغایت موافق باشند عدد ۹ دوستی ایشان

زیاده از عداوت باشد و افسون با صلاح آورد

هر دو مخالف نمایند مگر افسون

السرای لادما

کنند در آب اند از ند و بخورد هر دو هند لا و ۸

هر دو دوستدار باشند از دوستی زیاده یکدیگر را حرمت

ندارند لا و ۹ دوست باشند علاج شعر در ایشان

تعوید آنچه باید نگاه دارند الحسای ۸ و ۸

میان ایشان رشک بسیار باشد تعوید بمشک

و زعفران بنویسد بغایت نیک باشد و مشک

افسون کرده با خود دارند ۸ و ۹ میانه ایشان علاج شود

ندارد و محبت اصلا نبود عاقبت عداوت پیدا شود

الطا ۹ و ۹ هر دو مخالف نمایند و معالجه ایشان

نیکو

میگوید خاصه بریحانه بوستاند و این افسون بر روی

خوید اینت تلرقا طهرقا یاهود شقت هیاهیا

آذدنی اصبادت ال شمل ای افسون کر ابنام فلانی

ددو سخن افکنند از قم ۲۴۴ در بخان ۲۴۴ هلا هلا

هلا هلا هلا الجل ۳ بار الوحا الوحا و مراد ازین

حساب آنست که میان دو حلال اگر خصومت باشد

حساب کنند اگر موافق است معالجه کنند والسلام

از برای احضار مطلوب این مربع را در ساعت زحل بر روی

هل اهل

زر بکنند بکشد

در روی دیگر نعل این مخمس

دو ۹۱۵۸۳

۱۵۴۵	۳	۹	۱۰	۱۶
۵	۱۱	۱۷	۱۵۴۶	۴
۱۸	۱۵۴۷	[illegible]	۶	۱۲
۱	۷	۱۳	۱۹	۱۵۴۳
۱۴	۱۵	۱۵۴۴	۲	۸

۳۹۱	۴۰۳	۳۹۷	۳۹۲
۳۹۹	۳۹۹	۴۰۱	۴۰۴
۳۹۴	۳۹۳	۳ ۹	۳۸۹
۴۰۲	۳۸۸	۳۹۵	۳۹۸

بعوید یا شمعو ثا یا شفیشا بجوهلن السهان واحرموم

یهج بهج یا ملک الجن والشیاطین هیو هیحی فکلف قر برو

علی محبت فر بر فر العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا

الساعة الساعة الساعة الحریق الحریق الحریق

النار النار النار بعد در زیر آتش گذارد مطلوب

حاضر شود و در وقتی که نار گذارد قدری کندر و جاوی

و مصطکی و میعه سائله و نبات در آتش ریزد و مداد آن

سرخ نبات و صمغ عربی است

جهت خواب دیدن این اسم بود ست چب بنویسد دو سخن

نکو بود بخواب رود هر نیت که کرده باشد در خواب بیند

ماروس حاروس باسما بهرم سلح

صفهای اسمد یادرواح اگر ترا حاجتی باشد و

خواهی که بدانی آن حاجت روا خواهد شد یا نه مشتی

از حبوبات بود او کندم یا جو یا برنج و نیت کند

حاجت خود را و جفت جفت از آن بردارد و شش

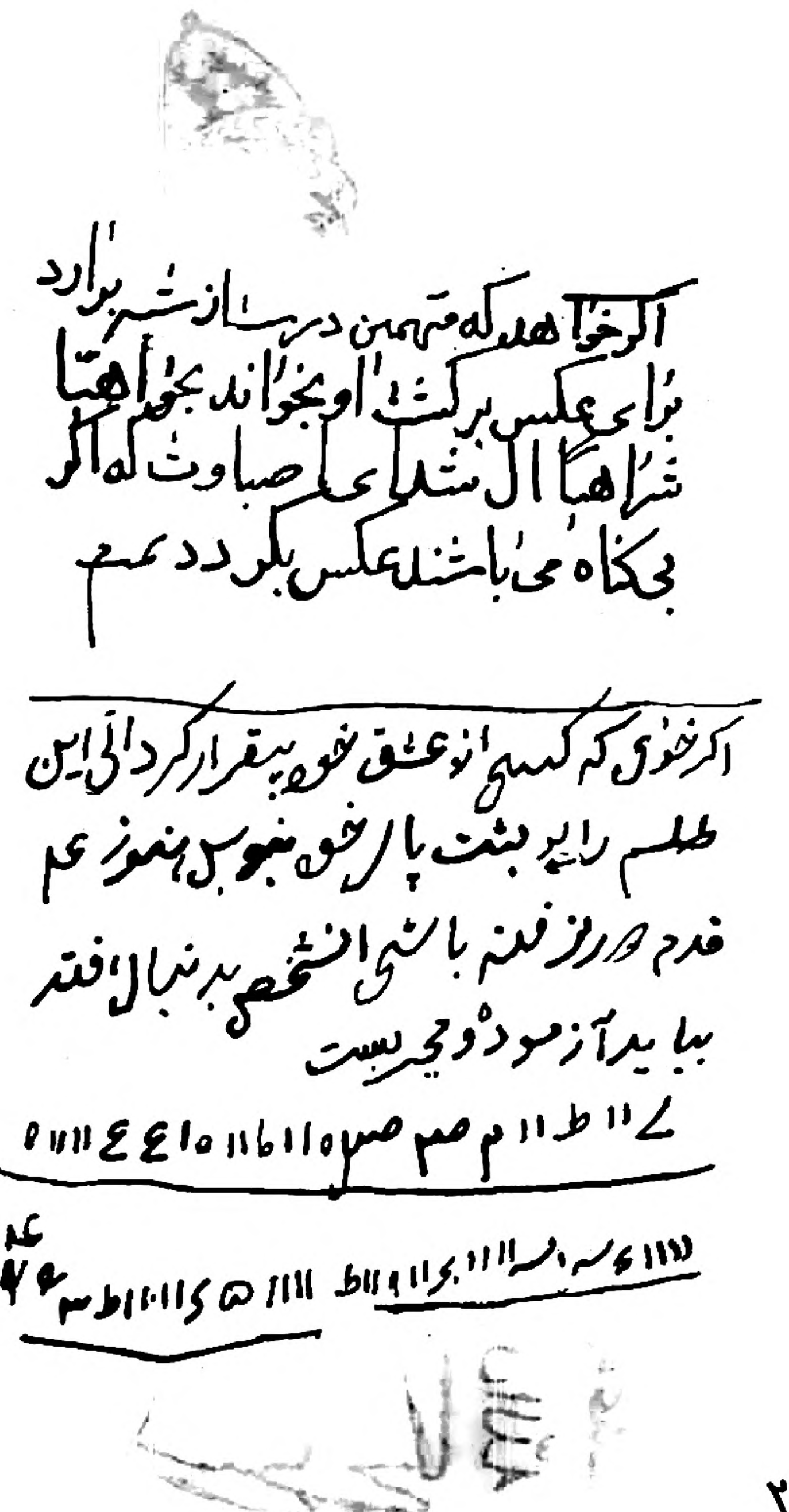
شش طرح کند اگر یک بماند از ذهره باشد و حاجت

زود روا شود

و

واگر دو بماند از مریخ باشد و حاجت روا نشود واگر
سه بماند از مشتری باشد حاجت روا شود واگر چهار
باشد از زحل باشد حاجت روا نشود واگر پنج بماند از
از آفتاب باشد حاجت روا شود واگر شش بماند از ماه
باشد و حاجت زود روا شود دعا بجهت جنات و جمادات شخصی
که در سفر باشد نبوده پس این دعا را بنویسد بر کاغذی و بر سنگی
یا کلوخ پاک ببندد و در چاه آب اندازد که بزیر آب رود در
گوش دهد هرگاه صدای غلغله میاید بر صحت باشد و هرگاه صدا
نشنود این مرده باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا قوم انما هذه
الحیوة الدنیا متاع وان الدار الآخرة هی دار القرار من عمل صالحا
حتی ذکر او انثی و هو مؤمن
ا ا ۹ ا ۱ ۱ ۵ ع م ط ل ا م ا م و ح ۶

حساب حیات ممات مریض اسم مریض را حساب نماید و اسم مادر او
و اسم روز و اسم عدد ایام ماه و بیست و یک اضافه نماید و سی و سی
طرح نماید اگر لوح حیات زنده واگر در ممات بماند مرده است



اگر خواهد که متهمین در میان از شهر برارد
برای عکس برکت او بخواند بخواهیا
شراهیا ال شدای صباوت که اگر
بیگناه می باشد عکس بگردد

اگر خواهی که کسی از عشق خود بیقرار گردد این
طلسم را بر پشت پا رخود محبوب بنویسد هر
قدم ور که رفته باشد آن شخص بدنبال افتد
بباید آزموده و مجربست


صلی الله علیک یا رسول الله

لوح حیات

۱	۲	۳
۷	۱۱	۱۳
۱۴	۱۶	۱۷
۱۹	۲۰	۲۲
۲۳	۲۶	۲۸

لوح ممات

۴	۵	۶
۸	۹	۱۰
۱۲	۱۵	۱۸
۲۱	۲۴	۲۵
۲۷	۲۹	۳۰

جمل کبیر تبین

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱۱۱	۳	۵۳	۳۵	۶	۱۳	۸	۹	۱۰

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف
۱۱	۱۰۱	۷۱	۹۰	۱۰۶	۱۱۲	۱۳۰	۸۱

ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ
۹۵	۱۸۱	۲۰۱	۳۶۰	۴۰۱	۵۰۱	۶۰۱	۷۳۱

ض	ظ	غ
۸۰۵	۹۰۱	۱۰۶۰

جمل کبیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

وسیط

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

ختم ۵ جفته و دل کج سیاه و دل جفته
بچشم کند جن بند

جمل صغیر

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸

ل م ن س ع ف ص ق ر ش
۶ ساقط ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۲ ۴ ۲ ۸ ساقط

ت ث خ ذ ض ظ غ
۴ ۸ ساقط ۴ ۸ ساقط ۴

ایقغ بکر جلش دمت هنث
۱۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵

وسخ زعذ حفض طضظ
۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹

ختم سوره والشمس روزی هزار مرتبه بخوانند

جهت رد بردی آفت ختم سوره والشمس از برای رفع آفات
والتفافات چهل یوم با ترک حیوانی و بخور و صوم اول طلوع
آفتاب مقابل آفتاب و وقت غروب مقابل آن بخوانند
صبح هزار مرتبه وقت غروب آفتاب هزار مرتبه بخوانند

از برای تسخیر ارواح دعوة دعا و تسبیح
هفت یوم هر روز دو بیست مرتبه بخواند
اگر بخواهد در یک مجلس بخواند بسیار
صعب است پنج قسمت نمودیم هر قسمت
چهل مرتبه بعد از نماز پنج گانه یومیه
هر قسمت را بخواند مع شرایط از بخور
و صوم و خلوت و غسل و ترک حیوانی

شرح یاسین مغربی ابن عربی است

بسم الله الرحمن الرحیم مروی است از امام بحق
ناطق جعفر الصادق علیه السلام که از رسول خدا صلعم روایت کرده
است که هر که این سوره را در پایین نماز شام در شعبان بخواند
از جمیع بلاها محفوظ ماند و مرادات دینا و اخروی را حاصل
کرده و اگر این سوره را بخواند و بر آب روان دمد و بعد از آن
وضوء بسازد دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعتی
بعد

بعد از حمد این سوره را بخواند و بر خود دمد اگر همه

عالم را آب بگیرد او در روی آب باشد هیچ المی

باو نرسد بفرمان خدای تعالی و اگر این سوره را در

ساعت سعد بنویسد در بازوی راست

خود بندد دشمنان دوست او گردند و جمیع خلا

یق مسخر او گردند و اگر خواهی که کسی را عاشق

خود گردانی چنانچه بی تو یکدم آرام نگیرد باید

سوره را چهار سنگ ریزه بخواند و در کوزه آب

ندیده اندازد و سر کوزه را موم بگیرد و در آتش

خانه حمام دفن کند آنکس از عشق بیقرار گردد

و اگر خواهی ابواب خیر بر روی تو گشاده گردد باید که

دو رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از حمد

این

این سوره را بخوانند و این عمل در روز سه شنبه یا پنج شنبه

یا جمعه بجا آورد ابواب دولت بروی او گشاده

شود و اگر بخواهی میان دو کس جدائی و دشمنی افکنی

این سوره هفت مرتبه بخوان بر دو پاره نان

و بسک ده و اگر مرد باشد بسک نر بده تا بخورد

چنان شوند که هرگز یکی بیکی را نتوانند دید

و اگر زن باشد بسگ ماده و اگر خواهی که دشمن

خود را هلاک کنی بیاور یکعدد خشت خام و دیگ

خود ... بکن و صد یکبار بخوان

این سوره را ده مرتبه که تمام شود یک خط بر روی

خشت بکش تا صد یکبار تمام شود و آنگاه

خشت را چنان کن و نماز میت بر آن

بکن

بلکن دردان شخص دشمن دا بنظر درآورد وجمع داده
چنان را بعقب سر خود در آب انداز چون ان
خشت در آب ضایع شود آن شخص نیز هلاک
شود اما زینهار این عمل را مکن و بجهت بازامدن
غائب این سوره را بیست و یکمرتبه بخواند بنیت
غائب یا غائبه بزودی بیاید و اگر این سوره
را بوگاه غسل بنویسد در صندوق کند و در بازوی
راست خود ببندد عجایب بسیار مشاهده نماید
و در نزد خلایق عزیز و محترم گردد و اگر خواهی که
دو دندانت هیچ درد نکند بنویسد نزد مشکل بخواند تا چنین باشد
که هفتاد ختم قرآن کرده باشد و همیشه در حفظ الله
خدا باشد و اگر خواهید که عقد اللسان کند بکلمه الرحیم
هفت رنگ و نوهفت کره بران دو بر هر گره هفت
باد

بار این سوره را بخوان و در پیش خانه انکس
دفن کن لسان انکس بسته گردد و اگر خواهی کسی
امور بان خود کنی بگیر چهل عدد سنگ ریزها بگیر
و سنگ ریزها را در کوزه اب نریز و بکن و سر آن
کوزه را بموم بگیر و در گرما به حمام دفن کن و بعد از آن
عجایبها خواهی دید و بیم آن بود که دیوانه گردد و بیقرار
شود و اگر خواهی که کسی را مطیع و فرمان بردار خود
کردنی بیا در قلعی نشادر در هفت این سوره را
بر آن بخوان و بر آن نشادر بدم و در خانه انکس
دفن کن که مطیع و فرمان بردار شود و از در بی
قرار شود و اگر خواهی کسی را عقل السان کنی
بیا و دیک خشت خام و بلیک و یکبار این
سوره

این سوره را بر آن خشت بخواند و بدمد و با کسی سخن
مگوید هر دفعه که سوره تمام کند خطی بر روی خشت
بکشد چون تمام شود آن خاک که بر روی خشت
جمع شده باشد برداشته و گل کرده و بر روی
همان خشت بمالد و آنرا در گور کهنه دفن
کند و بگوید بستم زبان فلان ابن فلان را از اینرا
بسیار حرف زدن و اگر کسی را بسته باشند
که علاج آن نتوان کرد باید که هفت روز این
سوره را بخواند در آب دمد و بخورد گشاده
گردد و علتی که داشته باشد دفع شود نحو بدل
این سوره را بنویسد بمشک و زعفران
و گلاب بشوید و بخورد جهل را اگر کسی دست
تنگ باشد باید که بعد از نماز خفتن این سوره
را یکبار

را یکبار بخواند هر صد مرتبه صلوات بفرستد حق تعالی

در دنیا و آخرت نوری از او بکشاید و توانگر گرداند و اگر کسی

خواهد که میان جماعتی از ایشان نزاع باشد و سنگی که بود

یکمن باشد بیاورد چهل یکبار این سوره را

بر آن سنگ بخواند و ببرد و در جائی که سرد باشد

بگذارد در حال در میان ایشان دشمنی پیدا شود

و از یکدیگر جدا شوند و اگر خواهی که میل عاشق

و ببرد از معشوق گرداند این سوره را بر نمک بخواند

و در روز یکشنبه پیش از نماز با صد و بعد از آن

این آیه را بخواند که و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه

قال من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی

انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم یا یک

مرتبه

مرتبه و بگو لبستم دل و جان فلان ابن فلان

را بمحبت و عشق فلان ابن فلان چنان

شود که اگر یکدم نه بیند دیوانه شود

و اگر کسی این سوره را بزعفران و گلاب بنویسد

و بشوید و بخورد دلش قوی گردد و هر چه بشنود

یاد گیرد و فراموش نکند و در هر خانه که سوره

باشد دیو و پری و جن و النور گزند و آسیبی

بران خانه نرسانند و اگر کسی را فرزند نباشد

یا بشود و نماند این سوره را بنویسد بزعفران

و گلاب و در صوم کرده و با آب زمزم زن و مرد و زن

ازان آب بخورند و بعد ازان در بازوی چپ

یادداشت به بندد و بهتر انست که مرد با زن

مقاربت نماید البته فرزند حاصل شود

بفرمان حقتعالی

اگر

اگر خواهی کسی را عاشق و بیقرار خود کردانی بگیر
چهار دیگر انه فلفل سفید و برهر دانه یکمرتبه این
سوره را بخوان و بدم و هر دانه را در دهان موی سیاه
نرو هر دو در بر آتش بسوزان بیان بود که ان شخص
دیوانه شود از جهت محبت کیرا این سوره را بر هفت
میخ آهن بخوان و در آتش انداز تا سرخ شود ان
شخص از عشق بیقرار کردد و از محبت دیوانه شود
اگر خواهی زبان جماعتی را ببندی بیا در قدری
آرد جو خمیر کن و چهل دانه کلوله کن و هر یکی یکبار
این سوره را بخوان و بان خمیرها بدم و در آب
انداز تمام هر کسی که خواهی زبان ان جماعت بسته
شود که هر کز بدی نتوانند گفت و دیگر اگر
خوا

خواهی که کسی را عاشق و محب خود گردانی بیاور

چهل و یک عدد سنگریزه و این سوره را بر آنها بخوان و
بهر دانه یکبار بدم و سنگ را در کوزه آب ندیده سبز کن
و در جائیکه دائم گرم باشد پنهان کن عجایبها بینی که
هرگز ندیده باشی و جمله دیو و پری و جن و انس مسخر
خود گردانی و دیگر اگر کسی این سوره را ۳ مرتبه صبح
بخواند مراد وی حاصل گردد اگر خواهی کسی را عقد اللسان
کنی بیاور پاره ریسمان که دختر نابالغ رشته باشد و سه مرتبه
این سوره را بر آن بخوان و بر آن بدم و ۳ گره هم بزن بر آن
و در خوانه آن کس پنهان کن زبان آنکس بسته گردد بدی نتوان گفت
و دیگر اگر کسی را مار یا عقرب گزیده باشد این سوره را هفت نوبت
بخواند و بر آب بدمد و آن آب بخورد شفا یابد و اگر کسی نتواند
خواند بر پوست آهو نویسد و با خود نگاه دارد از او هیچ
گزنده باو نرسد و اگر صد خون کرده باشد کسی دشمنی نکرده
نتواند کرد و اگر همه عالم دشمن وی شوند یکجو ضرر
نتوانند رسانید و اگر خواهی میان دو کس جدائی

اندازی بیاور پاره خاک چهارراه را و این سوره را
بخوان و بران بدم و در روز چهارشنبه این عمل را کند
در ساعت مریخ و در خوابگاه آنکس انداز البته از یکدیگر
جدا شوند بنوعیکه هرگز یکدیگر را نتوان دید واگر خواهی
از عشق خود بیقرار گردانی و دوست و محب خود گردانی
روز پنجشنبه در ساعت زهره یا مشتری این سوره را هفت بار
بخواند و بر شکر دمد و بانکس بخوراند در روز شنبه با
چنان محب او شود که بی او آرام نداشته باشد دیگر اگر
خواهی کسی را مطیع و فرمان بردار خود گردانی بیاور پاره جامه
آنکس را و یکبار این سوره را بر آن بخوان و بدم بر آن و در آتش
انداز آنکس چنان شود که یکدم بی تو آرام نگیرد و شرح این سوره
بسیار است بدین اختصار کردیم که خواننده و نویسنده را
ملال نگیرد و رغبت در نوشتن کند

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

یٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ
عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ تَنْزِیلَ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ لِتُنْذِرَ
قَوْمًا

قَوْماً ما اُنذِرَ آباؤُهُم فَهُمْ غافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ
القَوْلُ عَلى اَكْثَرِهِم فَهُم لا يُؤْمِنُونَ اِنّا جَعَلْنا
فِي اَعْناقِهِمْ اَغْلالاً فَهِيَ اِلَى الاَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
وَجَعَلْنا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً
فَاَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ وَسَواءٌ عَلَيْهِمْ
ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ اِنَّما
تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ
بِمَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ كَرِيمٍ اِنّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتى وَنَكْتُبُ
ما قَدَّمُوا وَآثارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْناهُ فِي اِمامٍ مُبِينٍ
وبعد بگو سُبْحانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ
سُبْحانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحانَ الْمُيَسِّرِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ
سُبْحانَ الْعالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحانَ مَنْ جَعَلَ خَزائِنَهُ
بَيْنَ الْكافِ وَالنُّونِ سُبْحانَ الَّذِي اِذا اَرادَ شَيْئاً
اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

كُلُّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ
وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سوره فاتحة الكتاب را بخواند وبعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ يَا مُبِينُ
يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ
وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
الْكَرِيمِ الْمُكَرَّمِ إِنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
بعد از آن حاجت خود را سؤال كند

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ
إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا

إليهم

إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا
إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ و بعد این دعا را بخواند
سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ
سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ لِكُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ
سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ سُبْحَانَ الَّذِي
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ
سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ
حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و سوره حمد را تا آخر انشاءالله

بخواند و هر حاجت که دارد از خدا مسئول نماید البته بر آورده میشود

و بعد از حاجت این دعا بخواند اَللّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْمُكَرَّمِ

أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وکرر قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

و بعد بگوید

و بعد بگوید سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ
الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ
سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ لِكُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ
مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ
مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ
الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونَ
فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى
عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ
تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ
رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و بعد سوره حمد را تا آخر بخواند

و هر حاجت که خواهد بخواند که ان شاء الله برآورده است و بعد از آن این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ یا مُبینُ یا مُبینُ یا مُبینُ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اِسْمِكَ العَظیمِ

الاَعْظَمِ وَ نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ

وَ سَلَّمَ الكَریمِ اَلْكَریمِ اَنْ تَفْعَلَ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ

و بعد حاجت را سؤال کند و بگوید وَ ما لِیَ لا اَعْبُدُ الَّذی

فَطَرَنی وَ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

اِنْ یُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لا تُغْنِ عَنّی شَفاعَتُهُمْ شَیْئاً

وَ لا یُنْقِذُونَ اِنّی اِذاً لَفی ضَلالٍ مُبینٍ

اِنّی آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ قیلَ ادْخُلِ الجَنَّةَ

قالَ یا لَیْتَ قَوْمی یَعْلَمُونَ بِما غَفَرَ لی رَبّی وَ جَعَلَنی

مِنَ المُكْرَمینَ و حاجت خود را بخواهد پس بگو یا مالِكَ المُلْكِ

یا ذَا الجَلالِ وَ الاِكْرامِ اِلٰهَنا وَ اِلٰهَ كُلِّ شَیْءٍ اِلٰهاً واحِداً

لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا بَدیعَ السَّماواتِ

وَ الاَرْضِ یا ذَا الجَلالِ وَ الاِكْرامِ اَللّٰهُمَّ اَكْرِمْنی

مِنْ فَضْ

مِن فيضِ جودِكَ وكرمِكَ افعَل بي ما انتَ اهلُه

في الدّارين ولا تفعَل بي ما انا اهلُه سپس جاجرادرخاطر

آورد وبگوید اَجِبني و نیمه نوبت بگوید یا قاضي الحاجات

اِقضِ حاجتي و بیجده نوبت بگوید وَما انزلنا علی قومه

مِن بعدِه مِن جُندٍ مِنَ السّماءِ وَما كُنّا مُنزِلين اِن كانت

اِلّا صيحةً واحدةً فاذا هُم خامِدُون يا حسرةً على

العِبادِ ما يأتيهِم مِن رسولٍ الّا كانوا بِه يستهزِؤن

الم يروا كم اهلكنا قبلهُم مِنَ القُرونِ انّهم اليهِم

لا يرجِعُون وان كلٌّ لمّا جميعٌ لدينا مُحضَرُون

وآيةٌ لهُمُ الارضُ الميتةُ احييناها واخرجنا

مِنها حبًّا فمِنهُ يأكُلُون وجعلنا فيها جنّاتٍ

مِن نخيلٍ واعنابٍ وفجّرنا فيها مِنَ العُيُونِ

لِيأكُلوا مِن ثمرِه وما عمِلَتهُ ايديهِم افلا يشكُرُون

سُبحانَ الّذي خلقَ الازواجَ كُلَّها مِمّا تُنبِتُ الارضُ

وَمِن انفُسِهِم وَمِمّا لا يعلمُون وآيةٌ لهُمُ الّيلُ نسلخُ

مِنْهُ النَّهارَ فَاِذا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ

لَها چهارده مرتبه بگوید ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

چهارده مرتبه بگوید يا قَدِيرُ يا عَزِيزُ يا عَلِيمُ يازده مرتبه بگوید

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِياءِ

وَالْجُودِ وَالْبَهاءِ وَالنُّورِ وَالثَّناءِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي

تَدَكْدَكَتْ مِنْ مَخافَتِهِ صُمُّ الصُّخُورِ الصِّلابِ وَخَضَعَتْ

لِهَيْبَتِهِ وَعِزَّتِهِ رَواسِي الْجِبالِ الرّاسِياتِ وَجاءَ

بِقُدْرَتِهِ حُرُوفاً اَظْهَرَتْ آثارَ الْعَجَبِ وَالْعُجابِ

سَلْفاً سَلْفاً عَجْلانَ اَيْهُوَيَهْ بِهِ اِهِ اِهِ هُوَ اللهُ

لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْفَرْدُ الْوِتْرُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ دوازده مرتبه بگوید

حَيٌّ قَيُّومٌ یازده مرتبه بگوید فَقُلْ لَهُمْ شاخِ اِلِ اِلِ صَلْلِلِ

مُطِيعٌ لَكَ يا اِلٰ يا حَيُّ يا قَيُّومُ اَهِيا شَراهِيا اَذُونَي

اَصْباؤُتِ اِلِ رُشْدَيْ اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ

رَبِّ هُوجِ دِيَتِهِ وَكَهِلٍ كَهُولٍ كَهُ يا صَعْصَعاثُ

يا صَعْهَيُوثُ اَهُوثُ اَهُوثُ اِثْ هَلْ تَعْلَمُ

لَهُ

لهُ سميّاً الحیّ القیّوم حیّاً قیّوماً یاذو الجلال و الإکرام
اسید عار یازده مرتبه بخواند یا بدیع السّموات و الارض هل أن توصف
ذاتک بلذاتِ اسمک بمشکلاتٍ من اجل هیبتک و
کفّتْ لعقول حتّی حمدتک فاکُسن حتّی حمدتک
و اخطات الابصار و الافکار تتقلقل بذکرک
و القلوب تنطق بسرّک انّ الذین عند ربّک
لا یستکبرون عن عبادته و له یسجدون
اللّهمّ اعطف علی قلوب عبادک لهند المحبّة
و بعطفک العظیم فانّه لا عطف یا مالک ذی الجلال
و الإکرام پس حاجت خود را بخواهد و ۳ مرتبه اسید عار بخواند
باسمک الله الحیّ القیّوم ذی الجلال و الإکرام
بدیع السّموات و الارض ارحم الرّاحمین و بعد بگوید
و القمر قدّرناه منازل حتّی عاد کالعرجون القدیم
لا الشّمس ینبغی لها ان تدرک القمر و لا اللّیل سابق النّهار

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (قصد مطلب موده بگوید) وَآيَةٌ
لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا
لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ
لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا
عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ
أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (وبعد ازین عبارات خواند)
سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ
مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْمُبَشِّرِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ
عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ
مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي

بيده

بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ

سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ فَسُبْحَانَ

اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ

عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ وَهَجَرَ اسْتُولْ كُن وَبَعْدُ بِكُو

اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ

الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الکریم المکرم ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی

ما انا اهله حاجرا سئول کن وَیَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا

الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً

وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا

مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ

الْمُرْسَلُونَ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ

جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي

ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ

وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ و حاجت بخواهد و ۳ بار بگوید

سلام قولا

سلامٌ قولاً من ربٍ رحیم و شانزده مرتبه بگوید
اللهمّ اکفنی واعف عنی واغفرلی و حاجتم
وافعل بی ما انت اهله فی الدارین ولا تفعل بی
ما انا اهله فی الدارین سلامٌ قولاً من ربٍ رحیم
پس حاجت را سؤال کن اللهمّ اکفنی واعف عنی وکن
حظی من الدارین پس شانزده بار بگوید یا سلام
یا ربّ یا رحیم بعد از آن ۳ مرتبه بگوید اث نوح جلیل
یا دار سلامٌ قولاً من ربٍ رحیم غاب اغلوب
غنیل سلامٌ قولاً من ربٍ رحیم اغل تام دنوم
قام هنش نغاث سلامٌ قولاً من ربٍ رحیم یا الهنا
واله کل شیء الهنا واحداً لا اله الا انت
بحقک بحق ابن سلفا اهیبوا عجلایه وامتازوا
الیوم ایها المجرمون الم اعهد الیکم یا بنی آدم
ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین

وبعد از آن بگوید سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ
سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُيَسِّرِ عَنْ كُلِّ
مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ لِكُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ
الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ
يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ
حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دلواره فاخر

و سوره فاتحه را بخواند اَللّٰهُمَّ یا مُبِینُ یا مُبِینُ یا مُبِینُ

بِحَقِّ اِسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ

عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْکَرِیمِ الْاَکْرَمِ اَنْ تَفْعَلَ بِی

مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَ اَنِ اعْبُدُونِی هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ

وَ لَقَدْ اَضَلَّ مِنْکُمْ جِبِلًّا کَثِیرًا اَفَلَمْ تَکُونُوا تَعْقِلُونَ

هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ اِصْلَوْهَا

الْیَوْمَ بِمَا کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰی اَفْوَاهِهِمْ

وَ تُکَلِّمُنَا اَیْدِیهِمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا کَانُوا

یَکْسِبُونَ وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلٰی اَعْیُنِهِمْ فَا

اسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰی یُبْصِرُونَ وَ لَوْ نَشَاءُ

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلٰی مَکَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِیًّا وَ لَا

یَرْجِعُونَ وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ اَفَلَا

یَعْقِلُونَ وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَ مَا یَنْبَغِی لَهُ

اِنْ هُوَ اِلَّا ذِکْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبِینٌ و بعد اسید عا را بخواند

سبحان المفرج عن كل محزون سبحان المنفس عن كل
مشحون سبحان المبشر عن كل مدیون سبحان
الملخص لكل مشحون سبحان العالم لكل مكنون
سبحان من جعل خزائنه بين الكاف و النون سبحان الذي
اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي
بيده ملكوت كل شئ و اليه ترجعون سبحانه
سبحانه سبحانه و تعالى عما يصفون فسبحان الله
حين تمسون و حين تصبحون و له الحمد في
السموات و الارض و عشيا و حين تظهرون
يخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی
الارض بعد موتها و كذلك تخرجون سبحان
ربك رب العزة عما يصفون و سلام على
المرسلين و الحمد لله رب العالمين سوره فاتحه را
تا آخر بخواند و بعد بگوید اللهم

اللهم یا مبین یا مبین یا مبین اسئلک بحق اسمک
العظیم الاعظم و نبیک محمد صلی الله علیه
و آله و سلم الکریم الاکرم ان تفعل بی ما انت
اهله و لا تفعل بی ما انا اهله حاجرا ذکر کن و بگو
لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین
او لم یروا انا خلقنا لهم مما عملت
ایدینا انعاما فهم لها مالکون و ذللناها لهم
فمنها رکوبهم و منها یأکلون و ۳ مرتبه بگوید
اللهم مکنی خیرا فی الدنیا و الآخرة و ذللنی
صعابها بحق هذه السورة الشریفة یا ارحم
الراحمین و بعد بگوید و لهم فیها منافع و مشارب
افلا یشکرون و اتخذوا من دون الله آلهة
لعلهم ینصرون لا یستطیعون نصرهم و هم
لهم جند محضرون و لا یحزنک قولهم ۳۲۹

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ

أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ

و حاجت خود را بخواهد و بگوید سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ

مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحَانَ

الْمُيَسِّرِ لِكُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْمُلَخِّصِ لِكُلِّ مَشْحُونٍ

سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ

بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ

وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ وَ

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ

تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ

مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ

تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

و سلام

وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
فاتحه را تا آخر بخواند و بگوید اللهم یا مبینی یا مبین یا مبین
اسئلک بحق اسمک العظیم الاعظم و نبیک
محمد صلی الله علیه و آله و سلم الکریم المکرم
ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله
و بعد بگوید وضرب لنا مثلا و نسی خلقه قال
من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی
انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم ۳ مرتبه بگوید
یا من یحیی العظام و هی رمیم احی قلبی و روحی
بمحبتک و احی رزقی و محبتی فی قلوب خلقک
اجمعین فانه لا محبة الا محبتک پنج مرتبه
بگو الله قادر تیسیر امری و قضاء حوائجی حاجتی
و بعد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا
فاذا انتم منه توقدون اولیس الذی

خلق السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم
بلی وهو الخلاق العلیم ۷ مرتبه بگوید انما
امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون
۳ مرتبه بگوید یا من امره بین الکاف والنون
بل اسرع واقرب مما یکون کون لی ما
ارجوه من کرمک وفضلک یا اکرم الاکرمین
و سه بگوید و یا اکرم المسئولین یا ارحم الراحمین
سه بگوید فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه
ترجعون سه بگوید سبحان المفرج عن کل محزون
سبحان المنفس عن کل مشحون سبحان المیسر لکل مدیون
سبحان الملخص عن کل مسجون سبحان العالم بکل مکنون
سبحان من جعل خزائنه بین الکاف والنون سبحان الذی
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون سبحان الذی
بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون و سه بگوید

بسم الله

سبحانه سبحانه سبحانه و تعالى عما يصفون

فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون

و له الحمد في السموات و الارض و عشيا

و حين تظهرون يخرج الحي من الميت و يخرج

الميت من الحي و يحيي الارض بعد موتها و كذلك

تخرجون سبحان ربك رب العزة عما يصفون

و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين

و سوره حمد را تا آخر بخواند و انیده عا را تا آخر بخواند یا مبین

یا مبین یا مبین اسئلك بحق اسمك العظيم الاعظم

و نبيك محمد صلى الله عليه و آله و سلم الكريم

المكرم ان تفعل بي ما انت اهله و لا تفعل بي ما انا اهله

حوائج خود را سئوال کند و بگوید یا مفرج فرج ده مرتبه

یا مغیث اغثنی یازده مرتبه یا غیاث المستغیثین

برحمتك يا ارحم الراحمين استغيث فحمن عذابك

استجب وبه بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين
الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذي خلقكم
من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم
تمترون هو الله في السموات وفي الارض
يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا
قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المومنين
الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماكثين
فيه ابدا وينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا
ما لهم به من علم ولا لابائهم كبرت كلمة تخرج
من افواههم ان يقولون الا كذبا

بسم الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

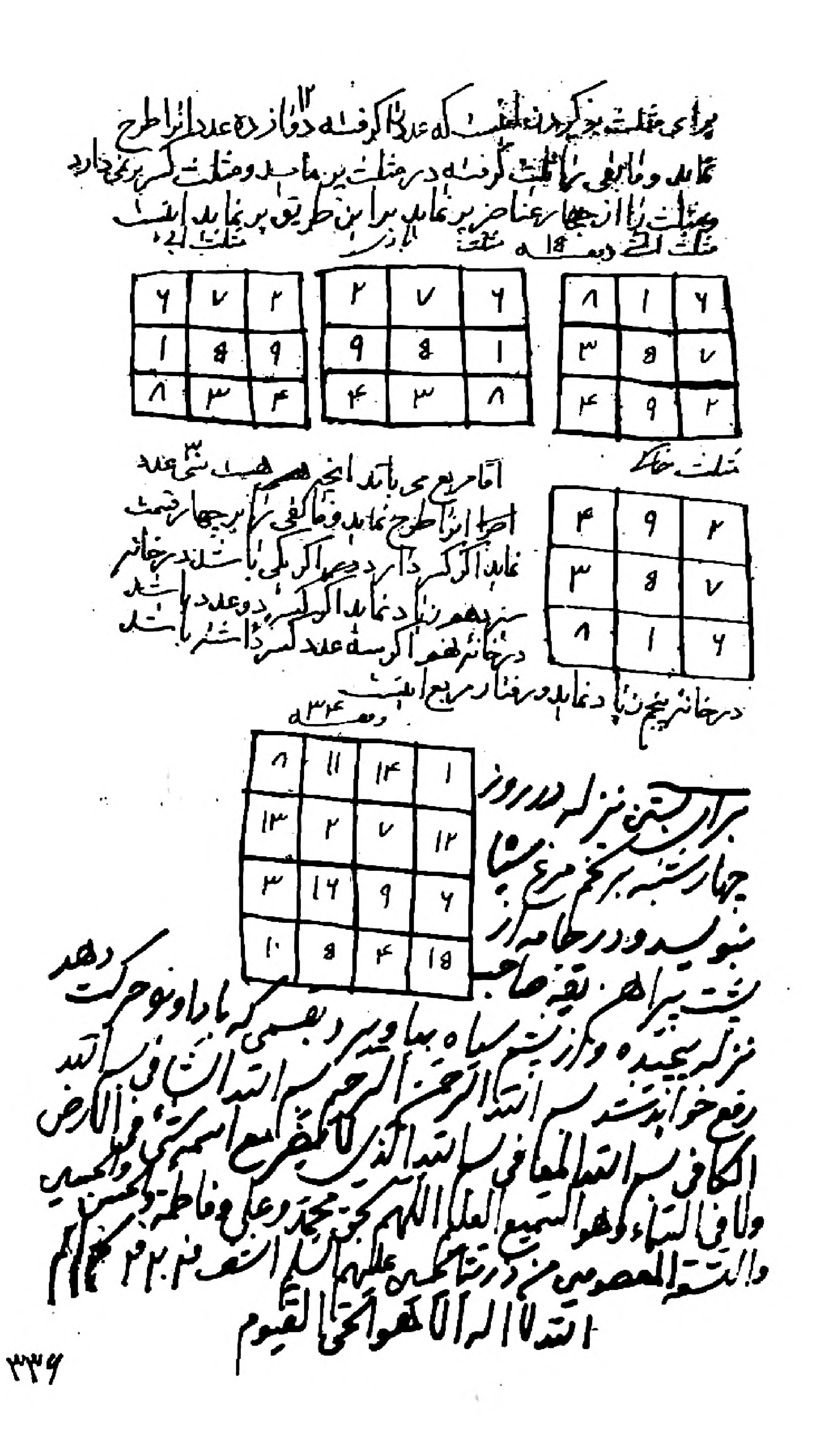
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ
فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ
اولي اجنحة مثنى وثلث ورباع يزيد
فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

کتبه وضّار الله ابن خیر الحاج حاجی ملا محمد صادق
تحته فولادی الاصفهانی
فی ۲۵ ع۲ سنه ۱۳۲۷

[illegible]



برای مثلث پر کردن اینست که عدد ۱۲ را گرفته دوازده عدد او را طرح
نماید و ما بقی را ثلث گرفته در مثلث پر نماید و مثلث کسر هم دارد
مثلث را از چهار عناصر پر نماید بر این طریق پر نماید اینست

مثلث آبی — بادی — مثلث آتشی و جمله ۱۵

٦	٧	٢
١	٥	٩
٨	٣	٤

٢	٧	٦
٩	٥	١
٤	٣	٨

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

مثلث خاکی

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

اما مربع می باید انچه هست سی ۳۰ عدد
اصل او را طرح نماید و ما بقی را بر چهار قسمت
نماید اگر کسر دارد اگر یکی باشد در خانه
سیزدهم زیاد نماید اگر کسر دو عدد باشد
در خانه نهم اگر سه عدد کسر داشته باشد
در خانه پنجم زیاد نماید و مقدار مربع اینست

و جمله ۳۴

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

برای بستن نزله در روز
چهارشنبه بر تخم مرغ بنویسد
و در جامه از زیر
پشت پیراهن یقه صاحب
نزله بپیچد و بگردن ریسمان سیاه ببافد و بر دست بعضی که ماداو نو حرکت دهد
رفع خواهد شد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ان فی بسم الله
الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم اللهم بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین
والتسعة المعصومین من ذریة الحسین علیهم السلام اشف ۲۲۰۲ [illegible]
الله لا اله الا هو الحی القیوم

برای دفع تب با خود دارد خوب شود باذن الله وکفی بالله ولیا

وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله علیما وکفی بالله

شهیدا وکفی بالله وکیلا

برای زیادی حافظه

حضرت رسول ص بحضرت امیرالمؤمنین ع

تعلیم نمودند که یا علی اگر بخواهی علم ایاد گیری

وحفظ نمائی بعد از هر نماز یکرتبه این دعا را

بخوان سُبحانَ مَن لا یَعتَدی عَلی اَهلِ

مَملکَتِه سُبحانَ مَن لا یأخُذُ اَهلَ

الأرضِ بِاَلوانِ العَذابِ سُبحانَ

الرَّؤُفِ الرَّحیم اللّهُمَّ اجعَل لی

فی قَلبی نُوراً وَبَصَراً وَفَهماً اِنَّکَ

عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ

بسم الله الرحمن الرحیم

قاعده ۲ اگر خواهی بدانی که مقصودی که داری درست میشود یا نه بگیر در مشت قبضه از شنها و هر یک را علیحده بگیر و جفت جفت طرح کنی مطلب را از دایره معلوم کند مجرب است دایره اینست

یک و یک و یک	یک و یک و دو	یک و دو و دو	دو و دو و دو و دو
البته که براد برسد انشاءالله تعالی برود در براد خواهد رسید	براد میرسد اما قدری طول دارد	احتمال ضعیف و امید بعیدی هست که درست بشود	این مطلب درست نمی شود البته

برای صلح زن و مرد این لفظ الی آخر آخر سورهٔ برائت و ولئن سألتهم الی ... در سوره
در چهار پاره چیر کاغذ نوشته در چهار گوشه اطاق دفن نماید در ساعت سعد
دیگر این زین للناس الی ماب بر شیرینی چهل یکم تبر بخواند تجربه دهد ساعت سعد

اگر خواهی کسی را محبت خود کردن بنویس این آیه را
بر پوست نارنج با اسم مطلوب و مادرش و در آب
روان انداز در محبت گرداند بسیار مجربست

لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین
قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم

کرجرّبت بنویس درکنار آب روان دفن کنه

بسیار مجرّبست [illegible]

[illegible]

ایضا اگر زنی را فرزند نشود این آیات را بر دو کاغذ بنو
یسد و یکی را بر بازوی زن بندد و یکی را شوهر و زن
و شوهر هر دو بخورند و جمع شوند فرزند بهم رسد اگر چه
عقیمه باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا یحیی خذ الکتاب بقوة و اتیناه الحکم صبیا بفرمان خدا تعالی حامله شود
اگر زنی را فرزند نشود بنویسد و بر او بندد و شوهر با او جمع

[illegible]

هو ۹ بار الله ۹ بار الحق
۹ بار القیوم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

۴۹

در عوض حروف بیست نه حروف یعنی الف
تا لام الف تا بیست و نه روز هر روز بسم الله الرحمن الرحیم
الف پنج هزار و هفصد و نود و پنج بار
بگوید هر روز همین طریق از سحر تا طلوع
آفتاب برای هر مهمی برآورده است
هرگاه روزه باشد و ترک حیوانی و بخور
نماید بهتر است عمل

تحصنت الف بهم حم
الوبا المشکل والمرتجی
وبندهما وقدعم

هرگاه کسی در مهمی گرفتار باشد این نام
نوشته زیر سر خود گذارد مطیع شود این است
عمل
انما لها ه طه ا الحا ه لسطور ه ل ه
ملک مسر سل المکامل

بجهة مراد مژده هر روز بعد از نماز صبح

قبل از تکلم بجهة دو حاجة بگوید یس والقرآن

الحکیم ص والقرآن ذی الذکر ق و

القرآن المجید ن والقلم وما یسطرون

اگر کسی خواهد دو نفر جنگ کنند این مهر را آب

اندازد و آن آب را در خانه آنکس بریزد در

حال ذنوا بود دهل طهطهطایا

کعسا یا طعطلما

از جهة تفرقه

از جهة احضار نوشته در زیر زانو گزارد

١٩

١٤		١٢
١٣	١٥	١٧
١٨	١١	١٦

۶

	٧	٢
١	۵	٩
٨	٣	۴

طریقه ختم الم نشرح در جهت بر آمدن
حاجات بغایت مجربست از شیخان
معتبر این ختم را گرفته اند و بمراد
رسیده اند بجهت بر آمدن حاجات
و مهمات و گشایش کارها و از برای
دفع دشمنان و دفع بیماری
طریقه آنست که هفت نوبت سوره
فاتحه را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد و هفتاد بار سوره الم
نشرح را بخواند و صد مرتبه صلوات
فرستد از سه روز نگذرد که مرادش
حاصل شود انشاالله تعالی

واز جمله نمازها نماز ظفر است جهة برآمدن
حاجت گذارند وآن دو رکعت است که در
هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله یکبار
واذا جاء نصر الله بیست وپنج بار بخوانند
وبعد از آن که فارغ شود پیشانی بر زمین
نهد وبگوید بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
هزار بار بعد از آن حاجت خواهند که برآورده شود ان شاء الله تعالی اگر بخوانند هزار
بار را در سجده گفتن نشستن گوید
هر کس که بعد از نماز صبح این دعا را چهار
بار بخواند در هر خواندن دست بر یک طرف
خود بزند تا شب در عنایت حق تعالی باشد
ودشمنان بر او ظفر نیابند واگر بزند ودشمن

عقب او باشد باز این دعا را همچنان بخواند
او را نتواند دیدن زینهار جهة فساد نخواند
اینست اللهم صحا صحا وحا بحا حم
لا یبصرون طه لا یبصرون وجعلنا من
بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص
حمعسق یا رب یا رب یا رب لا یصدعون
عنها ولا ینزفون

وتبه ۶۰ مثلث بدوح اینست
نفی ملفوظی بدوح

با دال واو حا — بدوح
۳ ۳۵ ۹۱۳ — ۲۰
جمع ۶۰

۱۹	۲۴	۱۷
۱۸	۲۰	۲۲
۲۳	۱۶	۲۱